

مجموعه‌ای از نصوص مبارکه و
دستخط‌هایی از طرف بیت العدل اعظم

در باره

✽ تحقیق و تتبع ✽

چاپ و توزیع توسط سایت عهد و میثاق
این مجموعه را می توان در www.ahdvamisagh.org مشاهده و دان لود نمود.
(بازبینی: ۲۴ تیر ۱۳۸۸)

فهرست مندرجات

..... ۴	مجموعه نصوص مبارکه در باره تحقیق و تتبع (Scholarship)
..... ۳	مقدمه
..... ۴	۱- مقام تحقیق و تتبع
..... ۱۱	۲- نقش و وظیفه مطالعات و تحقیقات بهائی
..... ۱۹	۳- اصول و دستور العمل کلی
..... ۳۶	نامه‌های دارالانشاء بیت العدل اعظم در باره نکاتی مربوط به مطالعه دیانت بهائی
..... ۳۷	نامه مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲
..... ۴۱	نامه مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۳
..... ۴۴	نامه مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۳
..... ۴۵	نامه مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۳
..... ۴۹	نامه مورخ ۱۹ می ۱۹۹۵
..... ۵۱	نامه مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۹۶
..... ۵۴	نامه مورخ ۲ جولای ۱۹۹۶
..... ۶۰	نامه مورخ ۳ جون ۱۹۹۷
..... ۶۳	نامه مورخ ۲۰ جولای ۱۹۹۷
..... ۶۸	نامه مورخ ۸ فوریه ۱۹۹۸
..... ۷۵	نامه مورخ ۷ آوریل ۱۹۹۹ دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی خطاب به محافل روحانی ملی
..... ۷۹	نامه مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۵ دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملی
..... ۸۲	بیانیه مورخ ۶ ژانویه ۲۰۰۲ حمله به امرالله در نقاب دانش پژوهی

مجموعه نصوص مبارکه در باره تحقیق و تتبع (Scholarship)

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امر الله و دستخط های بیت العدل اعظم الهی

تهیه شده از طرف دائره مطالعه نصوص و الواح در مرکز جهانی

فوریه ۱۹۹۵

ترجمه فارسی فقراتی که اصلا به زبان انگلیسی است

توسط: ناهید لوسن

(ترجمه غیر مصوبه)

مقدمه

ترجمه متّحدالمآل دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی مورّخ ۱۰ فوریه ۱۹۹۵ خطاب به تعدادی از محافل روحانیّه ملیّه

یاران عزیز الهی

بیت العدل اعظم مقرر فرموده‌اند که به ضمیمه نسخه‌ای از مجموعه نصوص مربوط به «تحقیق و تتبع» را برای آن محفل مقدس ارسال داریم. این مجموعه را اخیراً دایره مطالعه و تحقیق در نصوص در مرکز جهانی به دستور بیت العدل اعظم فراهم آورده است.

امید معهد اعلی آن است که مطالعه این مجموعه سبب تشویق و ارشاد در توسعه و پیشرفت مطالعات و تتبعات امری گردد و در اثر پیروی از محتویات آن کیفیت‌های بدیع این جنبه مهم و حیاتی از اقدامات امری واضح و مجسم شود.

بیت العدل اعظم از اعضای جامعه پیروان اسم اعظم دعوت می‌نماید که همه از پیر و جوان و زن و مرد بکوشند تا نمونه جدیدی از مطالعات و تحقیقات علمی را، منطبق با آنچه در این مجموعه آمده است و با الهام گرفتن از روحیه تجسس در معانی نامتناهی تعالیم الهی، به جهانیان ارائه دهند. خصوصیت چنین کوششی باید این باشد که همه کسانی که خواهان اینگونه اقدامات هستند را پذیرا شود تا هر یک بنا بر راه و روش خود از تشویق و همکاری متقابل ما بین عموم فضلا و محققان برخوردار شده و از احترامی که به موفقیّت‌های ممتاز و اقدامات برجسته در این زمینه نهاده می‌شود بهرمنند گردد. روحیه و روش تحقیق و تتبع باید از نخوت و استکبار و مجادله و معارضه و انحصار طلبی که غالباً سبب خدشه دار شدن نام آن در جامعه می‌گردد و در راه توسعه و پیشرفت سالم این حرفه پر ارج موانعی به وجود می‌آورد، به کلی برکنار باشد. اخذ تصمیم درباره چگونگی استفاده از مطالب ضمیمه بستگی به تشخیص آن محفل دارد.

با تحیات ابدع ابهی

دارالانشاء بیت العدل اعظم

۱- مقام تحقیق و تتبع

۱-۱ اهمیت علم و تعلیم

از آثار حضرت بهاء الله:

۱- "طراز ششم، دانائی از نعمت‌های بزرگ الهی است تحصیل آن برکل لازم این صنایع مشهوده و اسباب موجوده از نتایج علم و حکمت اوست که از قلم اعلی در زبر و الواح نازل شده. قلم اعلی آن قلمی است که لثالی حکمت و بیان و صنایع امکان از خزانه او ظاهر و هویدا." (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان، ص ۲۱)

۲- "علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقاقتست از برای صعود تحصیلش برکل لازم و لکن علومی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومی که بحرف ابتداء شود و بحرف منتهی گردد صاحبان علوم و صنایع را حق عظیم است بر اهل عالم ... فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط كذلك نطق لسان العظمة فی هذا السجن العظیم." (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان، ص ۲۸)

از مکاتیب و خطابات حضرت عبداله‌بهاء:

۳- "در ترقیات عصریه بکوشید و در مدنیت مقدسه جهد بلیغ و سعی شدید نمائید! ... و همچنین ترویج صنایع و اکتشاف منابع و توسیع دائره تجارت و صناعت و ترتیب آداب مدنیت و تزین مملکت و اطاعت و انقیاد تام بحکومت و اجتناب از رواج مفسدت." (منتخباتی از آثار مبارکه درباره تعلیم و تربیت، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۶ بدیع، ص ۱۱۸)

۴- "حال نیز در نهایت تأکید رجا از احبای الهی می نمایم که بقدر امکان بکوشند و در توسیع دائره تعلیم آنچه بیشتر کوشند خوشتر و شیرین تر گردد. حتی احبای الهی چه صغیر و چه کبیر چه ذکور و چه اناث هر یک بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و فنون متعارف چه روحانی چه امکانی بکوشند." (منتخباتی از آثار مبارکه درباره تعلیم و تربیت، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۶ بدیع، ص ۶۵)

۵- جمیع مواهب اساسا الهی است ولی هیچ موهبتی با قوه فکر و تمعن و تفحص و تفرس که عطیه ایست جاودانی و اثمار آن سبب مسرت ابدیست برابری ننماید، و انسان همواره از این اثمار متنعم گردد. دیگر عنایات ربانی موقت است ولی این فضل و عطا سرمدی است. حتی سلطنت و اقتدار محدود است و محو و زائل گردد ولی این ملک و پادشاهی را کسی غصب ننماید و معدوم نسازد. خلاصه آنکه این موهبت

ابدیست، عنایت ربانی است و اعظم عطیه پروردگار به عالم انسانی است لذا باید سعی بلیغ در کسب علوم و فنون نمائید هرچه بیشتر در این خصوص ترقی نمائید به مراتب عالیتری از درك مقصد و منظور الهی واصل گردید. انسان عالم اهل نظر و بصیرت است و شخص جاهل و غافل کور و نابینا است. عقل متفکر هوشیار و آگاه و زنده است و عقل سخت و بی مباله ناشنوا و مرده است. انسان دانشمند مؤثر و نمایانگر حقیقی عالم بشریت است زیرا از طریق فکر و منطق و تفحص و تمعن از آنچه به عالم انسانی ارتباط دارد اطلاع یابد از مقام و منزلت و اوضاع و احوال و وقایع عالم بشری آگاه شود. عالم سیاست و معضلات اجتماع را مطالعه نماید و تار و پود مدنیت نوع انسان را بسازد. فی الحقیقه علم بمثابه آینه است که در آن اشکال و تصاویر نامتناهی از اشیاء موجوده منعکس و ظاهر گردد و پایه و بنیان هر تقدم و پیشرفت فردی و ملی است و بدون قوه تفکر و تفحص ترقی و تعالی غیرممکن و محال است. لذا در جستجوی علم و دانش جهد و کوشش نما و برای وصول بآنچه در قدرت این فضل و عطیه شگفت انگیز نهفته است سعی بلیغ مبذول فرما. (ترجمه مضمون بیان مبارک)
(از خطابه مبارک در آمریکا به تاریخ ۲۳ آپریل ۱۹۱۲)

قسمتی از مکتوب حضرت ولی امرالله بقلم منشی مبارک:

۶- "... حضرت بهاءالله تعلیم و تربیت را یکی از عوامل اساسیه مدنیت حقیقی دانسته اند. و برای اینکه تعلیم و تربیت مناسب و لایق و پرنتیجه و ثمر باشد باید شامل و کامل باشد و نه تنها جنبه جسمانی و فکری انسان بلکه جنبه های روحانی و اخلاقی را نیز در برگیرد." (ترجمه)
(مکتوب مورخ ۹ جولای ۱۹۳۱ خطاب به یکی از یاران)

۲-۱ صفات و مشخصات عالم حقیقی

از آثار حضرت بهاءالله:

۷- "طوبی لکم یا معشر العلماء فی البهائ تالله انتم امواج البحر الاعظم و انجم سماء الفضل و الویه النصر بین السموات و الارضین. انتم مطالع الاستقامة بین البریه و مشارق البیان لمن فی الامکان."
(کتاب مستطاب اقدس، آیه ۱۷۳، ص ۱۶۴)

۸- "حضرت موجود می فرماید حکیم دانا و عالم بینا دو بصرند از برای هیکل عالم انشاءالله ارض از این دو عطیه کبری محروم نماند و ممنوع نشود."
(لوح مقصود، مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان، ص ۱۰۴)

۹- "اعلم ان العالم من اعترف بظهورى و شرب من بحر علمى و طارفى هواء حبى و نبذ ماسوائى و اخذ ما نزل من ملكوت بيانى البديع. انه بمنزلة البصر للبشر و روح الحيوان لجسد الامكان تعالى الرحمن الذى عرفه و اقامه على خدمة امره العزيز العظيم. يصلى عليه الملائة الاعلى و اهل سرادق الكبرياء و الذين شربوا رحيقى المختوم باسمى القوى القدير."

(لوح برهان، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهى که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان، ص ۱۲۷)

۱۰- "حال ملاحظه فرمائید اگر کسی در یوم ظهور حق ادراك فیض لقاء و معرفت مظاهر حق را ننماید آیا صدق عالم بر او می‌شود اگر چه هزار سنه تحصیل کرده باشد و جمیع علوم محدوده ظاهریه را اخذ نموده باشد و این بالبدیهه معلوم است که تصدیق علم در حق او نمی‌شود. ولکن اگر نفسی حرفی از علم ندیده باشد و باین شرافت کبری فائز شود البتّه او از علمای ربانی محسوب است زیرا بغایت قصوای علم و نهایت و منتهای آن فائز گشته."

(کتاب ایقان، مطبعة الموسوعات باب الشعریة بمصر، سال ۱۹۰۰ م، ص ۱۲۱-۱۲۲)

از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۱- "و كذلك مشاهیر علمای نحاریر که بفضائل علمیه و خصائل حمیده موصوف و بعروة الوثقای تقی متشبت و بذیل هدی متوسل و متمسک و مرآت تخیلاتشان بصور معانی کلیه مرتسم و زجاجه تصوراتشان از شمس معارف عمومیّه مقتبس و در ایام و لیالی بتدقیق و تحقیق علوم نافع مشغول و بتربیت و تعلیم انفس مستعدّه متعلمه مألوف. البتّه در مذاق عرفانشان گنج باد آورد خسروان بقطره از زلال معارف و بیان برابری نکند و قناطر مقلّطه ذهب و فضه با حل مسئله از مسائل غامضه مقابلی ننماید. لذائذ امور خارجه را چون ملاعب صبیان انگارند و کلفت زخارف زائده را لائق دونان و جاهلان شمرند. چون طیور شکور بحبوب چندی قناعت نموده نغمات حکمت و معارفشان حیرت بخش مدارک و شعور اجله فضلاى امم آفاق گردد...

...عزت و سعادت و بزرگواری و منقبت و تلذذ و راحت انسان در ثروت ذاتیه خود نبوده بلکه در علو فطرت و سمو همت و وسعت معلومات و حل مشکلاتست...

ولکن پروردگار عالمیان از برای هر شیئیء علائم و آثاری خلق فرموده و محک و امتحانی مقرر داشته. عالم ربانیرا کمالات معنویه و ظاهریه لازم و حسن اخلاق و نورانیت فطرت و صدق نیت و فطانت و ذکاوت و فراست و نهی و عقل و حجی و زهد و تقوای حقیقی و خشیه الله قلبی واجب. والا شمع بی نور هر چند بلند و قطور باشد حکم اعجاز نخل خاویه و خشب مسنده داشته...

در روایت صحیحہ وارد " و اما من كان من العلماء صائنا لنفسه حافظا لدينه و مخالفا لهواه و مطيعا لأمر مولاه
فللعوام ان يقلدوه"

(رساله مدنيه، چاپ چهارم، لانگهاین - آلمان، ۱۹۸۴ ص ۲۷-۲۸، ۳۰، ۴۱)

قسمتی از مراسلات حضرت ولی امرالله بقلم منشی مبارک:

۱۲- در ارتباط با این سؤال که آیا بهائیان باید با علوم و معارف مختلفه آشنائی یابند، حضرت ولی امرالله فرمودند مرقوم گردد که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء ارج و مقام عظیمی را برای صاحبان علم و فرهنگ معین فرموده‌اند و حضرت بهاءالله در یکی از الواح احترام اینگونه نفوس را بر اهل بها واجب دانسته‌اند. بعلاوه آشنائی با علوم و معارف مختلفه بدون شك موجب وسعت نظر و فکر می‌گردد و باعث می‌شود به اهمیّت نهضت بهائی بیشتر واقف گشته مبادی آن را بهتر درك نمائیم (ترجمه)
(مکتوب مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۲۴ خطاب به یکی از یاران)

۱۳- امر الهی به فضلاء و محققین بیشتری نیازمند است. نفوسی که نه تنها بامرالله متمسک و معتقدند و مشتاقند آنها با دیگران در میان گذارند، بلکه افرادی که عمیقا با تعالیم و مبادی الهی و مفاد آن آشنائی داشته و می‌توانند آنها با افکار رایج و مشکلات مردم جهان مرتبط نمایند (ترجمه)
(مکتوب مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۴۳ خطاب به یکی از یاران)

۳-۱ حوزه و دامنه تحقیق و تتبع بهائی

از دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم:

۱۴- در این مرحله ابتدائی از بسط و توسعه امرالله ارائه تعریفی بسیار محدود از اصطلاح «تحقیقات بهائی» مفید و موثر نخواهد بود. در یکی از پیامهائی که اخیرا از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از انجمن‌های معارف بهائی ارسال گردیده ذکر گردیده است:

بیت العدل اعظم توصیه می‌نمایند سعی ننمائید بنحوی بسیار دقیق شکل و نحوه تحقیقات بهائی و یا روشی را که محققین بهائی باید اتخاذ نمایند مشخص سازید. بلکه در آن انجمن باید سعی نمائید روش و سبک‌های مختلف را تشویق و ترویج نمائید. بدون شك بعضی از یاران ترجیح می‌دهند بطور فردی کار کنند و برخی مایلند با دیگر افراد که تمایلات مشابهی دارند مشورت و تشریک مساعی نمایند. هدف شما باید ایجاد محیطی از احترام متقابل و تحمل و بردباری باشد تا دانشمندانی را که در زمینه الهیات تحقیق می‌نمایند و فضلاء را

که مایلند بینش تعالیم الهیه را با افکار معاصر در زمینه‌های علوم و فنون مرتبط نمایند همه را در برگیرد.

از طرفی دیگر اینگونه تنوع باید در مساعی فضلا و محققین بهائی ملاحظه شود. اقدامات آنان باید هم تمایلات و تخصصات آنها را در برگیرد و هم احتیاجات امر الله را برآورده نماید. جریان حوادث عالم و رواج افکار و نظریات جدید و توسعه فعالیت‌های تبلیغی کلا زمینه‌های جالب و مفیدی را مشخص می‌سازند که می‌توانند مطمح نظر محققین بهائی قرار گیرند. همچنین توسعه اقدامات جامعه بین‌المللی بهائی در ارتباط با مؤسسات سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، فرصت‌های ارزنده‌ای را از برای محققین بهائی بوجود می‌آورد تا مستقیماً سهم بسزائی در افزایش اعتبار و نفوذ امر الهی و اعلان آن در سطح افراد برجسته و مستعد جامعه ایفا نمایند. جامعه بهائی که بی وقفه و بطور مداوم از مرحله مجهولیت خارج می‌گردد با دشمنانی در داخل و خارج مواجه خواهد گردید که هدف آنان ضرر امر الله و تحریف مبادی آن است تا موجب گمراهی افراد علاقمند گشته و پیروان امر الهی را متزلزل نمایند. دانشمندان بهائی باید از طریق اقدامات مناسب در پیش بینی و مقابله با این وضع و با دفع اتهامات وارده بر امر الهی، نقشی حیاتی در حفظ و حمایت آئین الهی ایفا نمایند.

بنابراین دامنه تحقیق و تتبع بهائی نباید نفوسی را که در الهیات و اصول تاریخی امر مبارک تتبع می‌نمایند در برگیرد، بلکه باید نفوسی را که مایلند تعالیم و مبادی بهائی را با رشته‌های علمی و حرفه‌ای و تخصصی خود مرتبط سازند شامل شود، و همچنین به نفوسی که از رتبه‌های علمی برخوردار نیستند ولی با مطالعه دقیق تعالیم الهیه بینش و بصیرتی یافته‌اند که مورد علاقه دیگران است نیز باید فرصت داده شود...

نظر بیت العدل اعظم آنست که از استفاده اصطلاح «تحقیقات بهائی» و «محققین بهائی» بنحوی بسیار محدود خودداری نمایند زیرا فی الحقیقه موجب ایجاد حد فاصل بین نفوسی می‌گردد که در این زمره محسوبند و افرادی که مقبول نیستند. آنچه مسلم است اینگونه اصطلاحات نسبی است و چه بسا اقدام ارزنده يك محقق بهائی در مقارنه با اقدامات افراد دیگری که با وی در تماس می‌باشند چون با انجازات عظیم و قابل ملاحظه فضلالی امر مقایسه شود از اهمیت کمتری برخوردار شود. هدف و مقصد بیت العدل اعظم ایجاد جامعه‌ایست که یاران در آن مشوق یکدیگر باشند، قدر و منزلت انجازات را بدانند و جمیعاً بدانند که هر يك از مؤمنین به راه و روش خود سعی در فهم و درک عمیق‌تری از ظهور حضرت بهاء الله می‌نمایند و کوشش می‌نمایند در پیشبرد امر الله نقشی ایفا نمایند (ترجمه)

(دستخط مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۳ خطاب به یکی از یاران)

۴-۱ تمجید و تقدیر مطالعات علمی و تحقیقی

از آثار حضرت بهاء الله:

۱۵- "ثم احترموا العلماء بينكم الذين يفعلون ما علموا ويتبعون حدود الله ويحكمون بما حكم الله في الكتاب فاعلموا بانهم سرج الهداية بين السموات والارضين ان الذين لن تجدوا للعلماء بينهم من شأن ولا من قدر اولئك غيروا نعمة الله على انفسهم..."

(منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، آلمان، ۱۴۱ بدیع، ص ۸۹)

۱۶- "يا حزب الله علمای راشدین که بهدایت عباد مشغولند و از وساوس نفس اماره مصون و محفوظ ایشان از انجم سماء عرفان نزد مقصود عالمیان محسوب احترام ایشان لازم ایشانند عیون جاریه و انجم مزیئه و اثمار سدره مبارکه و آثار قدرت الهیه و بحور حکمت صمدانیه. طوبی لمن تمسک بهم انه من الفائزین فی کتاب الله رب العرش العظیم"

(لوح دنیا، مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان، ص ۵۵)

۱۷- "ایاکم یا احبائی ان تنکروا فضل عبادی الحکماء الذین جعلهم الله مطالع اسمه الصانع بین العالمین. افرغوا جهدکم لیظهر منکم الصنائع و الامور التي بها ينتفع كل صغير وكبير. انا نترأ من كل جاهل ظن بان الحكمة هي التكلم بالهوى والاعراض عن الله مولى الوری كما نسمع اليوم من بعض الغافلين."

(لوح حکمت، مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان،

ص ۹۰)

از آثار و خطابات حضرت عبدالبهاء:

۱۸- "... دین الله مروج حقیقت و مؤسس علم و معرفت و مشوق بر دانائی و ممدن نوع انسانی و کاشف اسرار کائنات و منور آفاق است با وجود این چگونه معارضه بعلم نماید استغفرالله بلکه در نزد خدا علم افضل منقبت انسان و اشرف کمالات بشر است. معارضه بعلم جهل است و کاره علوم و فنون انسان نیست بلکه حیوان بی شعور. زیرا علم نور است حیات است سعادتست کمال است جمال است و سبب قربیت درگاه احدیتست شرف و منقبت عالم انسانیست و اعظم موهبت الهی. علم عین هدایت است و جهل حقیقت ضلالت."

(مفاوضات عبدالبهاء، مطبعه بریل در شهر لیدن، هلند، سال ۱۹۰۸ م، ص ۱۰۴)

۱۹- "اساس متین دین الله را ارکان مبین مقرر و مسلم است رکن اعظم علم و دانائیست و عقل و هوشیاری و اطلاع بر حقائق کونیه و اسرار الهی لهذا ترویج علم و عرفان فرض و واجب بر هر یک از یارانست. پس باید آن انجمن رحمانی و آن محفل روحانی بتمام قوت در تربیت اطفال کوشند تا بآداب الهی و روش و سلوک بهائی از خوردسالی تربیت شوند و مانند نهال بماء سلسال و صایا و نصایح جمال مبارک نشو و نما کنند." (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ویلمت، سال ۱۹۷۹، ص ۱۲۳)

از توییغ مبارک حضرت ولی امرالله:

۲۰- "وظایف محافل روحانیه که در بلدان شرق به تبشیر دین الله مشغولند در الواح مقدسه مصرح و مثبت: ...تأکید در امانت و دیانت است و صدق نیت و طیب طینت و نجات از قیود عالم طبیعت...تفنی و تدقیق در علوم و فنون عصریه است و حصر نظر در ترویج مصالح جمهور. تمعن و تفرس در الواح سماویه است و تطبیق نصوص الهیه بحالات و اوضاع و شئون عالییه هیئت اجتماعیه. عدم مداخله در امور مشوشه احزاب است و عدم اعتنا و تعرض بمخاصمات سیاسیه و منازعات مذهبییه و مبادی سقیمه اجتماعیه حالیه است.

صداقت و اطاعت قلبا و لسانا باحکام مشروعیه دولت و حکومت است و احتراز از مسلک و افکار و آراء مقلدین و متجددین. احترام و توقیر و تمجید و پیروی ارباب هنر و صنعت است و تکریم و تعزیز صاحبان علوم و معارف. حریت وجدان است و عدم تنقید و تعرض بعقائد و رسوم و عادات افراد و اقوام و ملل." (توییغ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۶ خطاب به اعضای محافل مجلله روحانیه در کشور مقدس ایران، توییغات مبارکه

۱۹۲۲-۱۹۲۶، جلد ۱، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع، ص ۲۷۱-۲۷۲)

۲- نقش و وظیفه مطالعات و تحقیقات بهائی

۱-۲ ترویج رفاه انسانی

از آثار حضرت بهاء الله:

۲۱- "حضرت موجود می فرماید علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن متنفع گردند علمی که از لفظ ابتدا و به لفظ منتهی گردد مفید نبوده و نخواهد بود. اکثری از حکمای ایران عمرها بدرس حکمت مشغولند و عاقبت حاصل آن جز الفاظی نبوده و نیست." (لوح مقصود، مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان، ص ۱۰۲-۱۰۳)

۲۲- مقصود از علم علمی است که منفعت آن عاید خلق شود نه علمی که سبب کبر و غرور و نهب و ظلم و ستم و غارت گردد.

(اصول عقاید بهائیان، طبع آلمان ۱۹۸۳، ص ۳۳)

از آثار حضرت عبدالبهاء:

۲۳- "الزم امور و اقدام تشبثات لازمه توسیع دائره معارف است. و از هیچ ملتی نجات و فلاح بدون ترقی این امر اهم اقوم متصور نه چنانچه باعث اعظم تنزل و تزلزل ملل جهل و نادانی است و الآن اکثر اهالی از امور عادیه اطلاع ندارند تا چه رسد بوقوف حقائق امور کلیه و دقائق لوازم عصریه.

لهذا لازمست که رسائل و کتب مفیده تصنیف شود و آنچه الیوم ما یحتاج الیه ملت و موقوف علیه سعادت و ترقی بشریه است در آن براهین قاطعه بیان شود و آن رسائل و کتب را طبع نموده در اطراف مملکت انتشار شود تا اقلا خواص افراد ملت قدری چشم و گوششان باز شده در آنچه سبب عزت مقدسه ایشانست بکوشند. نشر افکار عالییه قوه محرکه در شریان امکان بلکه جان جهان است. افکار چون بحر بی پایان و آثار و اطوار وجود چون تعینات و حدود امواج. تا بحر بحرکت و جوش نیاید امواج بر نخیزد و لآلی حکمت بر شاطی وجود نیفشاند...

باید افکار عمومیه را متوجه آنچه الیوم لائق و سزاوار است نمود و این ممکن نه الا بیان کافی و اقامه دلیل واضح مبرهن وافی چه که بیچارگان اهالی از عالم وجود بیخبرند و شبهه نیست که سعادت خود را طالب و آمل و لکن حجیات جهل حائل و حاجز گشته...

و همچنین لازم است که ... مکتب‌های متعدده گشوده و اهالی از هر جهت تشویق و تحریص بر تعلیم قرائت و کتابت اطفال شوند. حتی عنداللزوم اجبار گردند تا عروق و اعصاب ملت بحرکت نیاید کل تشبثات بی فائده است چه که ملت بمثابه جسم و غیرت و همت مانند جانند. جسم بیجان حرکت نکند.»

(رساله مدنیه، لجنه نشر آثار امری، آلمان، ۱۹۸۴ میلادی، ص ۱۲۹-۱۳۲)

از توقیعات صادره از طرف حضرت ولیّ امرالله:

۲۴- بشارت همکاری دختران و پسران جوان بهائی در مونتریال، و تأسیس گروهی جهت مطالعه و محاوره، و پیش گرفتن روشی معتدل و عاقلانه چنانچه در برنامه ضمیمه منعکس گشته است، و بینش و اشتعال و اشتیاق آنان نسبت به آینده کلا موجب امیدواری و رضایت خاطر عمیق و قلبی حضرت ولیّ امرالله گردید. فی الحقیقه حضرتشان همکاری فعالانه دوستان جوان خود را در مونتریال با مسرت فراوان تلقی می نمایند، و خالصانه اطمینان دارند که با مطالعه دقیق مبادی و تعالیم مناسب و فهم و ادراک اهمّیت روحانی آنها توأم با آشنائی کافی با مشکلات و معضلات کنونی عالم می‌توانید خدمات شایانی بامرالله و مآلا به عالم بشریت ارزانی نمائید. (ترجمه)
(رقیمه ۲۰ مارچ ۱۹۲۹ خطاب به یکی از یاران)

از دستخط‌های بیت العدل اعظم الهی:

۲۵- "خروج بارزتر امرالهی از مرحله مجهولیت را در بازتاب‌های مشخصی که داشته است می‌توان مشاهده نمود. از جمله در محافل فرهنگی، در کتب مرجع و در رسانه‌های گروهی به نحو روز افزونی از امر بهائی به عنوان یکی از ادیان "عمده" یا "اصلی" یاد می‌شود... آگاه شدن مقامات ذی نفوذ از تعالیم بهائی در اموری نظیر صلح، محیط زیست، مقام زنان، تعلیم و تربیت و سواد آموزی سبب شده است که بنحوی روزافزون از اهل بهاء برای مشارکت با دیگران در اجرای طرح‌های سازمان‌های دولتی و یا غیر دولتی دعوت بعمل آید.

بعلاوه، این قبیل انتشارات و ارتباطات این آگاهی را در اذهان عمومی به وجود آورده که امر بهائی راه حل‌هایی برای مسائل و مشکلات امروزی در اختیار دارد و بدین ترتیب این انتظار به وجود آمده است که جامعه بهائی باید سهم فعالتری در امور اجتماع برعهده گیرد...

... طرح‌های عمرانی خدمات اجتماعی و اقتصادی جامعه بهائی افزایش فوق‌العاده یافته و سبب کسب حیثیت و اعتبار برای جامعه امرگردیده است. در نتیجه جوامع بهائی در نقاط مختلف جهان به عنوان

نمونه و سرمشق برای اقداماتی که ممکن است از طریق ابتکارات گروهی و خدمات داوطلبانه انجام گیرد شناخته شده‌اند... بعضی از این اقدامات چنان موفقیت‌آمیز بوده که در اثر دریافت تشویق نامه‌ها و جایزه‌های دیگر از طرف دولت‌ها و یا سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مورد توجه عمومی قرار گرفته‌اند." (پیام رضوان ۱۹۹۲ خطاب به بهائیان سراسر عالم)

۲-۲ دفاع از امر الهی

از آثار حضرت بهاءالله:

۲۶-"اگر نفسی در رد من رد علی الله کلمه مرقوم دارد مقامی باو عنایت شود که جمیع اهل ملاء اعلی حسرت آن مقام برند و جمیع اقلام ممکنات از ذکر آن مقام عاجز و السن کائنات از وصفش قاصر چه که هر نفسی الیوم بر این امر اقدس ارفع امنع مستقیم شود مقابل است با کل من فی السموات و الارض و کان الله علی ذلك لشهید و علیم." (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، لجنه ملی نشر آثار امری، آلمان، ۱۴۱ بدیع، ص ۲۱۲)

از آثار حضرت عبدالبهاء:

۲۷-"و ثانی کلمه این شرائط مقدسه علمیه (حافظا لدینه است) و این معلوم است که مقصد از این کلمه مبارکه منحصر در استنباط احکام و مراعات عبادات و اجتناب از کبائر و صغائر و اجراء احکام شرعیه و باین وسائط محافظه دین الله نمودن نبوده بلکه هیئت ملت را از کل جهات محافظه نمودن و در اعلاء کلمه الله و تکثیر جمعیت دینیه و ترویج دین الهی و غلبه و استعلائش بر سائر ادیان از اتحاد جمیع وسائل و وسائط سعی بلیغ را مبذول داشتن است." (رساله مدنیه، لجنه نشر آثار امری، آلمان، ۱۹۸۴ میلادی، ص ۴۸-۴۹)

از توقیعات صادره از طرف حضرت ولی امرالله:

۲۸-حضرت شوقی افندی از مذاکرات شما با جناب... بسیار مسرور گردیدند. چقدر حضرت‌شان آرزومندند اینگونه افراد دانشمند با روح و تعالیم امر الهی آشنائی یابند و در رفع شبهات و تعصبات غالبه بر عقول محققین در عالم غرب بکوشند. امر الله شدیداً به چنین افراد شایسته با افکار روحانی نیازمند است تا پس از مطالعه دقیق نهضت بهائی نتیجه و ثمره تفحص و تمعن خود را با عالمیان در میان گذارند. (ترجمه) (رقیمه ۱۱ مارچ ۱۹۲۹ خطاب به یکی از یاران)

۲۹- در آثار مبارکه جواب هر مطلب موجود است. ولی متأسفانه اغلب بهائیان با وجود خلوص و صمیمیت شدید، در اکثر موارد از دانش و بینش کافی بمنظور رد اتهامات و اعتراضات نفوس مهم و تحصیلکرده برخوردار نمیباشند. (ترجمه)
(رقیمه ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۲ خطاب به یکی از یاران)

۳-۲ توسعه و تحکیم جوامع بهائی

از آثار حضرت عبدالبهاء:

۳۰- "باری نفوس پاک چون جناب میرزا ابوالفضل علیه بهاء الله الابهی شب و روز در اثبات امر مبارک به دلائل قاطعه و حجج ساطعه و بیان واقع و کشف قناع و ترویج دین الله و نشر نفحات مشغول"
(پژوهشنامه، سال دوم، شماره دوم، مؤسسه معارف بهائی کانادا، ۱۹۹۸ م، ص ۱۰)

از توقیعات صادره از طرف حضرت ولی امرالله:

۳۱- از افراد مختلف شنیده شد چگونه اطفال شما بنحوی جالب درباره امرالهی در بین جمع صحبت می نمایند. حضرت شوقی افندی امیدوارند هر سه فرزند شما سخنورانی متبحر و شایسته در امر مبارک و مواضع مرتبط به آن گردند. بدین منظور باید اساسی محکم و متین در تعلیمات علمی و ادبی کسب نمایند که خوشبختانه باین کار مشغولند. برای دختران و پسران جوان بهائی بهمان اندازه که ترقی روحانی مهم است، تعلیم در دانشکده‌های معتبر قابل اهمیت است. باید جوانان هم از نظر روحانی و هم فکری ترقی نمایند تا بتوانند بنحوی مؤثر بامر الاهی خدمت نمایند (ترجمه)
(رقیمه ۲۸ نوامبر ۱۹۲۶ خطاب به یکی از یاران)

۳۲- تحصیلات دانشگاهی که هم اکنون بکسب آن مشغولید کمک بسیار مؤثری در اقدامات شما در ابلاغ امرالهی بین گروه‌های روشنفکر خواهد بود. در این ایام که نفوس با شک و تردید دین را تلی می نمایند و مؤسسات و نهضت‌های دینی را با حقارت می نگرند، بیش از پیش نیاز است که جوانان بهائی از نظر فکری و عقلانی آماده و مهیا باشند تا بتوانند بنحوی لائق و شایسته پیام الاهی را ارائه دهند و هر بیننده با انصافی را به تأثیر و قوه تعالیم الاهی قانع نمایند. (ترجمه)
(رقیمه ۵ می ۱۹۳۴ خطاب به یکی از یاران)

۳۳- جوانان بهائی از زن و مرد باید محققین متفکر و عمیق در تعالیم الاهی باشند تا بتوانند بنحوی تبلیغ نمایند که نفوس را قانع کنند برای همه آلام و دردهای آنها درمانی موجود است. باید نظامات بهائی را فراگیرند تا با تدبیر و درایت و کفایت امور امروز و بتوسعه بهائی را اداره نمایند، و همچنین باید نمونه و مثالی از

حیات بهائی باشند. کل این امور سهل و آسان نیست... ولی روحیه‌ای که مؤمنین جوان مانند شما از آن برخوردارند همواره موجب دلگرمی و تشویق حضرت ولی‌امرالله است. و انتظار امید و آفری به انجازات نسل شما دارند. (ترجمه)

(رقیمه ۱۲ می ۱۹۴۴ خطاب به یکی از یاران)

۳۴- اگر یاران ما یلند حقیقتا در تبلیغ امر الله مؤثر واقع شوند باید اطلاعات کافی داشته و بتوانند هوشمندانه و خردمندانه وضع کنونی عالم و مشکلات آنرا بحث نمایند. ما به محققین بهائی احتیاج داریم، نه تنها نفوسی که عمیقاً با تعالیم الهی آشنائی دارند، بلکه نفوس تحصیلکرده با اطلاعات وسیع که بتوانند تعالیم مبارکه را با افکار و نظریات کنونی زمامداران اجتماع مرتبط سازند.

بعبارتی دیگر ما بهائیان باید عقل و ذهن خود را به علم و دانش مسلح سازیم تا بتوانیم بنحوی بهتر حقایق مکنونه در امر الهی را علی‌الخصوص بین طبقات تحصیلکرده ظاهر و آشکار سازیم. (ترجمه)

(رقیمه ۵ جولای ۱۹۴۹ خطاب به یکی از یاران)

از دستخط‌های دارالانشاء بیت العدل اعظم:

۳۵- به نظر بیت العدل اعظم ... تحقیقات بهائی نقش بسیار مهم و مؤثری در توسعه و استحکام جامعه بهائی که از مرحله مجهولیت خارج می‌گردد ایفا می‌نماید... (ترجمه)

(دستخط ۳ ژانویه ۱۹۷۹ خطاب به مشترکین در یک سمینار آکادمی)

۲-۴ مساهمت و همکاری در توسعه تحقیقات و مطالعه علمی

از تویقعات صادره از طرف حضرت ولی‌امرالله:

۳۶- حضرتشان از دریافت مکتوب شما و از شوق و علاقه شدیدتان به مطالعه و تعمق در تعالیم و آثار حضرت بهاءالله بسیار مسرور گردیدند. حقیقتاً می‌توان گفت که هر چه فرد بیشتر در این تعالیم غوطه‌ور شود مطالب بیشتری در آن خواهد یافت. این آثار منبع الهام و هدایت متفکرین و علما و دانشمندان و بشر دوستان آینده خواهد بود که در فعالیت‌های خود از آن کسب فیض خواهند نمود. (ترجمه)

(مکتوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۲ خطاب به یک مدرسه تابستانه بهائی)

۳۷- در مورد تقاضای شما که هدایت فرمایند با توجه به تبلیغ امرالله در آینده در چه رشته تحصیلی تخصص یابید. حضرتشان رشته‌های تاریخ، اقتصاد و یا جامعه‌شناسی را پیشنهاد می‌نمایند. زیرا اینها زمینه‌هایی است که نه تنها مورد علاقه شدید بهائیان است، بلکه موضوعی را در بر می‌گیرد که آثار بهائی با دیدی

کاملاً جدید آنها را بررسی می‌نماید. معلومات شما در تبلیغ امر الله در آینده مفید خواهد بود و شاید بعنوان يك مربی بتوانید نظریات بهائی را در سخنرانی‌های خود ارائه دهید. (ترجمه)
(مکتوب ۱۳ مارچ ۱۹۴۴ خطاب به یکی از یاران)

از پیام‌های بیت العدل اعظم و دستخط‌های دارالانشاء معهد اعلی:

۳۸- حال شما طبیب متخصصی در رشته خود می‌باشید و بدون شك بر اساس آنچه در دوران تحصیل فرا گرفته و از تجربه آموخته‌اید نفوس را راهنمایی می‌نمائید. شما مقداری مفاهیم درباره عقل انسان و رشد و نمو و نحوه کار صحیح آن را در دوران تحصیل آموخته و تکمیل نموده‌اید بدون اینکه آنرا با تعالیم حضرت بهاء الله مرتبط سازید. حال بعنوان يك فرد بهائی می‌دانید که تعالیم حضرت بهاء الله درباره هدف از حیات انسان، طبیعت بشری، و روش صحیح زندگی کلا وحی الهی است لذا حقیقت است. ولیکن بدون شك نیازمند وقت کافی می‌باشید که نه تنها تعالیم بهائی را مورد درسه قرار داده به خوبی درک نمائید، بلکه متوجه شوید چگونه این تعالیم مفاهیم تحصیلی شما را تعدیل می‌دهند. البته برای شخص عالم این امر وضعیتی دشوار و غیر عادی نیست. زیرا چه بسا در جریان بحث و تحقیق عاملی کشف و ظاهر می‌گردد که مستلزم تغییر و تحول کلی در افکار و آراء در زمینه وسیعی از مجهودات بشری است. در هر مورد باید اطلاعات علمی و حرفه‌ای و قضاوت شخصی خود که همواره با آشنائی بیشتر با آثار بهائی روشن و مستنیر می‌گردد استفاده نمائید، و بدون تردید ملاحظه خواهید نمود که درک و فهم شما نسبت به مشکلات افراد که در شغل خود با آن مواجه هستید تغییر می‌یابد و راه‌های جدید و بهتری برای کمک به مراجعین خود خواهید یافت. علم روانشناسی هنوز بسیار تازه و غیر دقیق است. و با گذشت زمان روانشناسان بهائی که از راه تعالیم حضرت بهاء الله نمونه و الگوی حقیقی حیات بشری را یافته‌اند، می‌توانند گام‌های عظیمی در تکامل و پیشرفت این علم بردارند و در تخفیف و تسکین آلام بشری کمک مؤثری نمایند. (ترجمه)
(دستخط ۶ فوریه ۱۹۷۳، درج شده در مجموعه «پیام‌های بیت العدل اعظم» ۱۹۶۸-۱۹۷۳ چاپ شده در مؤسسه مطبوعاتی ویلمت ۱۹۷۶، ص ۱۱۱-۱۱۲)

۳۹- با رشد و توسعه جامعه بهائی متخصصین متبحر در میادین مختلف ظاهر خواهند شد. هم بهائیان در رشته‌های مختلف تخصص خواهند یافت و هم متخصصین در ظل امر وارد خواهند گشت. و چون این متخصصین علم و مهارت خود را در خدمت جامعه گذارند، و یا مهمتر از آن با استفاده از نور تعالیم الهیه اصول و انظمه مختلفی خود را تغییر و تبدیل دهند، مشکلاتی که هم اکنون موجب از هم گسستگی اجتماع می‌باشد یکی پس از دیگری حل خواهد شد.

موازی با این جریان مؤسّسات و تشکیلات بهائی نیز ترقّی خواهد نمود. و محافل بیشتر از معارف و علوم دانشمندان و متخصصین بهائی و غیر بهائی برای حل مشکلات جوامع خود استفاده خواهند کرد.

در وقت مناسب مؤسّسات تعلیمی عظیمی تأسیس، و مشروعات ملی و بین‌المللی گسترده‌ای بمنظور بهبود حیات بشری آغاز و توسعه خواهد یافت. (ترجمه)
(دستخط دارالانشاء معهد اعلی مورخ ۲۱ آگوست ۱۹۷۷ خطاب به یکی از یاران)

۴۰-... در واقع باید جوانان با اعتماد کامل از وظیفه خطیری که در پیش دارند استقبال نمایند. جوانان این ایام که با وجود علو مقام، به خضوع و خشوع متصف و در عین استقامت و عزت نفس به محبت و خدمت عاملند باید در صف مقدم حرف و صنایع و هنر و کارهای دستی که برای پیشرفت و ترقّی بیشتر نوع بشر لازم است حرکت کنند و بدین طریق روح امر الهی در جمیع مجهودات نوع بشر پرتو افکند و جلوه نماید. علاوه بر این در عین حال که می خواهند به افکار و نظریات متحد کننده و فنون مترقی در این عصر ارتباطات تسلط یابند می توانند بلکه باید تضمین نمایند فنونی که موفقیت‌های عظیم گذشته را حفظ می کند به آتیه انتقال یابد. تحوّل که باید در طرز کار جامعه صورت پذیرد بطور قطع بستگی دارد به میزان مؤثر بودن آنچه جوانان برای دنیائی که به ارث خواهند برد آماده و تهیه نمایند.
(ترجمه پیام ۸ می ۱۹۸۵ خطاب به جوانان بهائی در سراسر عالم)

۴۱- بیت العدل اعظم واقفند که مطالب شما در خصوص آمادگی و قبول مصدقین جدید از اهل علم و حرفه به طرح و بحث نظریات و افکار خود با جامعه بهائی امریست حیاتی که در این برهه از زمان بسیار قابل اهمیّت است. علی‌الخصوص که امر الله از مرحله مجهولیت خارج می‌گردد و تعداد بیشتری از متخصصین در حرف و صنایع مختلف از جمیع طبقات اجتماع به تعالیم الهیه جلب می‌شوند. جریان امتزاج این افراد خبیر در جوامع بهائی بعنوان مؤمنین ثابت قدم و مستحکم و استفاده از قوای آنان بعنوان مروجین و حامیان امر الله، مستلزم صبر و بردباری و هدایت محبت‌آمیز مؤسّسات بهائی است. جلوگیری از توقف بی‌جهت و غیر ضروری این جریان يك تحدى مهم بشمار می‌آید. این افراد نباید در مواجهه با طرز فکر نامساعد و نامطلوب موجود در برخی جوامع محدود و یا جوامعی که با نحوه آمیزش با طبقات مختلف اجتماع خو نگرفته است، رها نمود.

معمولاً علماء و محققین و اهل حرف و صنایع با حقائق جدیدی در جریان تحقیق و تفرّس برخورد می‌نمایند که در نتیجه ناچار می‌گردند طرز فکر سابق خود را درباره جنبه‌های مختلف اعتقادات خویش تعدیل دهند. اما در مورد ثقافه و تعمق در تعالیم امر الهی، طبیعتاً در اسه و فهم و درك این همه افکار و مفاهیم جدید مستلزم وقت است. این نفوس باید كمك و یاری شوند تا در اسرع وقت اطلاعات عمیقی

در آثار امریه کسب نمایند. و تدریجا این اطلاعات نور تازه‌ای بر مفاهیم قبلی آنها خواهد بخشید. همزمان لازم است که جوامع بهائی تحمل و بردباری بیشتری نسبت به افکار و عقائدی که با مفاهیم کنونی آنها تطبیق نمی‌نماید نشان دهند و همواره آماده قبول نظریات تازه باشند...

مؤمنین جدید از اهل حرف و علوم و دیگر متخصصین منابع عظیمی برای توسعه و ترقی تحقیقات بهائی بشمار می‌روند. امید است این نفوس با درک عمیق‌تری نسبت به آثار مبارکه و عظمت امرالهی بتوانند جوامع بهائی را در مرتبط ساختن معتقدات ایمانی خود با افکار رایج و مشکلات کنونی جهان کمک نمایند. در بعضی موارد متخصصین بهائی در رشته‌ای معین در کنفرانس‌های خاصی گرد هم آمده و یا انجمنی بدین منظور تأسیس نموده‌اند و بدینوسیله توانسته‌اند بعنوان افراد بهائی پشتیبان یکدیگر بوده و از موقعیت شغلی خود در پیشبرد مصالح امریه استفاده نمایند. نمونه‌ای از این انجمن‌ها اتحادیه قضات بهائی و انجمن اطباء بهائی، در ایالات متحده آمریکا است. لذا اینگونه نفوس که دارای استعداد‌های فوق‌العاده می‌باشند باید مخصوصا تشویق شوند تا قوای خود را در خدمت امرالهی مصروف داشته و سهمی مهم در این میدان در حال توسعه از فعالیت‌های بهائی ایفا نمایند. (ترجمه)

(دستخط دارالانشاء معهد اعلی مورخ ۱۸ آپریل ۱۹۸۹ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه)

۳- اصول و دستور العمل کلی

۱-۳ مبادی روحانی

از آثار حضرت بهاءالله:

۴۲- "اینست که می فرماید "العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء" و این نحو از علم است که ممدوح بوده و هست نه علوم محدوده که از افکار محجوبه کدره احداث شده و آن را گاهی از هم سرقت می نمایند و بر دیگران افتخار می کنند"

(کتاب مستطاب اقدس، طبع مصر، سنه ۱۹۰۰م، ص ۳۹)

۴۳- "یا قوم انا قدرنا العلوم لعرفان المعلوم وانتم احتجبتهم بها عن مشرقها الذی به ظهر کل امر مکنون"

(کتاب مستطاب اقدس، ص ۱۰۰)

از آثار و خطابات حضرت عبدالهء:

۴۴- "هرچند تحصیل فنون و علوم اعظم منقبت عالم انسانست ولی بشرط آنکه این نهر متصل ببحر اعظم شود و از فیض قدم استفاضه کند چون چنین شود هر استاد بحر بی پایان گردد و تلمیذ ینبوع علم و عرفان شود پس اگر علوم دلیل بر جمال معلوم شود فنعم المأمول والا شاید این قطره سبب گردد و از فیض موفور محروم شود زیرا تکبر و غرور آرد و قصور و فتور بخشد. علوم حاضره فنطره حقیقت است پس اگر حقیقت میسر نگردد از مجاز چه ثمر و اثر. تالله الحق ان لم یکن العلوم سببا للوصول الی المعلوم فهی خسران مبین"

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ویلمت، ۱۹۷۹، ص ۱۰۷)

۴۵- "و جمیع علوم با محبت الهیه مقبول و محبوب و بدون آن بی ثمر بلکه مورث جنون. هر عملی مانند شجر

است و چون ثمر محبت الله باشد آن شجر مبارکه است والا حطب است و عاقبت طعمه آتش گردد"

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ویلمت، ۱۹۷۹، ص ۱۷۶-۱۷۷)

۴۶- "علم اعظم منقبت عالم انسانی است. علم سبب کشف حقائق است. ولی علم بر دو قسم است علوم

مادیه و علوم الهیه. علوم مادیه کشف اسرار طبیعت کند. علوم الهیه کشف اسرار حقیقت نماید. عالم

انسانی باید تحصیل هر دو علم کند اکتفای به یک علم ننماید. زیرا هیچ پرنده ای به جناح واحد پرواز

نکند باید به دو بال پرواز نماید. يك يال علوم مادیه و يك بال علوم الهیه. این علم از عالم طبیعت و آن علم از ماوراءالطبیعه. این علم ناسوتی و آن علم لاهوتی. مقصود از علم لاهوتی کشف اسرار الهی است ادراك حقائق معنوی است فهم حکمت بالغه الهی است. کشف حقیقت ادیان رحمانی است و ادراك اساس شریعة الله است."

(مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء، لجنه ملی نشر آثار امری لانگهاین، آلمان، ۱۹۸۴، ص ۳۸۶-۳۸۷)

قسمتی از توفیق صادره از طرف حضرت ولی امرالله:

۴۷- در میان حقیقتی که از جانب خداوند بواسطه پیامبران الهی ظاهر می شود، و نور ضعیفی که از فلاسفه و متفکرین ظاهر شده و غالباً بعنوان حقیقت اشتباه و سوءتعبیر می گردد، تفاوت بسیار عظیم است. و نباید ابداً و در تحت هیچ شرایطی با یکدیگر مشتبه شوند.

حضرت بهاءالله فرموده اند که علم می تواند حجابی بین روح انسان و آن حقیقت ابدی گردد. و یا بعبارتی دیگر مانعی بین انسان و معرفت یزدان شود. ملاحظه می نمائیم بسیاری از نفوس که در علوم فیزیکی جدید پیشرفت فراوان نموده اند در نتیجه خدا و پیامبران الهی را انکار نموده اند. و این بدین معنی نیست که خدا و پیغمبران وجود نداشته و ندارند بلکه مقصود آنست که علم حائلی بین قلب آنان و نور الهی گشته است. (ترجمه)

(توفیق ۲۲ آپریل ۱۹۵۴ خطاب به یکی از یاران)

از دستخط های دارالانشاء بیت العدل اعظم:

۴۸- همانگونه که تفاوت اساسی بین وحی الهی و درك و فهم مؤمنین از آن موجود است، پس بین حقیقت و منطق علمی از يك طرف و نظریات و استنتاجات دانشمندان از طرف دیگر نیز تفاوت وجود دارد. بین دین حقیقی و علم حقیقی تضادی وجود ندارد و نمی تواند داشته باشد. دین حقیقی از جانب حق است، در حالیکه بوسیله علم حقیقی عقل انسان "اکتشافات حقائق اشیاء نماید و بر خواص و تأثیر ممکنات و کیفیت و خصائص موجودات اطلاع یابد"^۲ و بوسیله اشیاء واقعی درك امور تصویری نماید. اما بیان هر حقیقتی که مبتنی بر ادراك انسان باشد محدود است زیرا قوه درك انسان محدود است. و هرگاه محدودیت وجود دارد امکان اشتباه نیز وجود دارد. و چون اشتباه در میان باشد اختلاف حاصل گردد. بطور مثال در وقت حاضر بسیاری از نفوس معتقدند که اعتقاد بخدا با علم مغایرت دارد، ولی چون بینش و بصیرت آدمی ترقی نماید فلاسفه و دانشمندان آینده بفرموده حضرت عبدالبهاء (مضمون بیان مبارك): انبیاء را انکار نخواهند نمود، از قابلیت و استعدادهای روحانی بی اطلاع نخواهند بود، از مواهب الهیه محروم نخواهند ماند و امور ماوراءالطبیعه را نادیده نخواهند شمرد. (ترجمه)

(دستخط ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ خطاب به یکی از یاران)

۴۹- اطاعت صرفه از مظهر امر الهی و احکام نازله توأم با تحقیق و تتبع هوشمندانه در تعالیم مبارکه و تاریخ امر، که خود از جمله فرائض امر الهی است، از خصائص محکم و مهم این دور اعظم بشمار می آید. در ادوار گذشته مؤمنین معمولاً به دو بخش مخالف و متخاصم منقسم می گردیدند: افرادی که کورکورانه ظاهر آیات را پیروی می نمودند، و گروهی که در همه مسائل شك نموده آنرا مورد سؤال قرار میدادند. مانند هرگونه امر افراطی هر دو راه می تواند به خطا منجر شود. حضرت ولیّ محبوب امر الله مرقوم داشته اند: که دیانت بهائی... تحری بی قید و شرط بدنبال حقیقت را اول فریضه پیروان خود محسوب می دارد. اهل بها باید با بصیرت و آگاهی از امر الهی تبعیت نمایند، و شکی نبوده و نیست که بمنظور وصول بدین مرحله از بلوغ مرتکب اشتباهاتی خواهند گشت که همه افراد ذی مدخل باید با صبر و بردباری و تواضع و فروتنی سعی نمایند اینگونه امور موجب اختلاف و تفرقه بین جمیع یاران نشود. (ترجمه)

(دستخط ۷ اکتبر ۱۹۸۰ خطاب به یکی از یاران)

۵۰- بیت العدل اعظم پیشنهاد می نمایند مواضع مذکوره در نامه خود را در پرتو بیانات مبارکه در مورد ارتباط بین آثار نزولی حضرت بهاء الله و معارف و علوم کسب شده در نتیجه تفحص و تعمق فردی مورد توجه قرار دهید. حضرت بهاء الله می فرمایند: (مضمون بیان مبارک)

این مظلوم بی پرده و حجاب همواره در مقابل اهل عالم اظهار داشته آنچه بمثابه کلید است جهت فتح ابواب علوم و فنون و معارف و رفاه و آسایش و غنا...

واضح و مبرهن است که آثار بهائی جمیع زمینه های اقدامات بشری و انظمه علمی و آکادیمی را روشن می سازد. نفوسیکه به شناسائی حضرت بهاء الله مفتخر گشته اند موهبت دسترسی به آثار مقدسه ای را دارند که جنبه های مختلف فکر و اندیشه و تحقیق و پژوهش را روشن و منیر می سازد و این نفوس موظف و مکلف گشته اند درک و فهم خود را در نتیجه غور و غوص در آثار الهیه در پیشبرد مصالح امریه استفاده نمایند.

یاران الهی که استعداد و فرصت مناسب را داشته اند همواره تشویق و تشجیع گشته تا تحصیلات آکادیمی و علمی خود را ادامه دهند زیرا نه تنها آماده تقدیم خدمات لازم و ضروری بامر الله می گردند بلکه بدینوسیله راه و روش یافتن بصیرت و بینش عمیق در معانی و مفاهیم تعالیم مبارکه را خواهند یافت و ملاحظه خواهند نمود که بصیرت حاصله از درک عمیق آثار مبارکه حضرت بهاء الله تحقیقات و پژوهش های علمی آنان را نیز واضح و روشن می سازد.

مطالعه برخی از بیانات حضرت ولیّ امرالله در این خصوص مفید خواهد بود. منشی مبارک در جواب یکی از یاران که تحصیلات عالیه خود را در یکی از مواضع مرتبط به تعالیم مبارکه به پایان رسانده از طرف هیکل اطهر مرقوم می نماید:

امید است که کلیه دانشجویان بهائی بتوانند راهی را که شما در پیش گرفته اید دنبال نمایند و موفق شوند مبادی امر الهی را تجزیه و تحلیل نموده مورد تفحص قرار دهند و آنرا با موازین علمی و فلسفی جدید مرتبط سازند. جوانان با ذکاوت و فطانت بهائی باید امرالله را بدین نحو بررسی نمایند زیرا اساس و جوهر مبدأ تحرّی حقیقت است.

و چون خبر ایمان یکی از دانشمندان با اطلاع مبارک رسید منشی مبارک از طرف هیکل اطهر در جواب مرقوم نمود:

ما بسیار نیازمند طرز فکر سلیم و منطقی می باشیم که در نتیجه تعلیم و تربیت علمی و عقلانی حاصل می گردد. هنگامیکه قوای عقلانی با ایمان و ایقان توأم می گردد امکانیات بسیار عظیمی در تبلیغ امرالله بوجود می آید...

و در جایی دیگر منشی هیکل اطهر مرقوم داشته:

حضرت شوقی افندی سال های متمادی است که (بطور عموم و به یارانی که هدایت هیکل مبارک را تقاضا می نمودند) توصیه می نمایند بهائیان در رشته های تاریخ، اقتصاد، جامعه شناسی و غیره تحصیل نمایند تا از جمیع نهضت های فکری و پیشرفته امروزی مطلع بوده و بتوانند آن را با مبادی و تعالیم مبارکه مرتبط نمایند. تقاضای حضرت شان از یاران اینست که بیشتر تحصیل نمایند نه کمتر. هرچه اطلاعات عمومی و علمی و غیره کسب نمایند بهتر خواهد بود. و بهمین منوال حضرت شان مستمرا به یاران توصیه می نمایند که آثار مبارکه را بنحوی عمیق تر مورد مطالعه و درسه قرار دهند.

همچنان که یاران رحمان تحصیلات علمی و غور و غوص در آثار مبارکه را همزمان ادامه می دهند باید همواره هوشیار و آگاه باشند که آثار و تعالیم مبارکه حقیقت و میزان است و جمیع آراء و نظریات دیگر باید بر اساس آن سنجیده شود. باید یاران با تواضع و فروتنی به انجازات خود بنگرند و همواره این بیان مبارک حضرت بهاءالله را مدّ نظر داشته باشند که می فرمایند: (مضمون بین مبارک)

باید قلب را از آرایش اوهام و ظنون و تعلقات ارضیه پاک و مقدس نمود تا معانی مستوره در وحی الهی را ادراک نماید و مخزن اسرار علم الهی گردد (ترجمه)
(دستخط مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۳ خطاب به یکی از یاران)

۲-۳ علوم نافع

از آثار حضرت بهاءالله:

۵۱- "تحصیل علوم و فنون از هر قبیل جائز و لکن علمی که نافع است و سبب و علت ترقی عباد است کذا لکن قضی الأمر من لدن آمر حکیم."
(لوح بشارات، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لجنه نشر آثار امری، لانگهین-آلمان، ۱۳۷ بدیع، ص ۱۳)

از آثار حضرت عبدالبهاء:

۵۲- "انسان باید در هر فنی قبل از تحصیل ملاحظه نماید که فوائد این فن چه چیز است. و چه ثمره و نتایجی از او حاصل. اگر از علوم مفیده یعنی جمعیت بشریّه را فوائد کلی از او حاصل البتّه بجان در تحصیلش بکوشد والا اگر عبارت از مباحث بیفائده صرفه و تصورات متتابعه متوالیه بوده و جز آنکه سبب نزاع و جدال شود ثمره از او حاصل نه بچه جهت انسان حیات خود را در منازعات و مجادلات بیفایده آن صرف نماید"
(رساله مدنیّه، لجنه نشر آثار امری، آلمان، ۱۹۸۴ م، ص ۱۲۵-۱۲۶)

از توقیعات صادره از طرف حضرت ولیّ امرالله:

۵۳- رشته‌ای که جهت ادامه تحصیل خود انتخاب نموده‌اید بسیار جالب و فوق‌العاده در خدمات امریّه مؤثر خواهد بود. هر چند هر یک از زمینه‌های تحصیلات علمی برای فرد بهائی که مایل است بدانند چگونه روح تعالیم امریّه و این عصر جدید عقول و افکار را هوشیار و آگاه می‌سازد مورد علاقه می‌باشد، اما بررسی و مطالعه حالت و وضع اجتماع ما را بیشتر به احتیاجات عالم و نقش تعالیم مبارکه در رفع این نیازها متوجّه می‌سازد. (ترجمه)

(مکتوب مورخ ۵ ژانویه ۱۹۳۰ خطاب به یکی از یاران)

۵۴- علم فلسفه که آن را تحصیل نموده و سپس تدریس خواهید نمود مسلماً از علمی که بحرف آغاز و بحرف منتهی می‌گردد نیست. مقصود مجاهدت‌های بی فائده و ثمر در مجادلات و منازعات مواضع مربوط با ماوراءالطبیعه است و نه رشته معقولی مانند علم فلسفه...

اما در خصوص تحصیلات شخص شما: توصیه مبارك آنست که وقت خود را زیاد مصروف جنبه نظری و تجربیدی فلسفه ننمائید بلکه بیشتر از نظر تاریخی فلسفه را بررسی نمائید. اما مرتبط ساختن علم فلسفه با تعالیم بهائی وظیفه‌ایست بسیار عظیم که محققین و دانشمندان در آینده باید متعهد انجام آن گردند. باید همواره متذکر باشیم که نه تنها آثار مبارکه کلا به زبان انگلیسی ترجمه نگشته بلکه هنوز تماماً جمع آوری نگردیده است. بسیاری از الواح مهمه ممکنست در آینده بدست آید که فعلاً در اختیار افراد می‌باشند.

(ترجمه)

(مکتوب مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۴۷ خطاب به یکی از یاران)

از دستخط‌های دارالانشاء بیت العدل اعظم:

۵۵- در جواب مکتوب... و تقاضای هدایت و راهنمایی در خصوص حرفه و شغل‌های مورد نظر در ارتباط با بیان مبارك حضرت بهاءالله درباره علمی که از حرف آغاز و بحرف منتهی می‌شود و ادامه تحصیلات در رشته‌های ریاضی فرضی و ادبیات باستانی، بیت العدل اعظم الهی مقرر فرمودند قسمتی از رقیمه حضرت ولی‌امرالله که در سال ۱۹۴۷ از طرف هیکل اطهر خطاب به یکی از یاران ارسال گردیده با شما در میان گذاریم: "علم فلسفه که آن را تحصیل نموده و سپس تدریس خواهید نمود مسلماً از علمی که بحرف آغاز و بحرف منتهی می‌گردد نیست. مقصود مجاهدت‌های بی فائده و ثمر در مجادلات و منازعات بیهوده در مسائل ماوراءالطبیعه است و نه رشته معقولی مانند علم فلسفه."

در این بیان مبارك حضرت ولی‌امرالله مبدأ کلی را اعلام می‌دارند. اما در مورد علم ریاضی فرضی بطور اخص، در مراجعه به بیان مبارك حضرت بهاءالله در لوح بشارات—بشارت یازدهم—که می‌فرمایند: "علمی نافع است و سبب و علت ترقی عباد است"، باید این بیان را در قالب مفهوم "علوم" بنحوی که مظهر امرالهی استفاده نموده بررسی نمود. فرموده مبارك درباره علمی که بحرف آغاز و بحرف منتهی می‌گردد، در مورد درسه منظم عوارض طبیعی بمنظور کشف قوانین حاکم بر عالم ماده که علم ریاضی در صدد کشف آن می‌باشد، صدق نمی‌یابد. علوم فرضی ریاضی معمولاً در موارد عملی تطبیق می‌گردد. مانند نظریه مجموعهات و یا علم ذرات.

اما در مورد ادبیات باستانی، قسمتی از رقیمه مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۳۲ را که از طرف حضرت ولی‌امرالله مرقوم گشته نقل می‌نمائیم. این رقیمه خطاب به یکی از یاران است که در مورد فن و مهارت داستان

نویسی سؤال نموده و پرسیده است آیا اشتغال به آن در زمره علمی بحساب می آید که بحرف آغاز و بحرف منتهی می شود:

مقصود حضرت بهاء الله از علمی که بحرف آغاز و بحرف منتهی می شود رسائل و مقالات در مبحث و مسائل الهیات است که بجای اینکه فکر انسان را به وصول به حقیقت کمک نماید آن را محدود و مسدود می نماید و نفوس همه عمر خود را وقف تحصیل این علوم نموده و در خاتمه نتیجه و ثمری از تلاش خود نمی یابند.

آکیدا مقصد حضرت بهاء الله آن نبوده که داستان نویسی را در زمره این علوم دانند و همچنین تند نویسی و با ماشین تحریر نوشتن هر دو از استعداد های بسیار مفید است که در زندگی اجتماعی و اقتصادی امروزه بسیار لازم و ضروری است.

لازم و شایسته آنکه شما حکایات و داستان های خود را منبع الهام و هدایت خوانندگان خود قرار دهید و با این وسیله ای که در دست دارید روح و مبادی امر الهی را منتشر نمائید. باید ضمن اینکه بدی ها و دردهای موجود در جامعه را در داستان های خود نشان می دهید، راه و علاج آن را نیز ارائه نمائید. و چنانچه حقیقتا از استعداد خاصی در نوشتن برخوردار می باشید باید آن را موهبت الهی دانید و سعی و کوشش نمائید تا از این استعداد خود در پیشبرد و ترقی جامعه استفاده کنید.

امید بیت العدل اعظم الهی آنست که شما بتوانید دوستان خود را در این موارد قانع نمائید و آنان را تشویق کنید تا برای خدمات امریه آماده و مهیا شوند و بتوانند در رفاه و آسایش عالم بشری مؤثر واقع گردند. (ترجمه)

(دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۴ می ۱۹۸۸ خطاب به یکی از یاران)

۳-۳ طرز فکر شخص عالم

از آثار حضرت بهاء الله:

۵۶- "من الناس من غرته العلوم وبها منع عن اسمی القيوم واذا سمع صوت النعال عن خلفه یری نفسه اکبر من نمرود قل این هو یا ایها المردود تالله انه لفی اسفل الجحیم. قل یا معشر العلماء اما تسمعون صریر قلمی الأعلى واما ترون هذه الشمس المشرقة من افق الأبهی الی م اعتکفتم علی اصنام اهوائکم دعوا الأوهام وتوجهوا الی الله مولاکم القدیم."

(کتاب مستطاب اقدس، آیه ۴۱)

۵۷-"باید کل با یکدیگر برفق و مدارا و محبت سلوک نمایند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند."

(منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۳-۱۴)

۵۸-"ایاکم ان لا تحاربوا مع نفس بل ذکروها بالبيان الحسنة و الموعظة البالغة ان كانت متذكرة فلها و الا فاعرضوا عنها ثم اقبلوا الى شطر القدس مفر قدس منیر و لا تجادلوا للدنيا و ما قدر فيها باحد لأن الله ترکها لأهلها..."

(منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۷۸)

۵۹-"باری ای سلمان بر احبای حق القاء کن که در کلمات احدی بدیده اعتراض ملاحظه نمائید بلکه بدیده شفقت و مرحمت مشاهده کنید. مگر آن نفوسی که الیوم در رد الله الواح ناریه نوشته بر جمیع نفوس حتم است که بر رد من رد علی الله آنچه قادر باشند بنویسند كذلك قدر من لدن مقتدر قدیر."

(منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۲)

از آثار حضرت عبدالبهاء:

۶۰-"آداب و نورانیت اخلاق مرجح است اگر اخلاق تربیت نشود علوم سبب مضرت گردد. علم و دانش ممدوح اگر مقارن حسن آداب و اخلاق گردد والا سم قاتل و آفت هائل. طیب بدخو و خائن سبب هلاک گردد و علت انواع امراض."

(منتخباتی از آثار مبارکه درباره تعلیم و تربیت، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۶ بدیع، ص ۱۱۹-۱۲۰)

از پیام های بیت العدل اعظم و دستخط های دارالانشاء:

۶۱-...یاران باید اهمیت سلامت فکری و فروتنی را دریابند. در ظهورات قبل بسیاری از لغزش ها معلول آن بود که مؤمنین بشریعه الهیه بسیار شائق بودند در قالب ادارک محدود خود پیام الهی را تعبیر و تفسیر نمایند و اصول و تعالیم الهیه را که خارج از دایره عقول و افکارشان بود تعریف و تبیین کنند و نیز در صدد تشریح رموز و اشاراتی بر می آمدند که درک آن تنها در پرتو دانش و بینش و حکمت عصر بعد امکان داشت و نیز استدلال می کردند مسائلی مقرون بحقیقت است که بزعم ایشان مطبوع و لازم می نمود. باید از چنین توجیحات مصلحت آمیز درباره حقائق ضروریّه برحذر بود و از این قبیل کبر و غرور فکری قطعاً اجتناب نمود.

(از مجموعه پیام‌های بیت العدل اعظم، ص ۳۱۴)

۶۲- جوانان بهائی هنگام تحصیل در مدرسه و یا دانشگاه غالباً در موقعیتی غیر عادی و تا اندازه‌ای ناراحت کننده قرار می‌گیرند چون ملاحظه می‌نمایند در موضوعی بصیرت و اطلاعات آنها نسبت به معلمین شان بیشتر است. از آنجائیکه تعالیم حضرت بهاء‌الله درك بسیاری از حقایق زندگی و معارف بشری را واضح و آشکار می‌سازد، فرد بهائی یقیناً بیش از سایرین باید بداند که لازم است اطلاعاتی که بوی داده شده را مورد سنجش و بررسی قرار داده و کورکورانه قبول ننماید. امتیاز فرد بهائی در دارا بودن آثار الهیه در این عصر و زمان است که مانند نور افکن بر بسیاری از معضلات و مشکلات که متفکرین امروزه را مات و متحیر ساخته می‌تابد. لذا جوان بهائی باید بقدر مقدور استعداد خود را پرورش دهد و علم را از افواه رجال اخذ نماید و نسبت به معلمین خود نهایت خضوع و خشوع مرعی دارد ولی همواره آنچه را که می‌شود با تعالیم الهیه بسنجد زیرا تعالیم الهی است که می‌تواند انسانرا در تشخیص و تمییز ذهب خالص از قشور و مصنوعات زایده که مولود افکار سخیفه بشری است معاضدت نماید. (ترجمه)

(از پیام جون ۱۹۶۶ خطاب به جوانان بهائی در سراسر عالم)

۶۳- بیت العدل اعظم موافقند که بسیار مهم است یاران علی‌الخصوص نفوسیکه در مؤسّسات امریه مسئولیت‌هایی را عهده دار می‌باشند با آرامی و صبر و بردباری و وسعت فکر نسبت به نظریات مخالف دیگران با خود واکنش نشان دهند و همواره متذکر باشند که قاطبه اهل بها در دبستان امرالهی مشغول به تحصیل بوده سعی می‌نمایند با وضوح بیشتری تعالیم الهیه را فراگیرند تا آن را با ایمان و ایقان در حیات خود پیاده نمایند و هیچ فردی نمی‌تواند ادعا نماید که به فهم و ادراك کامل این ظهور الهی واصل گشته است. و همچنین جمیع مؤمنین و مخصوصاً دانشمندان و محققین باید اندازات عدیده در آثار مبارکه نسبت به برانگیختن نزاع و اختلاف بین یاران را همواره متذکر باشند. وظیفه مؤسّسات و تشکیلات امریه است که جامعه را از چنین خطراتی محفوظ دارند.... نمی‌توان انکار نمود که برخی اشارات و بیاناتی که اخیراً باسم تحقیقات بهائی از طرف بعضی افراد اظهار گردیده نشانه افراط و بی‌اعتدالی و عدم درك بسیاری از مبادی اساسیه امرالهی است که مسلماً علامت خطر را در قلب هر مؤمن حلیم و بردباری بر می‌انگیزد.

(دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی مورخ ۱۸ جولای ۱۹۷۹ خطاب به یکی از یاران)

۶۴- بیت العدل اعظم احساس می‌نمایند محققین بهائی باید از وسوسه کبر و غرور فکری بر حذر باشند. حضرت عبدالبهاء یاران غرب را انداز فرمودند که دچار امتحانات فکری خواهند گردید و حضرت ولی‌امرالله یاران را در این خصوص متذکر داشتند. جوانب بسیاری از طرز تفکر غربی در افکار عمومی برتبه و مقام يك اصل کامل و غیر قابل تعدی بشمار آمده که مرور زمان ثابت خواهد نمود کاملاً اشتباه

است و یا فقط جزئی حقیقتی در آن است. هر فرد بهائی که به مقام و رتبه‌ای در مدارج علم و فضل رسد با تأثیر شدید اینگونه افکار مواجه خواهد گردید. یکی از مشکلات دنیای امروز درجه‌ایست که اصول و مبادی مختلف از هم جدا گشته و بصورت رشته‌های تخصصی در آمده است. از تحدیات متفکرین و دانشمندان امروز ایجاد نوعی ترکیب و یا لااقل ارتباط و همبستگی بین معارف و علوم وسیعی است که در قرن گذشته کسب گردیده است. اهل بها باید این جنبه را در نظر داشته و از اصل اعتدال و شمول و احاطه این ظهور الهی کاملاً آگاه باشند...

در اجرای حدود و احکام اجتماعی امر بهائی مشکل صرفاً عدم اطاعت نمی‌باشد، بلکه مشکل عمده در نتیجه عمل نفوسی است که هر چند متوجهند دقیقاً و عیناً احکام را اجرا نمایند ولی سعی می‌نمایند تا آنجائیکه ممکنست از روح مودعه در احکام الهی دور شوند. یک چنین تمایلی در بین برخی از محققین و دانشمندان بهائی ملاحظه می‌گردد. پیشرفت و تقدم سریع در مدارج علم و دانائی در زمینه تحقیقات بهائی بواسطه نفوسی انجام میپذیرد که ضمن آنکه در مسائل تخصصی خود تبحر دارند و از اصول تحقیق و تتبع تبعیت می‌نمایند کاملاً از عشق امر الهی سرشارند و با عزم و جدیت قصد فهم و ادراک عمیق‌تر از تعالیم آن را دارند. (ترجمه)

(دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم مورخ ۲۳ مارچ ۱۹۸۳ خطاب به یکی از یاران)

۳-۴ مسائل مربوط به روش و اسلوب تحقیق:

از آثار حضرت بهاء الله:

۶۵- "قل یا معشر العلماء لاترنوا کتاب الله بما عندکم من القواعد والعلوم انه لقسطاس الحق بین الخلق قد یوزن ما عند الأمم بهذا القسطاس الاعظم و انه بنفسه لو انتم تعلمون"
(کتاب مستطاب اقدس، آیه ۹۹)

۶۶- "ولما ملئت عیون اهل الشرق من صنائع اهل الغرب لذا هاموا فی الأسباب و غفلوا عن مسببها و ممدھا مع ان الذین کانوا مطالع الحکمة و معادنھا ما انکروا علتھا و مبدعھا و مبدأھا ان ربک یعلم و الناس اکثرهم لا یعلمون"
(لوح حکمت، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ آلمان، ص ۸۵)

از بیانات حضرت عبدالبهاء:

۶۷- "میزان ادراك آنچه مسلم است منحصر در چهار موازين است يعنى حقائق اشياء باين چهار چيز ادراك مى شود."

اول ميزان حس است. يعنى آنچه بچشم و گوش و ذائقه و شامه و لامسه احساس مى شود اينرا محسوس مى گویند. امروز نزد جميع فلاسفه اوروپا اين ميزان تام است. ميگویند اعظم موازين حس است و اين ميزان را مقدس مى شمارند و حال آنکه ميزان حس ناقص است زيرا خطا دارد. مثلا اعظم قواى حسيه بصر است بصر... زمين را ساکن گمان کند آفتاب را متحرک بيند و امثال ذلك در بسيار امور خطا کند لهذا نمى شود بر آن اعتماد کرد.

میزان ثانی میزان عقل است و این میزان نزد فلاسفه اولی اساطین حکمت میزان ادراك بود. بعقل استدلال مى کردند و بدلائل عقليه تشبث مى نمودند زيرا استدلالات ایشان جمیع عقلیست. با وجود این بسیار اختلاف کردند و آرائشان مختلف بود حتی تبدیل فکر مى کردند يعنى يك مسأله را بیست سال بدلائل عقليه استدلال بر وجودش مى کردند بعد از بیست سال بدلائل عقليه آنرا نفی مى نمودند. حتی افلاطون در بدایت بآدله عقليه اثبات سکون ارض و حرکت شمس را مى نمود و بعد بدلائل عقليه اثبات نمود که شمس مرکز است و زمين متحرک... پس معلوم شد که میزان عقلی تام نیست چه که اختلاف فلاسفه اولی و عدم ثبات و تبدیل فکر دليل بر این است که میزان عقل تام نیست چه اگر میزان عقل تام بود باید جميع متفق الفکر متحد الرأى باشند.

میزان ثالث میزان نقل است و آن نصوص کتب مقدسه است که گفته مى شود خدا در تورات چنان فرموده است و در انجیل چنین فرموده است. این میزان هم تام نیست بجهت آنکه نقل را عقل ادراك کند. بعد از اینکه نفس عقل محتمل الخطاست چگونه توان گفت که در ادراك و استنباط معانی اقوال منقوله خطا ننموده بلکه عین صواب است زیرا ممکن است که خطا کند و یقین حاصل نمى شود. این میزان رئیس های ادیانست آنچه آنها از نصوص کتاب ادراك کنند این ادراکات عقليّه آنهاست که از آن نصوص ادراك کنند نه حقیقت واقع زیرا عقل مثل میزانست و معانی مدرکه از نصوص مثل شیئ موزون. میزان که مختل باشد موزون چه نوع معلوم مى شود.

پس بدان آنچه در دست ناس است و معتقد ناس محتمل الخطاست زیرا در اثبات و نفی شیئ اگر دليل حسی آرد واضح شد که آن میزان تام نیست. و اگر دليل عقلی گوید آن نیز تام نیست. یا اگر دليل نقلی گوید آن نیز تام نیست پس واضح شد که در دست خلق میزانی نیست که اعتماد نمائی بلکه فیض روح القدس میزان صحیح است که در آن ابداء شك و شبهه نیست و آن تأییدات روح القدس است که بانسان مى رسد و در آن مقام یقین حاصل مى شود»

از دستخط‌های دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی:

۶۸- اظهار نگرانی شده بود که بسیاری از یاران که معتقدند فقط يك نظر صحیح و درست در مورد تاریخ و تعالیم امرالله وجود دارد هرگونه فکر و نظر جدید و غیرمأنوس را انتقاد می‌نمایند. این مطلب از قبل در بیانیه‌هایی از بیت العدل اعظم الهی ذکر گردیده است مثلاً در صفحات ۸۸-۸۹ از کتاب "سرچشمه هدایت" - Wellspring of Guidance. همانگونه که در مکتوب خود اشاره نموده‌اید وحی الهی مصون از هر خطا است و از علم کامل و احاطه تام بر حقیقت صادر می‌شود. ولی وقتی افراد یاران سعی می‌نمایند آثار مقدسه الهیه را در مورد مشکلات و موارد بخصوصی استفاده نمایند آن را با فکر و ادراک محدود خود انجام می‌دهند. لذا همانگونه که افراد در نتیجه گیری از شواهد و دلائل با فکر و منطق با یکدیگر اختلاف دارند بهمان نحو در درك و فهم و استفاده از قسمتی از وحی الهی با یکدیگر متفاوتند. مبدأ توافق علم و دین در امر بهائی همچنان که بیان داشته‌اید مستلزم آنست که محقق بهائی چنانچه مغایرتی در ظاهر بین آثار الهیه و شواهد موجود در مسأله خاصی ملاحظه می‌نماید از هوش و فراست خود برای وصول به راه حل استفاده نماید و این حقیقت را قبول نماید که برخی از مشکلات ممکنست با درك و فهم وی تحلی نمایند...

اقدام بیت العدل اعظم الهی به ابلاغ بیانیه دایره تحقیق در مورد سمینار...^۳ این مفهوم را در بر نداشته است که تنها يك روش و سبک صحیح برای مورخین بهائی وجود دارد، بلکه منظور صرفاً آن بوده که محققین بهائی را از خطرات موجود در راه و روش‌هایی که برخی از آنان در وقت حاضر پیش گرفته‌اند آگاه و هوشیار سازد. تحقیقات تاریخی بیشتر جنبه سنجش و ارزیابی شواهد را داشته و استنباط از احتمالات موجود است. و بعلاوه شواهد تاریخی همیشه متجزاً و منفصل است، گاهی ممکنست تصادفاً اشتباه باشد و یا حتی عمداً جعلی و ساختگی باشد. بیت العدل اعظم واقفند که شما کاملاً از این امر آگاه می‌باشید، ولی این موضوع را تأکید می‌نمایند زیرا قابل قبول نیست که يك مورخ بهائی بتواند در کمال راستی و صداقت از طرفی ادعای ایمان و اخلاص نماید و از طرفی دیگر در نوشتجات خود حقیقت و صحت و شرف و منقبت طلعات مقدسه امراله‌ی و یا ولی امر آن را مورد سؤال و تحدی قرار دهد.

از آنجائیکه امر مبارک بفرموده حضرت ولی‌امرالله هر يك از یاران را بوظیفه اولیه تحری حقیقت بدون هیچ قید و شرطی مکلف می‌سازد، باید هر مورخ مشتاق بهائی را مطمئن سازد که مطلقاً هیچگونه نیازی به تحریف تاریخ بزعم آنکه مصلحت امر چنین ایجاب می‌نماید وجود ندارد. بلکه بالعکس آمیزش ایمان حقیقی با آزادی فکر و اندیشه از قوای عظیمه امراله‌ی بهائی محسوب می‌گردد. و این امر البته مسئولیت

عظیمی را بردوش مورخین بهائی قرار می‌دهد که نظریات و آراء و نتیجه‌گیری خود را در کمال اعتدال و با خضوع و فروتنی اظهار نمایند. در ارتباط با این مطلب حضرت بهاء‌الله در یکی از الواح می‌فرماید:

"... و این که مرقوم داشته بودید یکی از دوستان رساله‌ای نوشته تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب الیوم آنچه نوشته می‌شود باید به کمال دقت ملاحظه نمود تا سبب اختلاف واقع نشود و محل ایراد قوم نگردد آنچه الیوم دوستان حقّ به آن متکلمند بر مسمع اهل ارض است، در لوح حکمت این کلمه نازل ان آذان المعرضین ممدودة الینا لیستمعوا ما یعترضون به علی الله المهیمن القیوم. این فقره خالی از اهمّیت نیست باید آنچه نوشته می‌شود از حکمت خارج نشود و در کلمات طبیعت شیر مستور باشد تا اطفال روزگار به آن تربیت شوند و به مقام بلوغ فائز گردند از قبل ذکر نمودیم که یک کلمه بمثابه ربیع است عالم قلوب از او تازه و خرم شود و کلمه دیگر بمثابه سموم از هار و اوراد را بسوزاند انشاءالله مؤلفین از دوستان حقّ باید بنویسند آنچه را که نفوس منصفه بپذیرند و نزد قوم محل ایراد واقع نشود."

(پژوهشنامه، سال دوم، شماره دوم، ۱۹۹۸ م، ص ۱۵)

(دستخط ۱۸ جولای ۱۹۷۹ خطاب به یکی از یاران)

۶۹- بیت العدل اعظم الهی امیدوار بودند که انتشار این بیانیه^۴ بحث و مذاکره بین محققین بهائی را برانگیزد و آنان را تشویق نماید به تفحص دقیق جمیع جوانب کارهای خود پردازند و تأثیر آنها را بر شنوندگان بهائی و غیر بهائی بررسی نمایند. هدف نبوده که به محققین اعلام شود روش و طریق خاصی را کنار گذارند بلکه مقصد آن بوده که یاران را از خطرات موجود در مسلم شمردن فرضیات محققین غیر بهائی کنونی بر حذر دارد و متذکر دارد که اجازه ندهند افکار و مفاهیم آنان از امر الهی با معیارها و موازینی که خود بعنوان افراد بهائی می‌دانند اشتباه است مقید و محدود گردد. و همچنین امید معهد اعلی آن بوده که محققین بهائی به اهمّیت نحوه ارائه مطالب خود واقف گردند و از کلمات اهانت‌آمیز و متکبرانانه که برخی علناً در مورد همکیشان خود که هدف و مقصدی جز خدمت خالصانه بامر الهی نداشته استفاده نموده‌اند پرهیز و اجتناب نمایند. (ترجمه)

(دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم مورخ ۸ اکتبر ۱۹۸۰ خطاب به یکی از یاران)

۷۰- از مکتوب شما معهد اعلی چنین استنباط نمودند که مایلید راه‌هائی بیابید که بتوانید حقائق روحانی را بنحوی عقلانی و منطقی ارائه داده و اهمّیت و اعتبار آن را با دلائل علمی اثبات نمائید. هیچگونه اعتراض و مانعی در این سبیل نمی‌باشد. حضرت عبدالبهاء خود این روش را استفاده نمودند. خطری که محققین بهائی باید از آن بر حذر باشند تغییر و تحریف حقائق دینی ولو بالاجبار است تا با مفاهیم و نظریات متداول در جهان علم تطابق یابد. محققین بهائی باید از این خطر برکنار باشند. بیت العدل اعظم الهی در مکتوب ۲۱ جولای ۱۹۶۸ خطاب به یکی از محافل ملیّه مرقوم داشته‌اند:

هرچند غالباً دسترسی به افراد و یا شنوندگان از طریق معارف و علوم امروزه از شئون حکمت می باشد ولی نباید هیچگاه فراموش شود که وحی نازل از مظهر امر الهی اساس جمیع علوم است، و نظریه ها و بیانیتهای علمی هرچند با مبادی و اصول صادره از مظهر امر خدا نزدیک باشد طبیعتاً محدود و بی ثبات است. و از طرفی دیگر بیم آنست که در مرتبط ساختن امر بهائی با جامعه امروزه و تطبیق آن با نظریات و عرفهای موجود حقائق اساسیه امر مقدس خویش را به مخاطره اندازیم. (ترجمه)
(دستخط مورخ ۷ جون ۱۹۸۳ خطاب به یکی از یاران)

۷۱- نگرانی عمده بیت العدل اعظم تعصب و طرفداری يك جانبه در روش و اسلوب برخی نویسندگان و تبعیت از لحنی ناموزون در نوشتجات آنان است. چنین بنظر می رسد که در سعی و کوشش جهت وصول به آنچه آن را واقع بینانه و علمی می نگارند، این نفوس سهوا و بدون قصد امر الله را در قالبی قرار داده اند که کاملاً با طبیعت آن مغایرت دارد و قوای روحانی آن را که از نظر اهل بها اس اساس است بتمامه نادیده شمرده اند. احتمالاً این روش چنین توجیه می گردد که اکثر محققین و دانشمندان در رشته تطبیقی ادیان اصل توجه آنان پدیده های مشخص و وقایع معلوم و مواضع عملی است و معمولاً اینگونه مواضع را از نقطه نظر افکار غربی، و نه الزاماً افکار مسیحی بررسی می نمایند. هرچند این روش مفهوم است ولی برای فرد بهائی غیر ممکن است زیرا این حقیقت را نادیده می شمارد که در نظرگاه جهانی اهل بها بُعدی روحانی وجود دارد که بمنظور استحکام، ثبات و هم بستگی آن عنصری غیر قابل انفکاک می باشد. و شایسته نیست که فرد بهائی درباره دیانت خود بنحوی نویسد که بنظر آید آن را با میزان انسانیت و یا مادیات می نگرد.

به عبارتی دیگر، در اینگونه مقالات شاهد و ناظر نویسندگان بهائیان هستیم که سعی می نمایند مثل يك غیر بهائی بنویسند. و این باعث می شود که نتیجه گیری و استنباطی نمایند که با تعالیم بهائی و حقیقت امر الهی مغایرت دارد. يك نویسنده خوب بهائی وقتی برای چنین انتشاراتی مطلب می نگارد باید کاملاً بتواند بلحنی آرام و بیطرفانه مسائل را توضیح دهد بدون آنکه با نظری که در اصل محدود و مادی است صورت واقعی را تحریف نماید. (ترجمه)
(دستخط مورخ ۴ اکتبر ۱۹۹۴ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملّیه)

۵-۳ عهد و میثاق

از توقیعات حضرت ولیّ امر الله و رقائم صادره از طرف آن حضرت:

۷۲- در مورد انتخاب رشته تحصیلی: ... امر الله بنحوی است که می‌توانیم با هر حرفه و شغلی که دارا هستیم بآن خدمت کنیم. مهم آنست که افکار ما روحانی باشد و صرفاً امور مادی بحت را در نظر نگیریم. و نیز نباید اجازه دهیم که تحصیلات ما مانع از تعمق و ثقافه ما در آثار امرالهی گردد. (ترجمه)
(رقیمه از طرف هیکل اطهر مورخ ۹ نوامبر ۱۹۳۱ خطاب به یکی از یاران)

۷۳- "... و برای حصول این مقصود و توفیق در این مرام آثار امریه را بنفسه مطالعه و تعالیم رحمانیه و اصول و احکام مقدسه را تحقیق و تدقیق نمایند و نصایح و انذارات و اشارات و بشارات منزله از قلم حضرت احدیه را تأمل و تدبر کنند و بعضی از بیانات و ادعیه الهیه را در خاطر سپارند و نظامات اداری را کاملاً فراگیرند و خود را با تطورات و تحولات و پیشرفت‌ها و حوادث جاریه امر الله مأنوس و مالوف سازند و نیز باید سعی نمایند که از منابع موثق و محل اعتماد که عاری از اغراض خصوصیه و آراء و مآرب شخصیه تدوین شده باشد عرفان کامل و دقیق نسبت باساس و تاریخ دیانت اسلام مصدر و مطلع این امر ابداع اعظم حاصل نمایند و با روحی فارغ از افکار و توهمات قبلیه قرآن کریم را که گذشته از آثار مقدسه حضرت باب و حضرت بهاء الله یگانه کتاب آسمانی و مصحف ربّانی و مخزن کلمات الهی است که از هرگونه تصرف و تبدل مصون و محفوظ مانده و مورد ثقه و اعتماد کامل می‌باشد با رعایت احترام و تکریم مورد فحوص و تحقیق قرار دهند همچنین در شئون و احوالی که مستقیماً باصل و پیدایش آئین مقدس بهائی مربوط است امعان نظر کنند و مقامی که از طرف مبشر اعظم این امر امانع اقدس دعوی شده همچنین اوامر و نصوصی که از قلم ملهم مظهر مقدس سبحانی و شارع شریعت رحمانی در این دور اعز یزدانی عز نزول یافته کل را بکمال صحت و اتقان بشناسند و بمعرفت و ایقان کامل پی برند."
(ظهور عدل الهی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ بدیع، ص ۱۰۳-۱۰۴)

۷۴- حضرت ولی امر الله احساس می‌نمایند که اطلاع کافی از تاریخ و تاریخ ادیان و همچنین مواضع اجتماعی و اقتصادی کمک بسیار مؤثری در تبلیغ امرالهی به نفوس باهوش و ذکاوت است. اما در خصوص آنکه بر کدام قسمت از مطالب امریه بیشتر تمرکز نمائید، بنظر حضرت شان جوانان بهائی باید در آثار ذیل تسلط و مهارت کامل داشته باشند: "منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله"، "مطالع الانوار"، "قرن بدیع"، "کتاب مستطاب ایقان"، "مفاوضات حضرت عبدالبهاء" و الواح مهمه دیگر. جمیع جوانب امر مبارک باید دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد... و... باید بیشتر درباره نظامات بهائی بدانند. (ترجمه)
(رقیمه‌ای از طرف هیکل مبارک مورخ ۴ می ۱۹۶۴ خطاب به یکی از یاران)

۷۵- بنظر می‌رسد اکنون نیازمند آنیم که تحقیقات بهائی با عمق و تنسیق بیشتری انجام پذیرد تا بتوان نفوسی همانند افرادی که با آنان در تماس می‌باشید را جلب نمود. اهل عالم و یا علی الاقل طبقه روشنفکر از مردم روی زمین تاکنون به درک مبادی عظیم و جهان شمول حضرت بهاء الله که بیش از ۷۰ سال قبل اعلام

گردیده رسیده است لذا بدیهی است که بنظر آنها دیگر "جدید" جلوه نمی نماید. ولی ما می دانیم که تعالیم عمیق تر امر مبارک و قدرت نظم بدیع الهی در ایجاد خلق جدید در اجتماع کلا مطالبی است نوین و حیاتی که باید نحوه ارائه آن را با بصیرت و ذکاوت و بنحوی جالب بدینگونه افراد فراگیریم. (ترجمه) (رقیمه از طرف هیكل مبارك مورخ ۳ جولای ۱۹۴۹ خطاب به یکی از یاران)

۷۶- حضرت شان از اینکه خطابه های عدیده در پیشبرد امر الهی ایراد می نمائید بسیار مسرور گردیدند. این میدان خدمت ارزنده و مهمی است که باید حد اکثر وقت ممکن را مصروف آن سازید. عموم مردم باید از امر الهی اطلاع یابند و لازم است راه و روش های جدیدی بدین منظور اتخاذ گردد. ضمناً تأکید می نمایند که تعالیم الهیه را عمق بیشتری مطالعه نمائید. در حقیقت تحقیقات بهائی بیش از تحقیقات علوم دنیوی مورد نیاز است، زیرا مورد اول روحانی است و مورد ثانی کم و بیش فانی و ناپایدار. در امر مبارک تعداد نفوسی که تعالیم الهیه را دقیقاً بدانند بسیار کم است، علی الخصوص نفوسی که عمق حقائق و معانی را درک نمایند و بتوانند بنحو صحیح ناس را تبلیغ نموده اساسی محکم و متین استوار سازند که با امتحانات و افتتانات متزلزل نگردد. (ترجمه) (رقیمه از طرف هیكل مبارك مورخ ۲۷ آگست ۱۹۵۱ خطاب به یکی از یاران)

از پیام های بیت العدل اعظم الهی:

۷۷- در زمینه تحقیق و تتبع بنظر این هیئت مطلب بسیار مهم آنست که با خرده گیری، بازرسی، و انتقادات بیجا از پیشرفت و ترقی محققین بهائی جلوگیری نشود. ما معتقدیم که دارالتبلیغ بین المللی و هیئت های مشاورین قاره ای می توانند با تشویق محققین نوظهور و ایجاد محیطی مناسب در جامعه بهائی برای قبول و تحمل آراء و نظریات دیگران، خدمات ارزنده ای در این سیل انجام دهند. همزمان باید با ایجاد آگاهی هرچه بیشتر نسبت به حقائق امر الهی و درک اهمیت حیاتی عهد و پیمان ربانی و ازدیاد عشق و محبت به حضرت بهاء الله، پایه و اساس درونی ایمان افراد مؤمنین تقویت و استحکام یابد. (ترجمه) (ابلاغیه مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۱ خطاب به دارالتبلیغ بین المللی)

۷۸- "شکی نبوده و نیست که تقدم و تعالی امر الله از این پس بروابط متداوله متزاید با مراجع و معاهد مختلفه و اقدامات و مجهودات متفرقه و شخصیات بارزه غیر بهائی در پهنه گیتی منوط و مرتبط. شرع بها در سازمان ملل بفضل و رحمت بیمنتها موقف و موضعش یوما فیوما در ارتفاع و امتناع و در مذاکرات و مشاورات حکومت بیشتر از پیش مورد و مهبط لطف و عنایت و توجه امرا و رؤساء و در جرگه ارباب جرائد و وسائل ارتباط جمعی شناسا و آشنا و مطمح نظر و علاقه اساتذده و فحول علما و علی وجه الیقین محسود و مغبوط مؤسسات ساقطه هابطه این حیز ادنی است. حال بمنظور مقابله با چنین اوضاعی باید در تزیید

معلومات خویش جهید نمائیم و از مداخله در امور سیاسیه و جانبداری از اطراف متنازعه متباغضه و تعصبات و حمیات جاهلیّه بکلی احتراز و اجتناب نمائیم و از همه مهمترو بالاتر آنکه در درک حقائق اصلیه شریعه سماویّه و ارتباط کلمه ربانیّه با مسائل حدیثه عالم کونیه سعی بلیغ مبذول کنیم." (پیام رضوان ۱۹۸۴ خطاب به بهائیان عالم)

نامه‌های دارالانشاء بیت العدل اعظم در باره نکاتی مربوط به مطالعه دیانت بهائی

نامه مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲

(ترجمه)

بیت العدل اعظم آگاهند که گروهی از پژوهش‌گران بهائی، از جمله خود شما، با سیاست بازبینی تألیفات مشکلاتی دارند، اما بیت العدل اعظم سبب اصلی این مشکلات را در مواردی متفاوت از آنچه شما ذکر نموده‌اید می‌دانند و عوامل زیر را به عنوان ریشه‌های اساسی این مشکلات قلم‌داد می‌فرمایند:

۱. درک محدود برخی از پژوهش‌گران بهائی از امر مبارک و تعالیم آن. وجود گرایش و تمایل‌هایی به کسب تخصص در زمینه‌های محدود و عدم توجه به آگاهی گسترده‌تر از تعالیمی که نه تنها روح را غنی می‌سازد، بلکه باعث تنویر ادراک در مسائل ویژه مورد مطالعه آنان می‌گردد.

۲. داشتن نگرشی به امر مبارک و نظم اداری که شدیداً متأثر از این پندار است که دیانت حضرت بهاءالله مانند سایر ادیان و سازمان‌ها است، مبتلا به همان حالاتی است که غالباً شاخصه سایر ادیان و سازمان‌ها بوده و انگیزه‌اش غیر اخلاقی است. به مؤسسات بهائی همانند "سازمان‌های" سنتی با بدگمانی نگاه می‌شود. چنین نگرشی سبب عدم درک، چه رسد به قبول، نکاتی می‌شود که بیت العدل اعظم تلاش در ابراز آن را دارند.

۳. قبول این فرضیه که تنها فردی که از آموزش دانشگاهی متعارف برخوردار است می‌تواند برخوردی بی‌طرفانه داشته و از نکات مورد نظر درک صحیحی داشته باشد، به حدی که نهایتاً منجر به ناچیز شمردن سؤالات مطرح شده توسط افراد فاقد مدارک دانشگاهی می‌گردد.

۴. کوتاهی در استفاده از فرایندهای استیناف در امر بهائی توسط پژوهش‌گران در برخورد با آنچه که از نظر آنها زیر سؤال بردن ناموجه نوشته‌هایشان توسط هیئت‌های بازبینی تألیفات بهائی تلقی می‌شود. طبیعی است که در مرحله کنونی توسعه امر الله اعضای هیئت‌های بازبینی تألیفات گه‌گاه در نظرات خود مرتکب اشتباه شده و یا به حد نامعقولی از درک مطالب باز می‌مانند. چنین اشتباهات و اختلاف نظرها باید از طریق گفتگو میان نویسندگان و اعضای هیئت‌های بازبینی حل و فصل گردد. اگر نتیجه این گفتگوها رضایت‌بخش نباشد نویسندگان می‌توانند به نفس محفل روحانی ملی استیناف کنند، و اگر این نیز مشکل را حل نکند آنوقت می‌تواند استیناف خود را به بیت العدل اعظم تقدیم نماید.

۵. طرز برخورد های فوق سبب می شود که پژوهش گران نتوانند این فرایند بازبینی را به نحوی برای هم کاران غیر بهائی خود توضیح دهند که در یک محیط دانشگاهی غیر قابل قبول نباشد.

پیشنهاد شما مبنی بر اینکه روشی برای "اجازه چاپ" مشابه آنچه در کلیسای کاتولیک اعمال می شود ارجح از سیستم فعلی می باشد، مورد بررسی بیت العدل اعظم قرار گرفت و دستور فرمودند مشکلاتی را که این سیستم به هم راه خواهد داشت برای شما توضیح دهیم.

اول اینکه این سیستم در خواننده این گمان را ایجاد خواهد کرد که گرایشات دیانت بهائی همانند گرایشات کلیسای کاتولیک می باشد و این به خودی خود موجب فراخواندن تصویرهایی از "فهرست" کتب ممنوعه و تداعی های دیگری است که بدون شک خود شما می توانید تصور کنید.

دوم آنکه این مفهوم نادرست را در ذهن تقویت خواهد کرد که مطبوعات بهائی بردو نوع است: کتاب هایی که حاوی نظرات "رسمی" دیانت بهائی است و تألیفاتی که بیانگر عقاید شخصی و آزاد افراد بهائی می باشد، و بدین ترتیب وجود یک تفاوت اساسی که از دیدگاه دیانت بهائی بین آثار حضرت اعلی، حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، توقیعات حضرت ولی امر الله و تصمیمات بیت العدل اعظم الهی که همه دارای مرجعیت می باشد از یک سو و تألیفات سایر بهائیان که با وجود معقول بودن محتوایشان از هیچ نوع مرجعیتی برخوردار نیست از سوی دیگر، پوشیده می شود. اینکه کتابی از مرحله بازبینی گذشته است دلیل صحت و درستی آن نیست، بلکه تنها اطمینان خاطر است برای محفل ملی مربوطه که این کتاب حاوی مطالبی که به نحو جدی دیانت بهائی و احکام آن را مخدوش نماید، نمی باشد.

سوم آنکه این حقیقت مهم را مبهم خواهد ساخت که فرایند بازنگری در دیانت بهائی یک امر موقتی و منحصر به مرحله کنونی از توسعه امر الله است، مرحله ای که در آن اگر کتب منتشره توسط افراد بهائی پیام حیات بخش آن را به طور جدی تحریف و مخدوش نماید می تواند شدیداً سبب گمراهی عامه مردم گردد.

پیشنهاد شما مبنی بر اینکه اگر یک محفل روحانی ملی متوجه مطالبی نادرست در یک مقاله منتشر شده توسط یک فرد بهائی در یک نشریه فرهنگی بشود، می تواند از دارالتحقیق بخواد که "برای نشریه مورد نظر نامه ای بنویسد و آن مطالب نادرست را با ذکر شواهد لازمه از نصوص در پانوشت بیان کند"، و اینکه ویراستاران آن نشریه "تمایل زیادی به در نظر گرفتن چنین نامه هایی خواهند داشت" و معلوم خواهد شد که پژوهش گران بهائی "از داشتن چنین موقعیتی برای گفتمان آزاد در اینگونه موارد استقبال خواهند نمود"، معروف نوع تازه ای از تبعیض و دخالت غیر لازم می باشد. مؤسسات بهائی به ندرت برای تصحیح مطالب مربوط به دیانت بهائی با نشریات مکاتبه می کنند، به این دلیل که نه تنها نمی خواهند با نویسندگانی که در

مورد دیانت بهائی مطالبی می نویسند درگیر شوند، بلکه تصحیح چنین مطالبی ندرتاً به اتلاف وقت و زحمت آن می‌آرزد. طی سال‌های آینده تعداد بی‌شماری از افراد غیر بهائی، اعم از آنهایی که دشمنان سرسخت امر هستند یا آنهایی که طرفداران پرشور این دیانت می‌باشند، مقالاتی در مورد آن منتشر خواهند نمود. برای تشکیلات بهائی امکان نخواهد داشت که بتوانند کلیه اشتباهات کثیری را که منتشر می‌شود با مکاتبه تصحیح نمایند و در این صورت تصحیح کتبی اشتباهاتی که فقط نویسندگان بهائی مرتکب شده‌اند را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

بیت العدل اعظم پیشنهاد می‌نمایند که شما راه‌های زیر را که از آن طریق پژوهش‌گران دیانت بهائی می‌توانند بر مشکلاتی که برخی از آنان به خاطر بازبینی انتشارات‌شان با آن روبه‌رو می‌شوند فائق آیند، در نظر داشته باشید:

- بدون قید و شرط بپذیرند که برقرار ساختن یک سیستم موقت بازنگری از طرف حضرت عبدالبهاء کار درستی بوده است و تصمیمات حضرت ولی‌امرالله و بیت العدل اعظم که هنوز این سیستم را ملغی ننموده‌اند مطابق با اراده الهی می‌باشد.
- تفاوت اساسی میان اشتباهات منتشره توسط بهائیان را با اشتباهاتی که از منابع غیر بهائی سرچشمه می‌گیرد تشخیص دهند. سیستم بازبینی برای جلوگیری از انتشار اشتباهات و یا حملات علیه دیانت بهائی نیست بلکه کوششی برای منع اشاعه آن در تألیفات بهائی می‌باشد.
- تلاش نمایند تا حکمت و ماهیت واقعی این خط مشی را درک کرده و آن را با مفهوم صحیحش به هم‌کاران دانشگاهی خود ارائه نمایند.
- پژوهش‌گران بهائی با اعتماد و محبت به دوستان بهائی خود، نه با تحقیر نسبت به مدارک و با بدگمانی نسبت به انگیزه‌های آنان، بنگرند. آنان را به چشم بهائیان متمسکی بنگرند که تلاش می‌نمایند خدمتی را که مقررات امری از آنان خواسته است ایفا نمایند. بدون تردید و درنگ و آزادانه با مسئولین بازبینی در باره نکاتی که ایشان مطرح می‌سازند گفتگو نمایند. اگر به نظر می‌رسد که یک محفل ملی اجازه چنین مباحثات آزادی را نمی‌دهد، برای روشن نمودن موقعیت به بیت العدل اعظم مراجعه و استیناف کنند. بیت العدل اعظم کاملاً آگاهند که در برخی مواقع فرایند بازبینی کارآیی لازم را ندارد و با مشکلاتی روبه‌رو است. اگر پژوهش‌گران با این فرایند هم‌کاری کنند و به جای ترویج جوئی از خصومت و بدگمانی متقابل، به طور آشکار کارآیی آن را مورد سؤال قرار دهند، این گونه نواقص برطرف خواهد شد.

- اگر دانشگاهیان غیر بهائی موضوع بازبینی را مطرح ساختند، دانشگاهیان بهائی بگویند که در این مرحله آغازین در توسعه دیانت بهائی این عمل نوعی بازبینی توسط هم‌ردیفان است و از آن استقبال می‌کنند. زیرا در این مقطع از زمان تنها در میان بهائیان می‌توانند افرادی را پیدا کنند که به حد کافی درکی گسترده و عمیق از دیانت بهائی و تعالیم آن داشته باشند تا بتوانند نظرات قابل اهمیتی که باید قبل از انتشار تألیفات در نظر گرفته شود ارائه دهند. البته برای اینکه پژوهش‌گران بتوانند این مطالب را در نهایت صداقت بیان کنند، لازمه آن قبول قدم‌های دیگری است که در بالا ذکر شده است.

شما موقعیت بهائیان در زمینه‌های تخصصی دیگر مانند پزشک‌های بهائی را ذکر کرده بودید، که به گفته شما "می‌توانند شغل خود را به عنوان یک بهائی و بدون دخالت تشکیلات بهائی دنبال کنند". موضوع به این صورت نیست. کلیه بهائیان موظف به پیگیری قوانین و معیارهای بهائی هستند. کاملاً واضح است که برای یک پزشک بهائی طرف‌داری از سقط جنین به عنوان روشی برای کنترل خانواده و تأسیس یک کلینیک به این منظور قابل قبول نخواهد بود و یا یک روان‌پزشک بهائی نمی‌تواند علناً طرف‌دار روابط جنسی قبل از ازدواج باشد.

حضرت بهاءالله کلّ را مخاطب قرار داده می‌فرمایند: "لویجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من فم مشیة الرحمن لینفق ما عنده ولویکون خزائن الارض کلها لیثبت امرأ من اوامره المشرقة من افق العنایة والالطاف". و نیز می‌فرمایند "انّ الذی وجد عرف الرحمن وعرف مطلع هذا البیان انه یتقبل بعینه السهام لاثبات الاحکام بین الانام" ..

در خاتمه، بیت العدل اعظم مایلند متذکر شوند که معهد اعلی با این گفته شما کاملاً موافقت می‌کند که جلب افراد روشن‌فکر به دیانت بهائی و در واقع همه افراد با کفایت در هر زمینه‌ای حائز اهمیت بسیار می‌باشد. بهائیان که خود روشن‌فکر هستند می‌توانند به نحو بارزی به این فرایند کمک نمایند اما نه از طریق نادیده گرفتن معیارهای اساسی ایمان و سلوک که همه احباً را دربر می‌گیرد و نه از طریق جلوه‌گر ساختن نظم اداری به عنوان یک مانع اداری و مقرراتی در راه آزادی اندیشه و بیان.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۳

(ترجمه)

در مورد قرار کنونی برای بازبینی تألیفات پیش از انتشار، چالش کلیه ما بهائیان در هر شغلی که هستیم، تأمل در باره مقتضیات تلاش مشترکمان در راه نیل به هدف حضرت بهاءالله برای نسل بشر، از جمله استفاده از منابع عقلانی برای دست‌یابی به درکی عمیق‌تر از این ظهور اعظم و به کارگیری اصول آن می‌باشد. در پی‌گیری این مسیری که مؤسس این ظهور الهی صراحتاً و موکداً برای پیروانش مقرر نموده، جامعه بهائی از طریق تشکیلاتی که آن حضرت مهیا فرموده‌اند عمل می‌نماید.

مجهودات پژوهشی اقداماتی جدا از این فرایند ارگانیک نیست، پاسخگوی معیارهای دیگری نبوده و بر اساس مجوزی خارج از آن عمل نمی‌نماید. بیت العدل اعظم معتقد است که قسمتی از مشکلاتی که بعضی از دانشگاهیان بهائی در مورد بازبینی قبل از چاپ تألیفات با آن روبه‌رو هستند ممکن است از این واقعیت ناشی گردد که آنها در کار تحقیقی خویش خود را مشارکت‌کننده‌ای کامل در این فرایند و با همان استقلال روحانی که در سایر جنبه‌های زندگی عمل می‌نمایند، نمی‌بینند. آنچه که جامعه بهائی در حال متجلی ساختن آن می‌باشد خلقی جدید است. در این راه امر الهی نیازی مبرم به مساعدت بی قید و شرط و صمیمانه دانش پژوهان خود دارد. بیت العدل اعظم این نکته را یادآوری می‌نماید که همانند همه زمینه‌های دیگر مجهودات بهائی، این مساعدت باید تحت شرایط به خصوصی انجام گیرد، شرایطی که جزئی از طبیعت این فرایند است و در آثار الهی به تصریح بیان شده است.

البته این الزامات در معیارهایی که اکنون حاکم بر مؤسسات دانشگاهی غربی می‌باشد دیده نمی‌شود. اما هم از مؤسسات و هم از دانشمندان بهائی خواسته می‌شود که با تمام قلب، فکر و اراده خویش تلاشی عظیم به کار برند تا نمونه‌های جدیدی از اقدامات و ارشادات دانش پژوهانه که شایسته امر جمال مبارک است ایجاد کنند. نظریات العدل اعظم اینست که اگر شما افکار خود را متوجه این هدف نمایید می‌توانید به بهترین وجه به منافع امرالله خدمت کنید. صرفاً تکرار مجدد مرسومات و ملزومات سیستم‌هایی اعم از علمی، سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی، که نشان داده‌اند برای بی‌نظمی که جامعه انسانی را در خود غوطه‌ور ساخته هیچ گونه پاسخ قانع‌کننده‌ای ندارند و یا برای رویارویی با نتایج ناتوانی خود تمایلی نشان نداده‌اند، عملاً کمکی در این راه نمی‌نماید. وقتی که ما خود را به آسانی تسلیم سلطه رسوم دانشگاهی می‌نماییم، رسومی که برای اثبات ادعای واقع‌نگری خود به فرضیاتی که توسط متفکرین زیر سؤال برده شده است متوسل می‌شوند، هم به خود و هم به دیانت بهائی صدمه خواهیم زد. در حالی که دانشگاهیان غیر بهائی ممکن است بر اثر بی‌توجهی مؤسساتی را که حضرت بهاءالله تأسیس فرموده‌اند تنها نوع دیگری از "تأسیسات مذهبی" بپندارند و

از تدقیق جدّی در مورد حقایق این ظهور الهی سر باز زنند، مسلماً برای یک فرد مؤمن بهائی غیر ممکن است که به دنبال آنان در این کوره راه تھی برود.

بیت العدل اعظم آگاهند که ادامه قرار بازینی تألیفات می تواند از دید برخی دانشگاهیان غیر بهائی سایه ای بر نام نیک دیانت بهائی بیافکند. در محیطی که نشر تألیفات برای ترقی و کسب شهرت حیاتی است، هر نوع الزاماتی که این اقدام را به تأخیر انداخته یا مانع شود نه تنها برای خود شخص دانش پژوه بلکه برای مؤسّسات جامعه ای که مشتاق قیام او بوده و چشم به راه کمک های مؤثر او می باشند بسیار قابل توجه می باشد. اما آیا این مسئله دقیقاً همان دوراهی روحانی نیست که بسیاری از احبّاً در تلاش برای خدمت به امر حضرت بهاء الله با آن مواجه اند؟ در بسیاری از مواقع، مخصوصاً در کشورهای در حال رشد، احبّای باکفایت مجبور شده اند از فرصت های دست یابی به مشاغل چشم گیر سیاسی، مشاغلی که به آسانی می توانستند ارزش آنها را بر اساس خدمت به جامعه توجیه بنمایند، چشم ببوشند زیرا چنین گزینه ای با احکام و اهداف دیانت بهائی هماهنگ نبوده است. هم چنین، مثال های زیادی از احبّایی وجود دارد که هم کسب و کار و هم علاقه های موجّه خانوادگی را کنار گذاشته تا بتوانند به سرزمین های دور و دشوار جهان مهاجرت کنند.

به طور وضوح بحران تمدن کنونی در بسیاری از نقاط دنیا متفکرین را وادار به کاوش برای روش های پژوهشی جدیدی کرده است، روش هایی که بتواند با پدیده های روحانی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی که تا به حال با آنها برخورد نکرده بودند سازگار گردد. هیچ گروه بشری همانند جامعه بهائی برای ایفای نقش رهبری در این تلاش مجهز نمی باشد. جامعه بهائی، به عنوان یک هیئت انسانی که با استفاده از قوای ظهور حضرت بهاء الله مستمراً در حال رها شدن از "نیروی جاذبه" فرهنگ های شکل دهنده عادات فکریش می باشد، توانسته است به راه کار بی نظیری برای کشف حقیقت دست یابد. این راه کار باید به عنوان یک وسیله مؤثرتر برای دگرگونی اجتماعی به شدت و دقت تمام آماده شود. فراهم نمودن این معیار جدید دانش پژوهی که لازمه این شرایط و موقعیت می باشد فرصت گران بهایی را برای خدمت و کسب موفقیت به آن دسته از بهائینی اعطا نموده که از نعمت های دوگانه ایمان روحانی و استعداد عقلانی که تربیت شده بهترین دست آوردهای جامعه معاصر می باشد برخوردارند.

بیت العدل اعظم الهی تنها می توانند از پژوهش گران بهائی، مانند همه احبّای دیگر، دعوت نماید تا از هر طریق و به هر اندازه ممکن به این چالش تاریخی پاسخ دهند. بیت العدل اعظم اطمینان دارند که همانند همه میادین دیگر خدمات بهائی، در زمینه دانش پژوهی بهائی نیز منابع ضروری به تدریج آماده خواهد شد و نمونه های مورد نیاز تحقیق و مطالعه از طریق فرایند مشورت پیراسته خواهد گردید. بیت العدل اعظم الهی معتقدند که همین موفقیت است که آوازه امر مبارک را در مقابل سوء تفاهات و انتقاداتی که احتمالاً اکنون

با آن روبه روست، در درازمدت به خوبی حفظ خواهد نمود. فی الواقع پاسخ‌هایی که محققان بهائی در بسیاری از زمینه‌ها ارائه می‌کنند باعث دل‌گرمی عمیق بیت‌العدل اعظم الهی می‌باشد.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت‌العدل اعظم

نامه مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۳

(ترجمه)

اطمینان داشته باشید که بیت العدل اعظم از نیاز روزافزون دانشمندان بهائی برای دست‌رسی به مأخذ و منابع مهم تاریخی بهائی موجود در آرشیو از جمله "مطالع الانوار" آگاهی دارند. فی الحقیقه تصوّر این امر مشکل است که در غیر این صورت این خادمان امرالله که نقشی حیاتی در اشاعه و دفاع از منافع امر مبارک به عهده دارند بدون چنین منابعی چگونه می‌توانند به اجرای وظایف خود نایل گردند. و البته نیازی نیست که اهمیت روحیه صداقت و صراحت در مورد نصوص امری و منابع تاریخی برای منافع امر به بیت العدل اعظم تأکید شود.

در حال حاضر مرکز جهانی بهائی با کمبود منابع انسانی، جا و محل و تسهیلات تحقیقی لازم برای پاسخ به این نیاز روبه‌رو است. همه ما مشتاقانه در انتظار روزی هستیم که مرکز مطالعه نصوص و الواح که بنای آن در ساختمان‌های قوس طرح‌ریزی شده و اکنون در دست ساختمان است به اتمام برسد و در وضعی باشد که بتواند به تهیه تسهیلات آرشیوی و تحقیقی که مورد نیاز فوری امر مبارک است بپردازد. اطمینان داریم که اگر شما از این منظر به پرسش‌های مربوط به دست‌رسی به مأخذ اصلی بهائی پاسخ دهید تا حدّ زیادی موفق خواهید شد که از شبهاتی که توصیف نموده‌اید بکاهید.

این پیشنهاد که از سوی عده‌ای دیگر نیز مطرح شده مبنی بر اینکه بهترین راه در حال حاضر گشودن آرشیو مرکز جهانی بر روی پژوهش‌گران بهائی معتبر می‌باشد واقع بینانه نیست. اگر قرار باشد که اداره آرشیو، کتابخانه و دایره تحقیق توان و توجه خود را معطوف به پذیرش محققین متعددی که استفاده از این تسهیلات را حقّ خود می‌دانند بنمایند به کارهای ضروری این ادارات که به منظور حمایت از مشاغل حیاتی بیت العدل اعظم از جمله حفاظت، رده‌بندی، ترجمه، تعلیق و انتشار آثار باید انجام شود به حدّی لطمه وارد خواهد شد که در این مرحله از توسعه امرالله قابل قبول نمی‌باشد. همین‌طور که غالباً در بسیاری از زمینه‌های تحقیق عادی است، پژوهش‌گرانی که علاقه‌مند به تحقیق در مورد دیانت بهائی می‌باشند نیز باید تا حدّی صبر و حوصله از خود نشان دهند.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۳

(ترجمه)

بیت العدل اعظم پیشنهاد می‌فرمایند که بهترین راه برای بررسی مسائل مذکور در نامه شما ممکن است توجه به بیاناتی در آثار امری در باره ارتباط بین ظهور حضرت بهاءالله و دانش حاصله از کوشش‌های دانش‌پژوهانه باشد.

مظلوم در جمیع ایام من غیر ستر و حجاب امام وجوه اهل عالم نطق فرمود آنچه را که مفتاح است از برای ابواب علوم و فنون و دانش و آسایش و ثروت و غنا...

واضح است که آثار بهائی مجهودات بشری در کلیه زمینه‌ها و مطالعات علمی در همه رشته‌ها را روشن می‌سازد. کسانی که به موهبت شناسایی مقام حضرت بهاءالله فائز شده‌اند نعمت دست‌رسی به ظهوری را دارند که بر همه جوانب فکری و پژوهشی پرتو می‌افکند، و موظفند درکی را که در اثر غور در آثار مقدسه کسب کرده‌اند برای پیش بردن منافع امرالله به کار برند.

احبابی که ظرفیت و موقعیت این کار را دارند کراماً به پی‌گیری از تحصیلات دانشگاهی شان تشویق شده‌اند، زیرا به این وسیله نه تنها برای انجام خدمتی که مورد نیاز مبرم امرالهی است آماده می‌شوند بلکه امکاناتی برایشان مهیا می‌شود که می‌توانند بینش وسیع‌تری در معانی و مقتضیات تعالیم بهائی کسب کنند. آنان هم‌چنین در می‌یابند که بصیرت‌هایی که از درک عمیق‌تر ظهور حضرت بهاءالله کسب کرده‌اند مواضع پژوهش‌های دانشگاهی شان را نیز برایشان روشن می‌سازد.

مرور تعدادی از بیانات حضرت ولیّ امرالله در این مورد سودمند می‌باشد. در نامه‌ای به زبان انگلیسی که از طرف هیکل مبارک به یکی از احباب که تحصیلات عالی دانشگاهی را در موضوعی مربوط به تعالیم امری به پایان رسانده بود فرموده‌اند:

امید چنان است که دانشجویان بهائی از مثل ممتازی که شما برایشان فراهم آورده‌اید پیروی کنند و از آن پس به تحقیق و تحلیل تعالیم امر مبارک و ربط دادن آنها با جنبه‌های مدرن فلسفه و علوم تمایل پیدا کنند. روی‌کرد هر جوان باهوش و اندیش‌مند بهائی نسبت به امر مبارک باید همیشه چنین باشد، زیرا این جوهر اصل تحرّی حقیقت است.

وقتی که خبر تسجیل یک دانش‌مند رشته علوم به اطلاع هیکل مبارک رسید، پاسخ ایشان در نامه‌ای که از طرف ایشان به انگلیسی نوشته شد این بود:

ما به عنصر مستحکم و معقول فکری که یک ذهن تعلیم‌دیده علمی می‌تواند ارائه دهد احتیاج مبرم داریم. هنگامی که این چنین توانایی‌های روشن‌فکرانه با ایمان عمیق مرتبط شوند امکانات عظیمی در امر تبلیغ ایجاد خواهد شد.

منشی هیکل مبارک در موقعیت دیگری چنین نوشته است:

حضرت شوقی افندی هم به احبایی که از هیکل مبارک کسب راهنمایی کرده‌اند و هم به طور کلی طی سال‌ها توصیه فرموده‌اند که احباً در رشته‌های تاریخ، اقتصاد، جامعه‌شناسی و غیره تحصیل کنند تا بتوانند با جنبش‌ها و افکار مترقی که امروزه ابراز می‌شود هم‌گام باشند و بتوانند آنها را با تعالیم بهائی ارتباط دهند. آنچه که هیکل مبارک از احباً می‌خواهند این است که بیشتر تحصیل کنند، نه اینکه کمتر تحصیل کنند. هر قدر که معلومات عمومی‌شان در علوم و سایر رشته‌ها، بیشتر باشد بهتر است. به همین نسبت ایشان مرتباً توصیه می‌فرمایند که واقعاً تعالیم الهی را عمیقانه‌تر مطالعه نمایند.

احباً موظفند که در حین کوشش‌های هم‌زمان خود برای ادامه تحصیلات و مطالعه عمیق تعالیم بهائی دقیقاً در نظر داشته باشند که ظهور حضرت بهاء‌الله معیار حقیقتی است که همه نظرات و نتیجه‌گیری‌های دیگر باید با آن سنجیده شود. به آنها توصیه می‌شود که در مورد موفقیت‌های‌شان خاضع باشند و همیشه این فرموده جمال مبارک را مد نظر داشته باشند:

پس باید صدر را از جمیع آنچه شنیده شده پاك نمود و قلب را از همه تعلقات مقدس فرمود تا محل ادراك الهامات غیبی شود و خزینه اسرار علوم ربّانی گردد.

در این مرحله ابتدایی توسعه امر الله، ارائه یک توصیف محدودکننده برای واژه "دانش پژوهی بهائی" سودمند نخواهد بود. در نامه‌ای که اخیراً از طرف بیت العدل اعظم به زبان انگلیسی خطاب به یک مؤسسه مطالعات بهائی نوشته شده و ترجمه‌ای از آن به شرح زیر است چنین بیان شده است:

بیت العدل اعظم به شما توصیه می‌نمایند که سعی نکنید شکلی را که دانش پژوهی بهائی باید به خود بگیرد، یا روی‌کردی را که دانش پژوهان باید داشته باشند بیش از حد به طور

محدود توصیف کنید. بلکه باید بکوشید که در مؤسسه خود احترام نسبت به دامنه وسیعی از روی کردها و مجاهدات را گسترش دهید. بدون شک بهائینی خواهند بود که مایلند به تنهایی کار کنند در حالی که بعضی دیگر مایل به مشورت و هم‌کاری با افرادی هستند که علایق مشابهی دارند. هدف شما باید این باشد که محیطی از احترام متقابل و بردباری ترویج دهید که هم دانش‌پژوهانی را که علاقه اصلی‌شان به مسائل مربوط به الهیات است، و هم آن دانش‌پژوهانی را که علاقه آنها به مرتبط ساختن بصیرت‌های حاصله از تعالیم بهائی با افکار، هنرها، و علوم معاصر می‌باشد، را در برگیرد.

تنوع مشابهی باید مشخصه مجهوداتی باشد که دانش‌پژوهان بهائی دنبال می‌کنند، یعنی هم علاقه‌ها و مهارت‌های شخصی و هم احتیاجات امر مبارک را شامل شود. مسیر اتفاقات جهانی، پیشرفت‌گرایی‌های فکری و توسعه کار تبلیغ همگی زمینه‌های جالب و مفیدی را مشخص می‌سازند که دانش‌پژوهان بهائی می‌توانند توجه‌شان را به آنها معطوف دارند. به همین ترتیب گسترش فعالیت‌های جامعه جهانی بهائی در ارتباطش با نمایندگی‌های سازمان ملل متحد و سایر مؤسسات بین‌المللی فرصت‌های بسیار قابل توجهی به وجود می‌آورند که دانش‌پژوهان می‌توانند از آن طریق کمک‌های مستقیم و بی‌نهایت ارزنده‌ای جهت افزایش اعتبار امر الله و اشاعه آن در بین طبقات متنفد و پذیرای جامعه ارائه دهند. هم‌چنان که جامعه بهائی بدون وقفه از پس پرده مجهولیت به در می‌آید، هم از داخل و هم از خارج مورد حملات دشمنانی قرار خواهد گرفت که هدف‌شان بدنام کردن و غلط نشان دادن تعالیم آن می‌باشد، به امید اینکه طرف‌داران آن را مأیوس و ایمان‌پیروانش را متزلزل سازند. دانش‌پژوهان بهائی می‌توانند از طریق کمک‌های‌شان به اقدامات پیش‌گیرانه و در جواب دادن به اتهامات افتراآمیزی که علیه امر منتشر می‌شود در دفاع از امر الله نقشی حیاتی بازی کنند.

با این ترتیب دامنه دانش‌پژوهی بهائی باید نه تنها برای کسانی که به الهیات و ریشه‌های تاریخی امر علاقه‌مندند بلکه برای آنان که مایلند تعالیم بهائی را با مواضع رشته دانشگاهی یا حرفه‌ای خود مربوط سازند و هم‌چنین اجبایی که ممکن است مدارک رسمی دانشگاهی نداشته باشند اما از طریق مطالعه هوشمندانه تعالیم امری بصیرت‌هایی کسب کرده‌اند که برای دیگران جالب می‌باشد، عرصه‌ای فراهم سازد.

چون این سؤال را مطرح کرده‌اید که آیا فیزیک می‌تواند جز از طریق غیر مستقیم ارتباطی با مواضع امری داشته باشد یا نه، خوب است به اظهار نظر یک متفکر علمی مشهور و غیر بهائی که در مورد ارتباط بین تعالیم بهائی و پیشرفت‌های اخیر در علوم فیزیکی ابراز شده توجه نمایید:

در این دوران، ما تنها در صورتی می‌توانیم دوام بیاوریم و تمدن‌مان فقط در صورتی می‌تواند شکوفا شود که حکمت متداول‌مان را از نو جهت دهیم و بصیرت‌های جدیدی را که دیانت بهائی اعلام کرده و اکنون به وسیله جدیدترین اکتشافات علم تجربی نیز تأیید شده‌اند به دست بیاوریم.

دیانت بهائی اعلام می‌کند که مهم‌ترین شرط برای استقرار صلح و وحدت و یگانگی است — وحدت خانواده، وحدت ملل و وحدت جریانات عظیم فکری و پژوهشی که ما آنها را علم و دین می‌نامیم. بلوغ فکری، به نوبه خود، یکی از مستلزمات چنین وحدتی است. این یک رویه تفکر تکاملی است و صحت آن از طریق تئوری‌های علمی جدیدی از قبیل ترمودینامیک غیر متعادل، تئوری مربوط به دستگاه‌های تحرکی، سبیرنتیکی و سایر علوم پیچیده مربوطه نشان داده می‌شود. این نظرات بر تجسّسات تجربی در زمینه فضاشناسی فیزیکی، تئوری تکاملی اولیه در پالیوبیولوژی و روندهای جدید در تاریخ‌نگاری متکی می‌باشند.

بیت العدل اعظم مایلند استفاده از واژه‌های "دانش پژوهی بهائی" و "دانش پژوهان بهائی" با معنایی اختصاصی که عملاً مرزی بین کسانی که می‌توانند به این محدوده وارد شوند و کسانی که اجازه ورود ندارند ایجاد می‌کند، اجتناب ورزند. واضح است که این واژه‌ها نسبی هستند، و چیزی که در مقابل اقدامات کسانی که شخص با آنها در تماس است ممکن است یک کوشش دانش‌پژوهانه پرارزش بهائی به حساب بیاید، وقتی که با دست‌آوردهای فضیلتی برجسته امر مقایسه شود ممکن است بسی ناچیزتر و بی‌اهمیت تر جلوه کند. بیت العدل خواهان ایجاد یک جامعه بهائی هستند که در آن افراد یک دیگر را تشویق می‌کنند، جایی که به موقّیّت ارج نهاده می‌شود و یک وقوف عمومی بر اینکه هر کس در حدّ خود می‌کوشد تا درک عمیق‌تری از ظهور حضرت بهاء‌الله بدست آورد و به پیشبرد آن کمک کند، بر آن حکم فرما است.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۱۹ می ۱۹۹۵

(ترجمه)

امکاناتی که تکنولوژی ارتباط الکترونیکی برای مشورت سریع تر و کامل ترین احباً فراهم می سازد شایان اهمیت فراوان است. بدون شک این تحول نمایانگر جلوه‌ای دیگر از پیشرفتی است که حضرت ولی امرالله با اشتیاق کامل ظهور آن را به عنوان ایجاد "دستگاهی برای مخابرات و ارتباطات جهانی ... به کار خواهد افتاد که از موانع و قیود ملی آزاد و با سرعتی حیرت‌انگیز و انتظامی کامل تمامی کره ارض را در بر خواهد گرفت." پیش‌بینی فرموده‌اند.

همان طور که کاملاً مستحضرید، قدرت این تکنولوژی در پیشبرد امرالله البتّه به نحوه کاربرد آن بستگی دارد. در به کار بردن آن به عنوان وسیله‌ای برای تبادل نظر، استفاده‌کنندگان ملزم به رعایت همان میانه‌روی، صداقت و ادبی هستند که لازمه هرگونه مباحثه دیگری است. هم‌چنین کسانی که از این وسیله استفاده می‌کنند باید از تحقیر نظرات یک‌دیگر اجتناب ورزند. در این رابطه، بیت العدل اعظم متوجه انزجار منطقی شما به گرایشی آشکار در به کار بردن برچسب‌های گمراه‌کننده و غرض‌آلودی مانند "سنت‌گرایان" و "آزادی‌خواهان"، که موجب شکاف در جامعه بهائی می‌گردد، شده‌اند. بدیهی است مداومت در این عادت فکری تفرقه‌انداز در جامعه بهائی ارمغانی از جامعه غیر بهائی و نمایانگر درکی نابالغ و نارسا از زندگی می‌باشد. مادامی که بهائیان به این طرز فکر ادامه دهند، حتی پرارزش‌ترین اقدامات روشن‌فکرانه به هیچ کشیده خواهد شد، هم‌چنان که به وضوح در جوامع گذشته به شهود رسیده است.

از همه مهم‌تر، همانند هر کاوشی که احباً در تعالیم و آداب دیانت خود انجام می‌دهند، مباحثات الکترونیکی نیز، فقط هنگامی به نفع امرالله و احباً خواهد بود که در چارچوب تعالیم بهائی و حقایق مکنونه آن اجرا شود. کوشش برای تبادل نظر در باره امر الهی — بدون توجه به هدایات معتبر مندرج در این تعالیم و یا ناچیز شمردن آن — از نظر منطقی تناقضی آشکار خواهد بود. در مورد نکته اول که در نامه خود به آن اشاره کرده‌اید، بدیهی است سعی در محدود نمودن جامعیت مرجعیت مظهر الهی باعث خنثی نمودن اقدامات پژوهشی مهم و بروز ناهماهنگی در مجهوداتی خواهد شد که موفقیت آن دقیقاً بستگی به روح وحدت و اعتماد متقابل دارد. حضرت بهاءالله خود این معیار را روشن می‌فرمایند:

جوهر توحید آنکه مطلع ظهور حق را با غیب منیع لایدرک یک دانی به این معنی که افعال و اعمال و اوامر و نواهی او را از او دانی من غیر فصل و وصل و ذکر و اشاره.

در مورد هماهنگی علم و دین، آثار طلعات مقدسه و تبیینات حضرت ولی امرالله این نکته را به وفور روشن می سازند که وظیفه نوع بشر و جامعه بهائی که جزئی از آن و به منزله مایه حیات بخش آن است، ایجاد تمدنی جهانی است که ابعاد روحانی و مادی عالم وجود را در برگیرد. ماهیت و امکانات یک چنین تمدنی به مراتب فراتر از درک و تصور نسل کنونی است. اجرای این امر عظیم متکی بر تعامل مداوم بین حقایق و اصول دینی و کشفیات و بینش های حاصله از تحقیقات علمی است. این تعامل مستلزم قبول این واقعیت است که وجود مسائل مبهم یکی از خصیصه های طبیعی و اجتناب ناپذیر فرایند جستجوی واقعیت است. هم چنین مستلزم آنست که علم را به هیچ مکتب فکری خاص یا مسیر پیشرفت آن را به هیچ روشی که مسلم فرض شده منحصر نماییم. چالشی که اندیش مندان بهائی با آن روبه رو هستند این است که رهبری مدبرانه این اقدام را به عهده بگیرند، زیرا آنها هستند که هم بصیرت های گران بهای ظهور الهی را در اختیار دارند و هم امتیازاتی را که پژوهش علمی اعطا می کند.

سهولت و غیر شخصی بودن نسبی رسانه الکترونیکی از نظری حتی بیشتر از مواردی که در اثر تماس مستقیم شخصی و معاشرت های اجتماعی روح وحدت و یگانگی تقویت می گردد، مستلزم انضباط شخصی می باشد. بهائیان در طلب این روح وحدت، بدون شک مایلند با ارائه آثار امری مربوطه و بحث در باره آنها به فرایندهای مشورتی کمک نمایند. نفس این مراجعه به آثار امری خود نیز سبب خواهد شد که توجه مجدداً به چارچوب اعتقادات بهائی جلب گردد.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۹۶

(ترجمه)

شما از اینکه کوشش‌هایی که برای ایجاد تمایز بین "بهائیان عادی" و "بهائیان دانش‌پژوه" در رابطه با مطالعات امری صورت می‌گیرد و ممکن است سبب ایجاد نفاق در بین احباً گردد ابراز ناراحتی کرده‌اید. نگرانی شما کاملاً بجا است. چنین طرز فکری در مورد مطالعه امر مبارک نمایان‌گر سوء تفاهمی بنیادین از الگوی جامعه بهائی که در تعالیم الهی ارائه گردیده می‌باشد.

همان طور که می‌دانید، حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند که همه موظف به کسب دانش هستند و علم را "به منزله جناح ... از برای وجود" و "مراقات ... از برای صعود" توصیف فرموده‌اند. افرادی که آکسایات عالیه‌شان در این زمینه به آنها امکان می‌دهد که سهم عظیمی در پیشبرد تمدن داشته باشند سزاوار قدرشناسی و سپاس جامعه می‌باشند.

در مطالعه این ظهور اعظم، تخصص یک فرد در علوم مادی یا اجتماعی در حقوق، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های تخصصی غالباً در روشن ساختن مسائل مورد مطالعه به نحو ارزنده‌ای مؤثر است و به چنین کمک‌هایی باید بی‌نهایت ارج نهاد. رشته مطالعات خاورمیانه که در نامه شما ذکر شده بود یکی از رشته‌هایی است که می‌تواند در این راستا کمک نماید. اما تخصص در هیچ یک از رشته‌های متعدد پژوهشی نمی‌تواند به متخصصین خود در تلاش معمولی برای کشف مفاهیم و مقتضیات چنین منبع حیرت‌انگیز و بی‌کرانی از حقایق، نقش مرجعیت بدهد.

حضرت بهاء‌الله هم‌زمان با دعوت به کسب دانش، آن خصیصه ادیان گذشته را که به طبقه‌ای خاص از مردم مثل کشیش‌ها در مسیحیت و علما در اسلام حق مرجعیت در درک و انجام رسوم دینی هم‌کیشان‌شان را می‌داد، به کلی منسوخ فرموده‌اند. حضرت ولی‌امرالله در نامه‌ای به زبان فارسی که از طرف ایشان به محفل روحانی استانبول نوشته شده، شدیداً کوشیده‌اند که اهمیت این انفصال بارز از تاریخ گذشته ادیان را تصریح فرمایند:

ولی الحمد لله قلم اعلى این استبداد رأى افراد علما و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند امور را به مراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند.

دور بهائی از قلم مؤسس اعظمش به عنوان "هذا يوم لن يعقبه ظلمة الليل" توصیف شده است. حضرت بهاءالله از طریق عهد و میثاق خود یک منبع هدایت الهی مقرر فرمودند که در طول این دور اعظم دوام و بقا خواهد داشت. حق اداره امور جامعه و وظیفه حفظ تمامیت کلام الهی و انتشار پیام امرالله به عهده نظم اداری که زاده عهد و میثاق می باشد محول گردیده است. فقط به وسیله انتخابات آزاد یا انتصاب ناطلبیده است که اعضای مؤسسات این نظم در سمت های خود گماشته می شوند. هیچ شغلی چه در تبلیغ و چه در امور اداری وجود ندارد که شخص بتواند برای آن تعلیم ببیند یا یک فرد بهائی بتواند در واقع خواهان آن باشد. این بیانات هشدار دهنده جمال مبارک مخصوصاً در این مورد صدق می کند:

برتری و بهتری که به میان آمد عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت. انسان عزیز است چه که در کل آیت حق موجود ولكن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائست کبیر.

ترویج هرگونه دانشی در بین اعضای جامعه بهائی اقدامی اساسی برای نیل به اهداف متنوع جامعه می باشد. در نتیجه تشویق افراد احباً به کسب دانش، ایجاد مدارس، دانشگاه ها، مؤسسات آموزشی بهائی، تشکیل گروه های آموزشی و فعالیت های گروه های اجرایی که هم شان ارتباط دادن اصول امری با چالش هایی که گریبان گیر نوع بشر است می باشد، همگی اقداماتی هستند که از یک سو مشاورین و معاونین شان و از سوی دیگر محافل ملی و محلی باید به آنها پردازند. مؤسسات بهائی در همه جا درمی یابند که کمک کسانی که فعالیت های اندیش مندانه، خصایص اخلاقی و به خصوص عشق آنها به امر مبارک آنان را برای خدمت مهیا می سازد، مجهودات این مؤسسات را در ایفای این مسئولیت های مبرم به نحو قابل ملاحظه ای تقویت می نماید.

در این مورد یک مسئولیت خاص بردوش مشاورین قرار دارد، زیرا وظیفه کمک به شکوفا ساختن استعداد های افراد احباً به آنان محول شده است. اعضای این مؤسسه که برای دوره های مشخصی منصوب می شوند موظفند که امور مربوط به صیانت و ترویج امرالله را که در الواح مقدسه و صایای حضرت عبدالبهاء به ایادی امرالله محول شده است، ادامه دهند. به این ترتیب، مشاورین فراخوانده شده اند که به "نشر نفعات الله و تربیت نفوس در تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون..." پردازند و "از اطوار و احوال و کردار و گفتار باید تقوای الهی ظاهر و اشکار باشد". مشاورین همانند ایادی امرالله حق تبیین ندارند، حقی که به وسیله عهد و میثاق صرفاً به حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تفویض شده است. در عین حال که بعضی از مشاورین مانند بعضی از ایادی در دوره زندگی فردی خود رشته های مختلف دانشگاهی یا حرفه ای را گذرانده اند، انجام وظایف شان متکی به این گونه مهارت ها نمی باشد. همه آنها در وظیفه حیاتی تشویق احباً در همه جا به کسب دانش، در تمام ابعادش، کاملاً شریک هستند. همه آنها هم چنین در مسئولیتی که به مؤسسه ای که ایشان عضو آن می باشند احاله شده، یعنی صیانت امرالله در برابر دشمنان

خارجی و داخلی سهیم می باشند، امری که هم حضرت مولی الوری و هم حضرت ولی امرالله برای آن اهمّیت خاصّی قائل بودند.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۲ جولای ۱۹۹۶

(ترجمه)

هدف این نامه آن نیست که رفتار و گفتار احبایی را که به آنها اشاره کرده‌اید مفصلاً مورد بررسی قرار دهد و یا دربارهٔ پاسخ‌هایی که طی سالیان گذشته از مؤسسات امری دریافت کرده‌اند بحث نماید. بلکه بیت العدل اعظم مایلند این وضع را با بعضی از معتقدات دیانت بهائی ربط دهند، به این امید که از این طریق بتوانید به پاسخ بعضی از سؤالاتی که ذهن‌تان را به خود مشغول داشته است دست یابید.

کنه اهداف دیانت بهائی آن است که در جهان عدالت و اتحاد مستقر شود، تعصب و دشمنی از میان مردم برفتد، حسّ ترحم و تفاهم در قلوب همهٔ مردان و زنان بیدار گردد و در اثر نفوذ حیات‌بخش ظهور الهی همهٔ نفوس به سطحی جدید از روحانیت و سلوک ارتقا یابند. مسیری که حضرت بهاءالله برای وصول به این اهداف مقرر فرموده‌اند وظایفی دوگانه و هم‌زمان یعنی ساختن جامعه‌ای مطلوب و تهذیب رفتار نفوس است. برای این دگرگونی دوگانه و متقابل حضرت‌شان نه فقط قوانین، تعالیم و حقایقی مناسب با احتیاجات زمان نازل نموده‌اند بلکه آن هستهٔ مرکزی و الگوی مؤسساتی را تعیین فرموده‌اند که مقدر است به ساختار جامعهٔ جهانی مورد نظر حقّ جلّ جلاله تکامل یابد.

استنباط اصلی شما از گفته‌های احبای مورد نظرتان این است که آنان تأکید می‌کنند که کاملاً مطیع و منقاد روح عهد و میثاق و مؤسسات امری می‌باشند، که آنها صرفاً عدم موافقت خود با بعضی از تصمیمات و خطّ مشی‌های مشخص صادره از این مؤسسات را اعلام می‌نمایند، تنها علیه اقدامات غیر منصفانه و نامناسب بعضی از کسانی که حائز مقامات برجستهٔ تشکیلاتی هستند اعتراض می‌کنند و پیشنهاداتی برای تعدیل مقررات بهائی برای جلوگیری از آنچه که سوء استفاده از قدرت به نظر می‌رسد دارند. اما این اظهارات بعضی از اصول مهمّ دیانت بهائی را که روش‌ها و مجاری صحیح برای ابراز این گونه شکایات و عدم توافق‌ها را فراهم می‌سازد و برای حلّ مشکلات و حفظ وحدت جامعه طرح شده است، نادیده می‌گیرد.

معدودی از احبای در ایالات متّحده طیّ سال‌های متمادی به جای آنکه اعتراضات خود را علیه آنچه که آن را سوء استفاده از قدرت از طرف بعضی از تشکیلات امری تصوّر می‌کردند به مجاری و

اداراتی که به وفور و به همین منظور ایجاد شده‌اند محدود سازند، آشکار و پنهان به مؤسّسات امری حمله کرده‌اند و تهمت‌های بی‌عدالتی خاصی را به حدّی تعمیم داده‌اند که تمام دستگاه را نه فقط در عمل بلکه حتّی در صورت و معنی به فساد متّهم ساخته‌اند. یکی از پیامدهای این انتقاد منفی و مداوم، تبدیل تدریجی این اتّهامات بی‌اساس به عنوان "حقایقی" پذیرفته شده در اذهان بعضی از شنوندگان‌شان بوده است.

از طریق این اقدامات و حمایت متقابل از یک‌دیگر این دوستان به نحو فزاینده‌ای شکل یک گروه بهائی مخالف را به خود گرفته که با برانگیختن نارضایتی گسترده‌ای در جامعه می‌کوشند تا تغییراتی در ساختار اصول نظم اداری بهائی ایجاد کرده و آن را با نظریّات خویش هماهنگ تر سازند. یک چنین اقدامی مشابهت نزدیکی با پی‌گیری برنامه‌ای از احزاب سیاسی دارد، اقدامی که در اکثر جوامع مورد قبول و حتّی مورد تحسین است اما با روح دیانت بهائی کاملاً در تضادّ قرار می‌گیرد و نزاع و جدال را ترویج می‌نماید، حال آنکه حضرت بهاءالله صریحاً فرموده‌اند: "نزاع و جدال را نهی فرمود نهیاً عظیماً فی الكتاب"

قوانین، احکام، دستورات و نصایحی که همه ما به عنوان بهائی اطاعت و پیروی از آنها را گردن نهاده‌ایم شامل رویه‌ای مشخص در مورد تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات می‌باشد. بدون شک شما با جنبه‌های گوناگون این رویه به خوبی آشنا هستید که بر اساس این اعتقاد استوار است که تنها راه وصول به تمدّن مورد نظر حضرت بهاءالله وحدت و اتّحاد می‌باشد. تأکید بر یگانگی به حدّی شدید است که مثلاً وقتی یک محفل تصمیمی می‌گیرد، انتظار می‌رود که همه با تمام وجود آن تصمیم را حمایت کنند و با نهایت اطمینان به این تضمین حضرت عبدالبهاء متّکی باشند که می‌فرمایند: "...چون اتّحاد است عاقبت حقیقت منکشف گردد و خطا بدل به صواب شود." مکمل این اصل وحدت رهنمودهای مربوطه دیگری است که شامل مسائلی از قبیل نحوه بیان یک انتقاد، نحوه تصحیح اشتباه یکی از اعضای جامعه، نحوه اجرای اصل عدالت و قبول استیناف و نحوه حفظ شرافت فرد، مؤسّسات و امرالله می‌باشد.

در عین وفاداری به این تعالیم، بهائیان می‌دانند که افراد به محض قبول امر الهی مظهر کلیّه فضائل نمی‌شوند. ترک نقایص شخصی و درآمدن از ساختار و رفتار مکتسبه از جامعه‌ای که در آن پرورش یافته و از همان دریچه به جهان می‌نگریسته‌اند و نیل به رشد روحانی احتیاج به زمان دارد. مؤسّسات امری که در اطاعت از قانون حضرت بهاءالله، طبق الگوی فراهم شده به وسیله حضرت عبدالبهاء و توضیحات حضرت ولیّ امرالله و تحت هدایات بیت العدل اعظم به دست احبّ بنا شده است، هنوز در مرحله جنینی

است و اغلب به پای ایده‌آلی که برای بدست آوردنش می‌کوشند نمی‌رسد. هم‌چنین ممکن است بعضی افراد از موقعیت و مقامی که از طریق انتخاب یا انتصاب در دستگاه نظم اداری نصیب‌شان شده سوء استفاده نمایند. حضرت ولی‌ام‌الله به کرات به احباً توصیه می‌فرمودند که هم نسبت به یک‌دیگر و هم نسبت به محافل صبور و بردبار باشند، اما در موارد اشکالات شدید در کار تشکیلات یا افراد، نه حضرت ولی‌ام‌الله و نه بیت العدل اعظم در اتخاذ اقدامات اصلاحی درنگ ننموده‌اند. نظامات بهائی آمادگی رویارویی با خطای بشری را دارد و به نوعی طرح‌ریزی شده که احباً بتوانند با وجود همه نقایص، اما به دور از اختلاف که هادم کل بنیان است، نظم بدیع جهانی حضرت بهاء‌الله را بنا نهند.

علاوه بر تدوین قوانین، حل مشکلات غامضه، روشن ساختن مسائل مبهم، رفع اختلافات، ادراة امور امری در سراسر دنیا و رهبری مسیر اجرای نقشه الهی، یکی دیگر از مسئولیت‌های بیت العدل اعظم برای حفظ افراد احباً و هیکل امرالله از اثرات مضر تشکیلات معیوب و افراد نامعقول و بدخواه می‌باشد. اغلب اوقات این نقایص، چه در رفتار افراد و چه در تشکیلات، جزئی هستند و به وسیله محافل محلّی و ملّی یا مشاورین و اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان به آنها رسیدگی می‌شود. اما در بعضی موارد موقعیت بسیار خطیر می‌شود و مرکز جهانی را مجبور به مداخله می‌نماید.

شما در ایالات متّحده مستقیماً با این مسئله رو به رو هستید. نامه مورّخ ۱۹ می ۱۹۹۴، به واقع بعضی از جوانب طرز کار محفل ملّی شما می‌پردازد — به هر حال این نامه در پاسخ به کسب راهنمایی از طرف محفل ملّی شما نوشته شده بود — اما این صرفاً یکی از مسائلی است که جامعه بهائی امریکا با آن رو به رو است. اگر آن نامه را به دقت مطالعه کنید متوجّه خواهید شد که در آن بعضی از اصلاحات در رفتار افراد و تمامی جامعه توصیه شده بود. در واقع این نامه شامل نکاتی است که در نامه مورّخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸ به آنها اشاره گردیده و به احباً توصیه شده بود که اصول مربوط به نحوه کارکرد جامعه را بار دیگر مورد تفکر و تعمق قرار دهند.

متأسفانه به نظر می‌رسد که کوشش‌های مؤسسات امری و احباً در جهت توضیح این موارد از طرف احبایی که قبلاً به آنها اشاره کرده بودید ردّ شده است. چند نفر و وصول مرقومه‌های بیت العدل اعظم را مؤدبانه اعلام کردند، اما با بی‌اعتنایی به نکات ذکر شده هم‌چنان به راه خود ادامه دادند. برخی دیگر علناً با راهنمایی بیت العدل اعظم مخالفت ورزیدند. حرف از مرحله صرفاً علاقه به حفظ عدالت و حقوق افراد در جامعه به مراتب گذشته است و به برانگیختن مجادله در مورد بنیادی‌ترین عقاید امرالله و

حمله به اساس عهد و میثاق که خود تضمین کننده نهایی حفظ حقیقت و تقدیس امر الهی در طی قرون و اعصار می باشد، کشیده شده است.

به این ترتیب اصل مطلب این است که آیا باید به احباً اجازه داده شود که الی الابد به تضعیف ایمان هم کیشان خود ادامه دهند، در جامعه ایجاد تشنج نمایند و علناً به عمل کرد نظم اداری حضرت بهاء الله حمله نمایند.

در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاء الله می فرمایند: "انا نصدقها فی بعض المقامات دون الاخر..." در جامعه بهائی یکی از زمینه هایی که آزادی در آن محدود شده است روش ها و مجاری برای ارائه انتقاد است. در این رابطه، مجموعه مختصری شامل منتخباتی از توقیعاتی که از طرف حضرت ولی امر الله به افراد احباً نوشته شده به ضمیمه ارسال می گردد. از این هدايات، اصول ذیل به وضوح استنباط می گردد:

- اهمیّت اتحاد هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله استقرار پیام حضرت بهاء الله. حضرت بهاء الله "نه فقط تعالیم و اصول مشخصی را توصیه فرموده اند بلکه نظامی برای استقرار و دوام هدف مورد نظر خود نیز مقرر نموده اند." تمسک احباً به هر دو برای "تحقق هدف وحدت عالم انسانی" ضروری می باشد.

- احباً "کاملاً حق دارند که انتقادات را به محافل شان ارسال دارند" و توصیه هایشان را ارائه نمایند. وقتی که احباً انتقادات، پیشنهادات و توصیه هایشان را به ضمیمه نظرات شان "راجع به خط مشی ها یا افرادی از اعضای تشکیلات انتخابی" به محافل ارسال داشتند، باید "از صمیم قلب راهنمایی ها یا تصمیمات آن محفل را بپذیرند".

- تفاوت فاحشی بین منع از غیبت — که شامل اظهار نظرهای نامطلوب در مورد افراد یا مؤسسات نزد سایر افراد، چه در خفا و چه آشکارا می باشد — از یک سو، و تشویق به خالی کردن دل از نگرانی ها به یک محفل روحانی محلی یا ملی (و یا اکنون هم چنین مشورت با مشاورین و اعضای هیئت های معاونت) از سوی دیگر، وجود دارد. به این ترتیب، اگر چه یکی از وظایف اصلی ضیافت نوزده روزه فراهم ساختن محلی برای "انتقاد صریح و سازنده و مشورت در باره اوضاع امور داخلی جامعه محلی بهائی" می باشد، شکایات در مورد رفتار یکی از اعضای محفل باید مستقیماً و به طور محرمانه با خود محفل در میان گذارده شود، نه نزد سایر افراد و حتی نباید در ضیافت نوزده روزه مطرح گردد.

- در حالی که ارائه انتقاد سازنده تشویق می‌شود، انتقاد مخرب مانند "به چالش کشیدن و انتقاد کردن مستمر" از تصمیمات محافل روحانی، مانع گسترش سریع امر می‌گردد و کسانی را که هنوز عضو جامعه نیستند به عقب می‌راند. در حقیقت "از انتقاد و بحث‌های منفی که ممکن است موجب تضعیف مرجعیت محفل روحانی به عنوان یک هیئت گردد باید اکیداً خودداری شود، زیرا در غیر این صورت نظم امرالله خود در خطر خواهد افتاد و آشفتگی و بی‌نظمی بر جامعه غلبه خواهد یافت." "انتقاد غرض‌آلود در واقع یک مصیبت است" و خود از "عدم ایمان به نظام حضرت بهاءالله" و قصور در پیروی از "احکام بهائی در مورد ابدای رأی، شرکت در انتخابات، خدمت و اطاعت و پذیرفتن دستورات محفل روحانی" ناشی می‌گردد.

این مسئله که در جامعه بهائی انتقاد چگونه باید عنوان گردد و مورد عمل قرار گیرد، و اینکه محافل روحانی چگونه باید عدالت را در مورد افراد اجرا نمایند، اجزایی هستند از مفاهیمی بس عظیم‌تر و باید در گفتمان اجتماعی طبیعت ثانوی احبای الهی بشود. جامعه بهائی اجتماعی است مشتمل از افرادی که با قبول ادعای حضرت بهاءالله به عنوان مظهر الهی برای این عصر، به میل خود گرد هم آمده‌اند تا نمونه خاصی از رفتار فردی و اجتماعی را پایه‌ریزی کنند و مؤسساتی را که باید این نمونه‌ها را ترویج دهد بنا نهند. افراد بی‌شماری هستند که در این آرمان با دیانت بهائی شریکند و از تعالیم بهائی الهام می‌گیرند، در حالی که با بعضی دیگر از خصوصیات آن موافق نیستند. اما کسانی که عملاً در ظل امر درآمده‌اند آزادانه و به اراده خویش پذیرفته‌اند که از تعالیم به طور کامل پیروی نمایند، با علم به اینکه، چنانچه در ضمن به کار بستن بعضی از تعالیم تردید یا عدم توافق‌هایی بروز نماید، طبق آثار نازل، داور نهایی بیت العدل اعظم است.

دعای قلبی بیت العدل اعظم اینست که هر یک از احبای که در این مجهودات احساس عدم توافق می‌کنند به هدایاتی که بیت العدل اعظم برایشان فراهم می‌سازد اطمینان حاصل نمایند، مطالعات امری خود را از سرگیرند و به خاطر جمال مبارک علاقه خود را نسبت به یک‌دیگر تقویت کنند. هم‌چنان که منشی حضرت ولیّ محبوب امرالله در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف هیکل مبارک به یکی از احبای نوشته‌اند: "بدون روح محبت حقیقی به حضرت بهاءالله، به امر آن حضرت و به مؤسسات آن و محبت احبای نسبت به یک‌دیگر، امر الهی هرگز نمی‌تواند تعداد زیادی از مردم را در ظل خود وارد سازد. زیرا این موعظه و مقررات نیست که دنیا طالب آن است، بلکه محبت و عمل است." مسئولیت‌های جهانی که امر الهی به عهده گرفته بسی عظیم‌تر، نیاز مردم جهان به پیام حضرت بهاءالله بسی فوری‌تر، خطراتی که نوع بشر را تهدید می‌کند بسی شدیدتر و پیشرفت حوادث بسی سریع‌تر از آن است که به پیروان اسم اعظم

اجازه دهد که وقت‌شان را در اختلافات بیهوده تلف نمایند. اکنون، بیش از هر زمان، وقت محبت بین دوستان، وقت وحدت فکر و کوشش و وقت فداکاری و قیام احباً به خدمت در سراسر جهان است.

بیت العدل اعظم علاقه شما را نسبت به عمل‌کرد صحیح جامعه بهائی درک می‌کنند و به شما توصیه می‌نمایند که به مسائلی که ذکر کرده‌اید در پرتو نفس تعالیم الهی بنگرید، نه اینکه آنها را با معیارهای سایر فلسفه‌ها یا نظام‌های مدنی، که مفروضات اساسی آنها از جهات بسیاری با نظم جهانی الهی جمال اقدس ابهی متفاوت است، بسنجید.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۳ جون ۱۹۹۷

(ترجمه)

سؤالات شما که ناشی از محاورات الکترونیکی بین شما و یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در گروه مباحثاتی که در آن شرکت دارید می‌باشد، دارای اهمیتی اساسی است و بیت العدل اعظم صمیمانه از شوق شما به تحقیق قدردانی می‌نمایند.

به نظر می‌رسد که مسائل مطرح شده به دو نکته منتهی می‌گردد: اول اینکه آیا بیت العدل اعظم صلاحیت تبیین موثق را دارد و دوم اینکه آیا هیچ کس حقّ به چالش گرفتن مرجعیت یا اقدامات بیت العدل اعظم را دارد یا نه؟ اگر برخورد با این مسائل توأم با تفاهم و اتحاد که زیربنای همه تعالیم بهائی است باشد، مسائل روشن می‌گردد اما اگر متحرّی تحت تأثیر روحیه عدم اعتماد و مخالفت قرار گرفته باشد، آن وقت مشکلات بی‌پایان بروز می‌نماید.

نکات فوق هر دو در سه نامه بیت العدل اعظم به تاریخ‌های، ۹ مارچ ۱۹۶۵، ۲۷ می ۱۹۶۶ و ۷ دسامبر ۱۹۶۹ گنجانده شده‌اند. متأسفانه به نظر می‌رسد که بسیاری از احبّ این نامه‌ها را عمیقاً مطالعه نکرده و به مفاهیم و مقتضیات آن پی نبرده‌اند. قبلاً در کتاب "دور بهائی" حضرت ولیّ امرالله، بدون هیچ شک و شبهه‌ای مشخص فرموده‌اند که تبیین موثق تعالیم بهائی صرفاً و منحصرأً به ولیّ امرالله اختصاص دارد.

نه بیت العدل اعظم و نه هیچ مؤسسه، شخص یا گروه دیگری از اشخاص نمی‌توانند این نقش را به عهده بگیرند. اینکه بیت العدل اعظم هرگز به اموری که به ولیّ امرالله منحصر شده تعدی نخواهند کرد، نه فقط در نوشته‌ها و عمل کرد خود بیت العدل اعظم، بلکه در بیان حضرت ولیّ امرالله در همان سند مذکور نشان داده شده است: "هیچ یک از این دو مؤسسه نه می‌تواند به قلمرو مقدّس و مقرر دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تجاوز نخواهد نمود." این مسئله به وسیله این حقیقت تضمین گردیده که بیت العدل اعظم همانند ولیّ امرالله "در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست."

بیت العدل اعظم در نامه مورخ ۹ مارچ ۱۹۶۵ اظهار داشتند: "فرقی بسیار مهم بین تبیینات حضرت ولیّ امرالله و توضیحات بیت العدل اعظم که در حین انجام وظایف خود بر اساس نصوص مبارکه '...در آنچه

اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند؛ موجود است." با مشاهده نحوه کار بیت العدل اعظم و با مراجعه به این جمع برای راهنمایی در هنگام ضرورت، احباً این تفاوت را درک خواهند نمود.

همان طور که متوجه هستید، مرجعیت بیت العدل اعظم چالش ناپذیر است. این موضوع در موارد متعددی در آثار مبارکه تصریح شده است. در همان قسمت از الواح مقدسه وصایا که در بالا ذکر شد، حضرت عبدالبهاء در مورد حضرت ولی امر الله و بیت العدل اعظم اضافه می فرمایند که: "آنچه قرار دهند من عند الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصا هم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازع هم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جحده فقد جحد الله و من انکره فقد انکر الله و من انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل و اجتنب و ابتعد عن الله."

علاوه بر آن، در قسمت انتهایی الواح مقدسه وصایا، ضمن هشدار علیه نقض عهد و میثاق، حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "این کلمات را مبادا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود هر ناقص ناگشتی بهانه ای کند و علم مخالفت برافرازد و خودرایی کند و باب اجتهاد باز نماید نفسی را حق رأیی و اعتقاد مخصوصی نه باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عدا هما کل مخالف فی ضلال مبین."

اینکه احباً بین خودشان این قبیل مطالب را مورد بحث قرار می دهند امری است طبیعی — هم چنان که شما و مخاطب تان در گروه مباحثه اینترنتی خود به آن پرداخته اید — در غیر این صورت چگونه می توانید درک عمیقی نسبت به تعالیم مبارکه پیدا کنند؟ اما احباً باید متوجه باشند که راه حل اختلاف نظرها در مورد چنین مسائل اساسی مباحثات دنباله دار نیست، بلکه همین طور که شما عمل کرده اید، رجوع آن به بیت العدل اعظم است. مباحثات طولانی، لاینحل و علنی در مورد این مسائل اساسی جز پریشانی فکر و نفاق نتیجه ای به بار نخواهد آورد.

بعضی افراد این نظریه را پیشنهاد کرده اند که به جای نقش ولی امر الله به عنوان مبین موثق، باید وسیله ای برای کنترل بیت العدل اعظم، یا به صورت آرای عمومی کلیه بهائیان و یا به شکل هیئتی شامل احبای دانشمند — مرجحاً افرادی با مدارک دانشگاهی — ترتیب داده شود. طرح اول مستقیماً مخالف بیانات حضرت ولی امر الله است که می فرمایند اعضای بیت العدل اعظم "نه مسئول موکلین خویشند و نه محکوم عواطف و آرای عمومی حتی عقاید جمهور مؤمنین و ناخین. بلکه ... از حکم و ندای وجدان تبعیت نمایند و بر خود فرض و واجب دانند که با اوضاع و احوال جامعه آشنایی کامل حاصل کنند و قضایای محوله را بدون شائبه غرض غور و ملاحظه نمایند. ولیکن در جمیع احوال اخذ تصمیم بلاقید و شرط را حق مسلم

خود دانند و به این بیان مبارک حضرت بهاءالله اطمینانی کامل بخشند که می فرمایند: 'آنه یلهمهم ما یشاء.'^{۲۰} در مورد طرح دیگر این به منزله غضب مقام ولایت امرالله می باشد.

در امر الهی تحقیق و کسب دانش مقام والایی دارد و بیت العدل اعظم در ضمن کار خود مرتباً با دانشمندان و متخصصین مشورت می کنند. اما همان طور که می دانید دانشمندان و متخصصین هیچ گونه حاکمیتی بر مؤسسات امری ندارند. در توقیعی که از طرف حضرت ولی امرالله در تاریخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۷ به محفل روحانی بهائیان استانبول نوشته شد، خاطر نشان شده است که "در امم ماضیه ... همیشه نفوسی که خود را افضل از کل می دانستند سبب اختلاف گشتند ولی الحمد لله قلم اعلی این استبداد رأی افراد علما و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان فرمودند و امور را به مراکز منصوصه و محافل منصوصه راجع نمودند حتی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومیه ممالک بالاطلاق مرکز قرار ندادند بل جمیع محافل مقدسه را در ظلّ یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز مرکز واحد باشد و جمیع در ظلّ محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند"

در دوران اخیر اظهار نظرهایی دالّ بر وجود دو طبقه از احبّا به نامهای "مسئولین امور اداری" و "دانشگاهیان" ابراز شده است. بیت العدل اعظم معتقدند که وقوف بر نادرستی یک چنین تصویری بسیار حائز اهمیت است. در ماهیت تشکیلات بهائی طبقه ای از مؤمنین برای خدمت به عنوان "مسئولین امور اداری" وجود ندارد. افراد بهائی از هر حرفه ای، من جمله دانشگاهیان، از طریق انتخاب یا انتصاب برای خدمت در مقامات اداری برگزیده می شوند. به علاوه، جریانی طبیعی از کسانی که وارد و یا خارج از خدمات اداری می شوند وجود دارد. همین مفهوم در مورد آن اعضای مؤسسات نظم اداری که به آنها به عنوان "علما" اشاره می شود نیز صدق می کند. بدیهی است بعضی از بهائیان دانشگاهی هستند و برخی دیگر نیستند اما "دانشگاهیان" به هیچ وجه گروه شناخته شده ای را در ارتباط با ساختار امر الهی تشکیل نمی دهند.

سؤالی که باقی می ماند به مرجعیت در مورد وظایف و مسئولیت هایی که در قانون اساسی بیت العدل اعظم مطرح گردیده است، مربوط می شود. این نکات تدوینی است بر اساس بیانات صریحی که در آثار مقدسه و در توقیعات حضرت ولی امرالله یافت می شود.

بیت العدل اعظم مطمئناً در اعتاب مقدسه دعا خواهند کرد که مساعی شما به احبّا کمک نماید تا بر سوء تفاهمات خود فائق آیند، دید روشنی نسبت به امر مبارک پیدا کنند و تأییدات الهی شامل حال شان گردد.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۲۰ جولای ۱۹۹۷

(ترجمه)

صراحتی که در ابراز نظرات خود به کار برده‌اید و اشتیاق شما به موفقیت جامعه بهائی در از بین بردن وضعی که نه تنها به خودی خود نا سالم است بلکه ممکن است در بخش‌هایی از جامعه دانشگاهی ایجاد سوء تفاهم نماید، درخور تقدیر است. البته بیت العدل اعظم از مشکلاتی که در این زمینه ایجاد شده آگاهند و از این فرصت برای آشنا ساختن شما با افکار و نظرات خود استقبال می‌کنند. به شما توصیه می‌گردد که پس از مطالعه این نظرات، پیشنهادهایی را که فکر می‌کنید ممکن است به تخفیف فشارهای مورد نظر شما کمک کند، با ما در میان بگذارید.

بیت العدل اعظم معتقدند که بررسی این مشکل مستلزم توجه به بحران‌های عقلانی و روحانی که جامعه بشری را مبتلا ساخته است، می‌باشد. تحصیلات دانشگاهی و تجربیات کاری، شما را نسبت به متقضیات و مستلزمات که تعبیرات صرفاً مادی‌گرایانه از ماهیت انسان و از فرایندهای تمدن — لا اقل در جهان غرب — بر هر نوع اقدام پژوهشی در مطالعه دین تحمیل نموده، آگاه و هوشیار ساخته است.

طی قرن حاضر الگوی دیگری برای مطالعه دین به تدریج در فرهنگ رایج دانشگاهی مستقر شده است. این سیستم اصرار می‌کند که همه پدیده‌های روحانی و اخلاقی باید با به کار بردن ابزار تحقیقی دانشگاهی که برای کاوش در باره عالم وجود طرح شده است و با نادیده گرفتن مسائلی مثل رابطه دائمی خداوند با مخلوق خود و نقش او در حیات انسان و در تاریخ بشر، درک شود. در حالی که از دیدگاه دیانت بهائی عیناً همین رابطه ملکوتی موضوع اصلی تعالیم مؤسّسین آن ادیان الهی است که به ظاهر مورد مطالعه و تحقیق می‌باشد.

در اثر این اصرار، افکاری که می‌بایست به صورت مطالبی برای نظردازی‌های دانشمندان باقی بماند، شکل عقاید دگم به خود گرفته است. عدم مدارا نسبت به سایر دیدگاه‌ها در مورد واقعیت عالم وجود که اغلب از مشخصات ابراز این نوع افکار است نیز به همان اندازه مایه تأسف می‌باشد. با توجه به سوابق تاریخی، پیش آمدن این وضع قابل درک است. تعصب و ناشکیبایی شدید اغلب سازمان‌های دینی در گذشته، توأم با تسلطی که سران و نخبگان دینی برای مدت‌های طولانی بر کسب علوم

داشته‌اند، جز عکس‌العملی شدید و منفی نمی‌توانست داشته باشد. اما از دیدگاه دیانت بهائی تعصب به هر شکلی که نمایان شود واپسگرایی محسوب و غیر قابل قبول است.

معمولاً چنین شرایطی که تنها مواردی معدود از شرایط دل‌سردکننده بسیاری است که امر مبارک باید در میان آنها به کار خود ادامه دهد، درخور اظهار نظر نخواهد بود. تعهد به یادگیری از ابتدا یکی از ویژگی‌های ضروری حیات و معتقدات بهائی بوده است و سبب می‌شود که قصور موجود در هیچ یک از سنت‌های پژوهش و تحقیق نتواند جامعه را از احترام کاملی که در شأن آن سنت‌ها است و یا از حد اکثر بهره‌گیری از آنها باز دارد.

اما اگر سعی شود که روش‌ها و نگرش‌های مادی که با اصل ماهیت ظهور الهی متناقض است بر مطالعات خود جامعه بهائی در باره ظهور الهی تحمیل گردد، مشکلاتی پیش خواهد آمد. امر بهائی متعلق به هیچ کدام از ما نیست، بلکه به حضرت بهاءالله تعلق دارد. با تأسیس عهد و میثاقی که وجه تمایز ظهور مبارک اوست، با صراحت کامل وسیله‌ای توصیف و مشخص نموده است که از آن طریق آن حضرت اراده می‌فرماید که تمامیت پیام مقدّسش را حفظ و اجرای تعالیم شفابخشش را هدایت نماید. اگر شخصی تعالیم دیانت بهائی را قبول می‌کند، وجداناً نمی‌تواند ادّعا کند که مشغول مطالعه امر مبارک است، ولی در عین حال مرکزیت عهد و میثاق حضرت بهاءالله را در تمام جنبه‌های دیانتی که آن حضرت تأسیس فرموده نادیده می‌گیرد.

با توجه به مطالب فوق است که بیت العدل اعظم معتقدند که نگرانی‌هایی که در نامه خود ابراز داشته‌اید باید مورد توجه قرار گیرد. ممکن است احبّایی باشند که با وجود تحصیلاتشان در زمینه‌های مختلف، مسائل اساسی را که در بالا به آنها اشاره شد هنوز به طور کامل برای خود حلّ نکرده‌اند. در چنین مواقعی یک فرد ممکن است نه تنها با مؤسّسات امری، از جمله خود بیت العدل اعظم، اختلاف نظر داشته باشد، بلکه حتی با تبیینات صریحه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله در مورد تعالیم الهی نیز موافق نباشد. در این قبیل موارد، مشاورین و محافل روحانی البتّه تا جایی که بتوانند کمک خواهند کرد. احبّای فرهیخته‌ای مانند خود شما نیز می‌توانند به نحو قابل ملاحظه‌ای کمک نمایند، ولی برای بهائیان ایمان یک امر شخصی و وجدانی است. اگر شخصی به این نتیجه برسد که دیگر نمی‌تواند در تعهدش به امرالله پایدار بماند، جامعه بهائی به این تصمیم احترام می‌گذارد.

منظور از بیان این نکات مخالفت با نظرات شما نیست، بلکه برای ارائه پاسخ صادقانه به مطالب شما است که بیت العدل اعظم دستور فرموده‌اند نظرات آن مجمع را در باره چند نکته که با آنچه که شما

ذکر کرده اید متفاوت است به اطلاع‌تان برسانیم. این موارد اکثراً به رفتار گروه بسیار کوچکی از احبّاء مربوط می‌شود که هرگونه اقدام مؤسّسات اداری برای نصیحت و دلالت را رد کرده و جسورانه به ترویج ادراکات غلط خود از تعالیم الهی در بین احبّاء ادامه داده‌اند. این اقدامات آنان به سال‌ها قبل برمی‌گردد که برای مقاصد خود به نحو گسترده‌ای از مجهودات امری و اخیراً از گروه‌های اینترنتی استفاده کرده‌اند.

این قبیل فعالیت‌ها محدود به دخالت بی‌مورد در امور اداری جامعه بهائی نبوده اگرچه، همان طور که مطلع هستید، شامل آن نیز بوده است. مشکل بزرگ‌تر کوشش دائمی آنها برای ایجاد شبهه در اذهان احبّاء در مورد صحت تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله از آیات الهی، تضعیف مرجعیت مؤسّسات امری و تحریف ماهیت اساسی پیام حضرت بهاءالله بوده است. این جنبش مخالفت با انگشت گذاشتن بر اظهار نظرهای ظاهراً غیر عاقلانه چند نفر از احبّاء متصلّب گستاخانه می‌کوشد تا از مطرح ساختن مفاهیم و مقتضیات عهد و میثاق الهی در مذاکرات ممانعت به عمل می‌آورد.

این مجهودات با کوشش‌های عمدی به منظور ایجاد مغلطه در مورد مؤسّسات امری و جلوه دادن آنها به عنوان سرکوب‌کنندگان دانش‌اندوزی و برای اضافه نمودن مباحثه‌ای تب‌آلود به گفتمان جامعه بهائی در مورد حقوق فردی که از محیط سیاست به عاریت گرفته شده، همراه بوده است. شما خود شاهد هستید که بهائیان نه تنها به اجرای اصل تحرّی حقیقت موظف می‌باشند، بلکه از بدو امر به کسب علوم در تمام زمینه‌ها و سبقت جستن در آن تشویق شده‌اند. اگر کسی صمیمانه علاقه‌مند به ترقّی فکری جامعه بهائی باشد، تحقیق و پژوهش را با درآمیختن آن با اغراض شخصی و تخیلی خود که موجب تضعیف نفوذ آن می‌گردد، به خطر نمی‌اندازد.

هم‌چنین لازم است با دقّت به این حقیقت توجه نمایید که افرادی که می‌کوشند این مجادلات را به راه بیان‌دازند، هرچند پرهیا‌هو هستند، اما به هیچ وجه نماینده افکار اکثریت بهائیان که دارای مدارک دانشگاهی یا سایر تحصیلات عالی می‌باشند نیستند. در واقع، یکی از خصایص غم‌انگیز مباحثاتی که در یکی دو لیست اینترنتی که به نظریت العدل اعظم رسیده است به چشم می‌خورد این است که تعدادی از احبّاء فرهیخته که می‌توانستند در این مباحثات بی‌نهایت مؤثر و مفید واقع شوند چون آنها را صرفاً پی‌گیری سرسختانه برنامه‌هایی غرض‌آلود مشاهده کردند، بالاخره مجبور به ترک مشارکت در این مباحثات گردیدند.

بیت العدل اعظم به شما توصیه می‌نمایند که دلایلی را که سبب می‌شود دنبال‌کنندگان این دستورالعمل از هر طریق ممکن بکوشند تا اقدامات خود را تحقیقی بی‌طرفانه و خودشان را قربانیان

استبداد نشان دهند، مورد تفکر عمیق قرار دهید. اصولی که باید در ارائه ثمرات تحقیقات بهائی ما به دیگران را راهنمایی کند در این بیان جمال قدم به وضوح برای همه ما روشن گردیده است:

و اینکه مرقوم داشته بودید یکی از دوستان رساله‌ای نوشته تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب الیوم آنچه نوشته می‌شود باید به کمال دقت ملاحظه نمود تا سبب اختلاف واقع نشود و محل ایراد قوم نگردد آنچه الیوم دوستان حقّ به آن متکلمند بر مسمع اهل ارضت در لوح حکمت این کلمه نازل انّ آذان المعرضین ممدودة الینا لیستمعوا ما یعترضون به علی الله المهیمن القیوم این فقره خالی از اهمّیت نیست باید آنچه نوشته می‌شود از حکمت خارج نشود و در کلمات طبیعت شیر مستور باشد تا اطفال روزگار به آن تربیت شوند و به مقام بلوغ فائز گردند از قبل ذکر نمودیم که یک کلمه به مثابه ربیع است عالم قلوب از او تازه و خرم شود و کلمه دیگر به مثابه سموم از هار و اوراد را بسوزاند ان شاء الله مؤلّفین از دوستان حقّ باید بنویسند آنچه را که نفوس منصفه بپذیرند و نزد قوم محلّ ایراد واقع نشود.

جای تعجّب نیست که این سوء استفاده از اینترنت در مورد امر مبارک و تعالیم آن برای احبّایی که از آن آگاه شده‌اند شدیداً دردناک بوده است. به طوری که از نامه شما بر می‌آید، اینکه پاسخ شامل انتقادات تند، اظهار نظرهای نامناسب و تهمت‌های غیر منصفانه بوده است تأسّف آور است اما جای تعجّب نیست، چه که ستیزه‌جویی مشاجره به بار می‌آورد. باید اطمینان داشته باشید که بیت العدل اعظم اجازه نخواهند داد فضایی از عدم مدارا، صرف نظر از اینکه از چه منبعی سرچشمه بگیرد، در جامعه بهائی نضج گیرد. به علاوه بیت العدل اعظم به تشویق از استفاده از فرصت‌های فراوانی که شبکه ارتباطی اینترنت به نحو شگفت‌انگیزی برای بحث در باره مفاهیم و آرمان‌های دیانت بهائی ارائه می‌دهد، هم‌چنان ادامه خواهند داد.

درخاتمه، یادآوری این نکته بدون شک مفید است که بهائینی که در رشته‌های مختلف دانشگاهی تعلیم دیده‌اند گروه مجزایی را در درون جامعه بهائی تشکیل نمی‌دهند. در عین حال که مؤسّسات بهائی به طور مداوم از ره‌نمون‌های احبّایی که در بسیاری از زمینه‌ها تخصص دارند بهره می‌گیرند، به وضوح هیچ گروهی از دانشگاهیان نمی‌تواند ادّعا کند که سخنگوی همه دانش‌پژوهان بهائی است. تحصیلات دانشگاهی به شخص این توان را می‌دهد که کمک‌های ارزنده‌ای به امر مبارک ارائه دهد اما صاحبان این مدارک را از هئیت کلی مؤمنین مجزّا نمی‌نماید. بیت العدل اعظم اطمینان دارند که در اثر صبر و حوصله، انضباط شخصی و وحدت ایمان دانشگاهیان بهائی قادر خواهند بود به ساختن

تدریجی الگوهای منسجمی از تحقیق که اذهان متفکر جامعه بین‌المللی به نحو فزاینده‌ای خواهان آنند
کمک نمایند.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۸ فوریه ۱۹۹۸

(ترجمه)

ایمیل شما شامل چند مطلب است که اولین آنها به روشی که برای تحقیق، درک و ثبت وقایع تاریخی به کار برده می‌شود و هم‌چنین به جزئیات این روش‌ها که به نظریه بیت العدل اعظم متأثر از ماده‌گرایی است مربوط می‌گردد. هدف تحقیق و پژوهش در چنین زمینه‌هایی مسلماً باید روشن ساختن حقیقت باشد و البته پژوهش‌گران بهائی باید حدّ اعلاّی امانت، درستی و صداقت را ملحوظ دارند. مضافاً، بیت العدل اعظم تأیید می‌نمایند که روش‌های محققانه بسیاری با اساسی محکم و پایدار شکل گرفته‌اند. با این همه، بیت العدل اعظم بعضی از مفروضات روش‌های خاصّ متداول دانشگاهی را زیر سؤال می‌برند زیرا مشاهده می‌نمایند که این مفروضات تصویری مغشوش از واقعیت عرضه می‌کنند.

به نظر می‌رسد که تعلیم و تحصیل بعضی از محققین در رشته‌هایی مثل دین و تاریخ، بینش آنها را نسبت به روی‌کردی که فراگرفته‌اند — روی‌کردی که زیربنای اجزایش زاینده فرهنگ و سنت است — محدود ساخته و توان دیدن را از آنها سلب نموده است. این سبب می‌شود که این محققین عواملی را که از نقطه نظر امر بهائی اهمّیتی بنیادی دارد از نظر دور دارند. در این چنین زمینه‌هایی با حذف مرتّب شواهد و قراین ظهور الهی، و با محدود ساختن گفتمان به دیدگاهی علیّت‌گرا نسبت به عالم، نمی‌توان به حقیقت راه یافت.

بعضی از پیش‌گامان این مباحثات اینترنتی تلویحاً بیان کرده‌اند که تنها راه وصول به درکی صحیح از وقایع تاریخی و منظور آثار مقدّسه و اسناد تاریخی امر الهی به کار بستن خشک و سرسختانه روش‌هایی است که در چارچوبی ماده‌گرا به شکلی محدودکننده تعیین شده است. این افراد حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که هر کس را که روش متفاوتی پیشنهاد کند به سعی در پنهان کردن حقیقت و نه آشکار نمودن آن، متهم می‌سازند.

بیت العدل اعظم واقفند که، نقطه مقابل این افراد، احبّایی هستند که سرشار از آنچه که فکر می‌کنند وفا به جمال مبارک است کورکورانه به قبول آنچه که به گمان آنها نصوص مقدّسه است اصرار می‌ورزند. این نقیصه نمایاگر قصور مهمّ دیگری در درک عمق یکی از تعالیم بهائی، یعنی اصل تطابق

دین و عقل می‌باشد. خطر این طرز نگرش این است که درک شخصی بعضی از جنبه‌های ظهور الهی را بر درک تمامیت آن ظهور مقدم می‌دارد، به استفاده غیر منطقی و متناقض از آثار مقدسه منجر می‌گردد و بهانه به دست کسانی می‌دهد که وفاداری به عهد و میثاق را به غلط "بنیادگرایی" توصیف می‌کنند.

جای تعجب نیست اگر افرادی از احبّا استنباطی متفاوت و بعضی اوقات ناقص از تعالیم الهی داشته و آن را اظهار نمایند و این وضع فقط دلیل بر عظمت تحوّلی است که این ظهور اعظم بایستی در خودآگاهی بشری ایجاد نماید. وقتی که احبّایی که از تعالیم بهائی بصیرت‌های متفاوت دارند و با صبر و مدارا و فکر باز و بی طرف با هم گفتگو می‌کنند، درک عمیقی باید حاصل گردد اما پافشاری سرسختانه در نظرات شخصی می‌تواند به مشاجره کشیده شود که نه تنها برای روح معاشرت و هم‌کاری بهائی بلکه برای خود تحرّی حقیقت نیز مضرّ می‌باشد.

به علاوه، گذشته از اختلاف، موقعیتی است که در آن شخص چنان شدید به دیدگاه غلط خود بستگی پیدا می‌کند که پافشاری او به منزله سعی در تغییر ماهیت اصلی دیانت بهائی می‌باشد. اگر به اینگونه رفتار اجازه داده شود که بدون هیچ رادع و مانعی ادامه پیدا کند، می‌تواند جامعه بهائی را مختل سازد و همانند ادیان گذشته به بروز فرقه‌های بی‌شمار منجر شود. اما عهد و میثاق جمال ابهی مانع از این می‌گردد. دیانت بهائی جزئیات مجموعه‌ای از قوانین مربوط به سلوک و رفتار را ارائه می‌دهد و در نهایت بیت العدل اعظم مسئول است که به منظور امنیت امرالله و حفظ تمامیت تعالیم آن تمسک به این موازین تعیین شده را از احبّا بخواهد.

بیت العدل اعظم خود را ملزم به پیشنهاد یک روش علمی جدید برای دانشگاهیان بهائی که مطالعه دیانت بهائی و تعالیم و تاریخ آن را موضوع اقدامات حرفه‌ای خویش قرار می‌دهند، نمی‌داند بلکه بر جلب توجه این دسته از احبّا به نارسایی بعضی از روی‌کردها از دیدگاه دیانت بهائی تأکید دارند و به آنان توصیه می‌کنند مفاهیمی را که به عنوان یک بهائی پذیرفته‌اند در تحقیقات خود به کار بندند، مفاهیمی مانند اینکه مظهر ظهور الهی به قلم‌رو برتری تعلق دارد و دارای بصیرتی فوق بصیرت انسان‌ها است. وظیفه مظهر ظهور الهی ارتقای نوع بشر به سطحی جدید از دانش و بینش است. در این عرصه ادراک مظهر ظهور فوق سنن و مفاهیم جامعه‌ای است که در آن ظهور می‌نماید. چنانچه حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه می‌فرمایند:

يا ابن الجمال وروحي و عنایتی ثمّ رحمتی و جمالی کلّ ما نزلت عليك من لسان القدرة و
کتابته بقلم القوّة قد نزلناه علی قدرک و لحنک لا علی شأنی و لحنی.

اگرچه مظهر ظهور برای ابلاغ امر خود از زبان و فرهنگ موطنی که در آن متولد شده است استفاده می‌نماید، اما او مقید نیست که از الفاظ با همان معانی و اشاراتی که به وسیله ظهورات قبل و یا هم‌عصران او به کار رفته استفاده نماید، او پیامش را به شکلی اعلام می‌دارد که مخاطبینش هم در زمان حال و هم در قرون آینده قادر به درک آن باشند. این وظیفه پژوهش‌گران بهائی است که به مرور زمان روش‌هایی تدارک بینند تا آنان را قادر سازد که بر اساس این استنباط کارشان را انجام دهند. این وظیفه‌ای است پرچالش، اما فوق‌توانایی بهائیان است که هم در تعالیم الهی فاضل و هم در رشته‌های علمی متبحرند نمی‌باشد.

در اینجا به نکات خاصی می‌پردازیم که در ایمیل ... خود مطرح کرده‌اید. همان‌طور که به خوبی می‌دانید، یک اصل اساسی در تعالیم بهائی این است که هر یک از احبّان فقط این حق را دارد بلکه مسئول است که شخصاً به جستجوی حقیقت پردازد. این اصل یکی از ویژگی‌های ضروری بلوغ نوع انسان و جزء لایتجزای دگرگونی اجتماعی است که حضرت بهاءالله جهانیان را به آن فرا می‌خوانند. این اصل به همان اندازه به فعالیت‌های صرفاً تحقیقی و پژوهشی مربوط می‌شود که به بقیه امور روحانی و عقلانی زندگی ارتباط پیدا می‌کند. هر فرد به خاطر استفاده‌ای که از این امکانات می‌کند نهایتاً در پیشگاه الهی مسئول است. وجدان هیچ کس هرگز نباید، چه به وسیله افراد و چه از ناحیه مؤسسات، تحت فشار قرار گیرد.

با این حال وجدان یک ذات لایتغیر نیست. یکی از معانی ارائه شده در لغت‌نامه اگرچه تمام معانی واژه "وجدان" را شامل نمی‌گردد اما مفهوم کلی آن را چنین بیان می‌کند: "حسّ تشخیص صحیح و غلط در رابطه با اموری که شخص مسئول آن است، قوه ذهنی یا ضابطه فکری که بر کیفیت اخلاقی رفتار و انگیزه شخص دآوری می‌کند، درست را می‌پذیرد و نادرست را رد می‌کند".

بنا بر این نحوه کارکرد وجدان به استنباط شخص از مفهوم درست و غلط بستگی دارد. وجدان یک شخص ممکن است بر جستجوی بی‌طرفانه حق و عدالت قرار گرفته باشد، در حالی که وجدان دیگری ممکن است بر گرایش نااندیشیده به عمل بر طبق معیارها، اصول و ممنوعیت‌هایی که محصول محیط اجتماعی اوست متکی باشد. بنا بر این وجدان می‌تواند حفاظی باشد انگیزه از سیرتی شرافت‌مندانه، یا آنکه نمایانگر انبوهی از تعصباتی باشد که شخص از اجدادش فرا گرفته و یا از رسوم اجتماعی محدودی کسب کرده است.

یک فرد بهائی می‌داند که یکی از جنبه‌های رشد روحانی و عقلانی او میدان دادن به پرورش وجدان خود در ظلّ انوار ظهور الهی می‌باشد — ظهوری که علاوه بر مهیّا ساختن گنجینه‌هایی از اصول روحانی و اخلاقی، انسان را به: "...خروج العبد عن الوهم و التقلید و التفرّس فی مظاهر الصّنع بنظر التّوحد و المشاهدة فی کلّ الأمور بالبصر الحدید" توصیه می‌نماید. پس این فرایند رشد مستلزم یک بررسی روشن بینانه قلبی و عقلی از اوضاع جهان می‌باشد. یک فرد بهائی درک می‌کند که زندگی شرافت‌مندانه بر اساس رعایت اصول مشخصی متکی است که ناشی از ظهور الهی می‌باشد و او آن اصول را برای رفاه فرد و جامعه هر دو لازم می‌شمرد. او می‌داند که برای حفظ این اصول، در مواقع معینی تسلیم اختیاری تمایلات وجدان خویش به تصمیم اکثریت، از قبیل پذیرفتن قلبی رأی اکثریت حاصله از مشورت در یک محفل روحانی، یک شرط وجدانی است.

ضمن بحث در باره حکمت در ایمیل مورّخ ... خود اظهار داشته‌اید که شاید "دانشگاهیان بهائی اکثر اوقات متوجّه نشده‌اند که تا حدّ زیادی عدم رعایت حکمت نمایان‌گر قصور در ابراز عشق و محبّت است." بیت العدل اعظم تأیید می‌نمایند که لازمه رعایت حکمت داشتن محبّت و پرورش وجدانی پراحساس می‌باشد. این نیز به نوبه خود نه فقط مستلزم پای‌بند بودن به حدّ اعلاّی صداقت می‌باشد بلکه بذل توجه به اثرات گفتار و رفتار خویش را نیز ایجاب می‌نماید.

وظیفه یک فرد بهائی در پی‌گیری از تحرّی آزادانه حقیقت باید او را به درک تعالیم الهی به عنوان مجموعه‌ای کامل، ارگانیک و دارای انسجامی منطقی رهبری نماید، باید سبب شود که عقاید و انگیزه‌های خود را مورد سنجش قرار دهد و او را قادر سازد که درک نماید که تمسک به عهد و میثاقی که بدان گردن نهاده تقلید کورکورانه نیست بلکه انتخابی است دانسته که آزادانه برگزیده شده و آزادانه دنبال می‌شود.

حضرت عبدالبهاء در بسیاری از بیانات خود حکومت‌هایی را که حامی آزادی وجدان برای شهروندان خود هستند می‌ستایند. چنانچه از فحوای کلام مبارک مشاهده می‌شود، این بیانات به آزادی در انتخاب دین اشاره می‌نمایند. در نسخه اصل قسمتی که در ایمیل مورّخ ... خود به آن اشاره کرده‌اید حضرت عبدالبهاء آزادی را این چنین تجزیه و تحلیل می‌فرمایند:

آزادی سه قسم است یک آزادی الهی است که به ذات باری مخصوص است و او است مختار مطلق کسی او را مجبور نمی‌تواند نمود در هیچ شأنی از شئون. یک آزادی اروپایی‌ها است که انسان هر چه می‌خواهد می‌کند به شرطی که به دیگری ضرر نرساند این حرّیت طبیعی است و

اعظم درجه آن در عالم حیوان این شأن حیوان است این طیور را بینید به چه آزادی زندگانی می نمایند انسان هر چه بکند به قدر حیوان آزاد نمی شود بلکه نظام مانع آزادی است اما آزادی سوّم در تحت سنن و احکام الهیّه است این حرّیت عالم انسانی است که قطع علاقه قلبی از جمیع اشیا می کند از جمیع مشقّات و احزان آسوده می شود هر قدر انسان وجدانش ترقّی می کند قلبش آزادتر می شود و روحش مستبشرتر در دین الله حرّیت افکار هست زیرا حاکم بر وجدان نیست غیر از خدا اما به درجه ای که خارج از آداب نباشد در دین الله حرّیت اعمال نیست از قانون الهی نمی تواند انسان تجاوز نماید ولو ضرری به غیر نرساند چه مقصود از قانون الهی تربیت غیر و خود است چه عند الله ضرر خود و غیر یکسان و هر دو مذموم است باید در قلوب خشیه الله باشد و انسان به آنچه عند الله مذموم است مرتکب نشود لذا حرّیت اعمالی که در قانون است در دین نیست اما حرّیت افکار باید از حدّ ادب تجاوز نکند و اعمال نیز مقرون به خشیه الله و رضای الهی باشد.

آموزش قوانین الهی به فرد بهائی یکی از وظایف محافل روحانی است. حضرت ولیّ امر الله در تویق مورّخ ۱ مارچ ۱۹۵۱ خطاب به یک محفل روحانی به زبان انگلیسی بیانی می فرمایند که ترجمه ای از آن چنین است:

پرورش و غنی سازی زندگانی روحانی یک فرد بهائی، ازدیاد احاطه او بر حقایق اصلیه مکنونه در این امر الهی، تعلیم او در فرایندهای اداری امری و افزایش درک او از اصول عهد و میثاقی که به وسیله مؤسس و مبین منصوص تعالیم امر الهی بنیان نهاده شده است باید هدف اعلاّی وکلای ملی باشد که مسئول تنزیه، توسعه و تحکیم این جوامع می باشند.

این چنین است وظیفه ای که برای پیشبرد زندگی روحانی، وجدانی و اخلاقی افراد احبّا به عهده مؤسّسات انتخابی امر الله محوّل گردیده است. به موازات این، دیانت بهائی از آزادی وجدان که به فرد اجازه می دهد تا از دین انتخابی خود پیروی کند، حمایت می نماید: هیچ کس نباید مجبور به بهائی شدن، یا به بهائی ماندن — اگر وجداناً مایل به ترک آن است — گردد. اما در مورد خود بهائیان یعنی کسانی که تصمیم به پیروی از دیانت حضرت بهاء الله گرفته اند، مؤسّسات بهائی به اینکه افراد احبّا چگونه می اندیشند و افکارشان چیست خود را مشغول نمی دارند، مگر آنکه آن افکار به صورت کرداری جلوه کند که مغایر اصول بنیادی و منافع حیاتی امر الله باشد.

با توجه به این اتهام که این گونه تشخیص‌ها به محدود ساختن آزادی کلام نزدیک است، باید بپذیریم که مدت‌ها است که جامعه مدنی به این نکته آگاه گشته است که گفتار می‌تواند به رفتار تغییر شکل دهد، مدت‌ها است که آگاه گشته و برای حفظ خود و شهروندان خود در برابر این گونه رفتار، هنگامی که از لحاظ اجتماعی مخرب باشد، قدم‌هایی برداشته است. قوانینی که برای رویارویی با فساد و مقابله با برانگیختن نفرت وضع شده نمونه‌هایی هستند که به آسانی می‌توان به آنها اشاره کرد.

از توضیحات فوق مطمئناً برای شما روشن خواهد شد که مقوله‌هایی از قبیل "مسائل مربوط به بدعت عقیدتی که می‌بایست متوقف گردد" و "تحمیل سنت‌گرایی بر جامعه بهائی" که شما به آنها اشاره کرده اید، مفاهیمی هستند که از مطالعه مسیحیت استخراج شده است و با روابط متقابل بس پیچیده‌تر و تعالیمی که دیانت بهائی تدوین کرده است غیر قابل انطباق می‌باشد.

برای همه احبایی که به تحقیق دانشگاهی در باره دیانت بهائی اشتغال دارند مهم است که مشکلاتی را که بدون شک در مسائل تئوری و نظری وجود دارد مورد توجه قرار دهند و در عین حال اجازه ندهند که حملات و تهمت‌های توطئه‌آمیز و غیر محققانه‌ای که گه‌گاه به وسیله افراد بدخواه وارد مباحثات می‌شود آنها را پریشان‌خاطر سازد. گفتمان با کسانی، اعم از بهائی و غیر بهائی، که مسائل بغرنجی را صادقانه مطرح می‌سازند و در صورت غیر بهائی بودن اگر موضوع مخالف تعالیم امر باشد، می‌تواند مفید و آگاه‌کننده واقع گردد. اما ادامه بحث با کسانی که دشمنی مداومی نسبت به دیانت بهائی ابراز می‌دارند و در مقابل هر عقیده‌ای جز عقاید خود مقاومت نشان می‌دهند، معمولاً بی‌نتیجه می‌باشد و برای بهائیبانی که در آن شرکت دارند می‌تواند ناگوار و حتی از لحاظ روحانی فرساینده باشد.

مشکلی که موجب نگرانی بیت‌العدل اعظم گردیده و موضوع مورد بحث چندین مکاتبه بوده است به فساد کشیدن سیستماتیک گفتمان بهائی در بعضی از گروه‌های بحث اینترنتی بوده است. دسیسه‌ای که برای بسیاری از شرکت‌کنندگان بهائی به نحو فزاینده‌ای آشکار گردیده و اگر این دسیسه موفق می‌شد، اولین قربانی آن می‌توانست نفس تحقیقات بهائی باشد. عاملی که به مشاجره‌ای که در دو دهه گذشته به آرامی می‌جوشید و ناگهان در اینترنت به غلیان در آمد شدت بخشید مشارکت اشخاصی بود که گرچه اسماً بهائی بودند ولی برنامه‌های خودشان را در سر می‌پروراندند و هدفشان آن بود که برای پیشبرد این نقشه‌ها از دیانت بهائی سوء استفاده نمایند. به این منظور کوشیدند که ویژگی‌های اساسی امر الله را تغییر دهند. این رفتار با بیانیه‌ها و اقدامات افراد مشخص درگیر، بعد از کناره‌گیری آنها از جامعه بهائی، کاملاً به اثبات رسیده است.

این افراد کوشیدند که از ادبیات، موقعیت و اعتبار فعالیت‌های پژوهش‌گرانه استفاده کنند تا مرجعیتی جعلی به اقدامی خصوصی که ماهیتی عقیدتی و منشأیی خودخواهانه داشت، اعطا کنند. حتی اگر هدف اولیه آنها ماهیتی آرمان‌گرا داشت، صرف‌نظر از اینکه از نظر مفهوم، نارسا و نادرست بود، عملاً به حمله‌ای علیه عهد و میثاقی که حضرت بهاء‌الله به عنوان حصن حصینی بنا نهاده بود که می‌بایست امر مبرمش در آن به نحوی که اراده او است پرورش یابد، تبدیل شده بود. به نظر می‌رسید منظور بعضی از دست‌اندرکاران آن بود که با تضعیف مقام حضرت بهاء‌الله — همان آسیبی که به وسیلهٔ مردمانی با همین گونه تمایلات به مظاهر ظهورات قبلی وارد شده بود — با ایجاد شبهه در مورد مرجعیت تفویض شده به حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی‌امرالله و بیت العدل اعظم و با مورد تردید قرار دادن صلاحیت فرایندهای نظم اداری بهائی بتوانند تعدادی از پیروان بی‌اطلاع را قانع سازند که دیانت بهائی در واقع ظهوری الهی نیست بلکه نوعی سیستم اجتماعی-سیاسی است که مورد بهره‌برداری افرادی جاه‌طلب قرار گرفته است.

آشنایی خود شما با رفتار همین اشخاص، بی‌حرمتی و خشونت‌های آشکار و پنهان خود نسبت به تعالیم امر، که وانمود می‌کنند به آنها احترام می‌گذارند و به امر پژوهش و تحقیق که مدعی خدمت به آن هستند، نشان داده‌اند، برای شما کاملاً روشن ساخته است. روش را نمی‌توان از منش و روحیه جدا کرد. حضرت عبدالبها در رسالهٔ مدنیّه معیار "عالم ربّانی" را چنین تعیین فرموده‌اند: "طیب حاذق‌اند جسم معلول عالم را و تریاق فاروق اعظمند هیئت مسمومه بنی آدم را"

ولکن پروردگار عالمیان از برای هر شیء علائم و آثاری خلق فرموده و محک و امتحانی مقرر داشته. عالم ربّانی را کمالات معنویّه و ظاهریّه لازم و حسن اخلاق و نورانیت فطرت و صدق نیت و فطانت و ذکاوت و فراست و نهی و عقل و حجب و زهد و تقوای حقیقی و خشیهٔ الله قلبی واجب و الا شمع بی‌نور هر چند بلند و قطور باشد حکم اعجاز نخل خاویه و خشب مسنده داشته."

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامه مورخ ۷ آپریل ۱۹۹۹ دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی خطاب به محافل روحانی ملی

(ترجمه)

۷ آپریل ۱۹۹۹

دوستان عزیز،

نکاتی چند در باره مطالعه دیانت بهائی

در ماه می ۱۹۹۸، نشریه بهائی کانادا مجموعه‌ای از نامه‌های بیت العدل اعظم خطاب به افراد مختلف راجع به موضوع مطالعه آکادمیک دیانت بهائی را چاپ نمود. نسخه‌های این مجموعه متعاقباً توسط محفل روحانی ملی کانادا به سایر محافل ملی ارسال گردید. چاپ مجدد این مجموعه اکنون به صورت جزوه‌ای توسط محفل روحانی ملی امریکا در دسترس همگان قرار گرفته است. بیت العدل اعظم از ما خواسته‌اند یک نسخه از آن را هم‌راه با توضیحات زیر برای شما ارسال داریم.

همان‌گونه که عده‌ای از یاران اطلاع دارند، در حال حاضر یک جنبش مخالفت داخلی با تعالیم الهی با استفاده از اینترنت، سیستم رسانه‌ای که اکنون عملاً همه عالم را فراگرفته، در جریان است. این جنبش که با حملات شناخته شده قبلی متفاوت است می‌کوشد دیانت بهائی را در قالب یک ایدئولوژی سیاسی-اجتماعی که با منظور حضرت بهاء الله کاملاً مغایر است جلوه دهد. دست‌اندرکاران این جنبش، به جای مرجعیت مؤسساتی که عهد و میثاق آن حضرت تأسیس نموده است، یک نوع مرجعیت تبیینی را که بر اساس نظرات کسانی که در مطالعات خاورمیانه تخصص یافته‌اند، ترویج می‌دهند.

در اوایل سال ۱۹۹۶، عمدی بودن ماهیت این نقشه از طریق ارسال تصادفی نوشته‌ای به یک لیست اینترنتی، لیستی که مشترکینش معتقد بودند که به تحقیقات دانشمندان امر الله اختصاص دارد، برملا شد. برخی از مسئولین این نقشه وقتی که مشاورین قاره‌ای مسیر اقدامات‌شان را به آنها گوش زد نمودند از امر الله استعفا دادند در حالی که عده قلیل دیگری از درون جامعه بهائی هنوز به پیشبرد این جنبش ادامه می‌دهند.

در گذشته و در شرایط کم و بیش مشابه، صبر و شفقت حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله به تعدادی از مؤمنینی که در اثر اغفال افراد بدنیّت گم راه شده بودند کمک نمود تا سرانجام خود را از این گرفتاری ها نجات دهند. در اوضاع فعلی نیز بیت العدل اعظم با همان روح شکیبایی و مدارا در این مورد، فقط تا حدّ غیر قابل اجتناب، مداخله نموده و با اعتماد به حسن نیّت و قضاوت احبّای مزبور امیدوارند که این دوستان بیدار شده و خطرات روحانی که خود را در معرض آن قرار می دهند درک نمایند. معهداً بعضی از حضرات مشاورین و محافل روحانی ملّی موضوع را از نزدیک تحت نظر دارند، و احبّاً باید مطمئن باشند که هر اقدام دیگری که برای حفظ تمامیت امر لازم باشد به اجرا گذاشته خواهد شد.

همان طور که مندرجات جزوه ضمیمه روشن می سازد، این جنبش مخالفّت درونی — در حالی که ادّعا می کند که حقّانیت ولایت امرالله و بیت العدل اعظم را به عنوان دو جانشین لاینفکّ حضرت بهاءالله و مرکز میثاق قبول دارد — سعی می نماید در مورد ماهیت و وسعت اختیاراتی که در آثار مقدّسه به این دو مرجع عطا شده ایجاد شکّ و شبهه نماید. هر وقت احبّای دیگر تذکر داده اند که چنین مجادلاتی مخالف با نصّ صریح حضرت عبدالبهاء می باشد، پاسخ دست اندرکاران این توطئه به زیر سؤال کشیدن صحّت قضاوت و دیدگاه نفس حضرت عبدالبهاء بوده است. این مجادلات به تدریج دیدگاه این افراد را در مورد شخص حضرت بهاءالله فاش نموده است که ایشان را ندای الهی برای زمان ما ندانسته بلکه صرفاً یک فیلسوف اخلاقی به ویژه روشن فکر می دانند که علاقه اصلی او اصلاح جامعه کنونی بوده است.

معمولاً احتمال تحت نفوذ قرار دادن بهائیان نسبتاً مطلع تنها از طریق چنین مخالفتی بسیار کم است. ولی چنانچه یکی از نامه های مندرج در جزوه ضمیمه (۲۰ جولای ۱۹۹۷) نشان می دهد این توطئه برای تأثیرگذاری خود بر نابسامانی های تفکر مدرن که زائیده آرای مکتب حاکم ماده گرایی می باشد تکیه می کند. اگرچه ماهیت واقعی رابطه دایمی خالق با مخلوق خود و نقش خداوند در حیات انسان و تاریخ بشر جوهر اصلی تعلیم مؤسّسین ادیان الهی می باشد، امروزه ماده گرایی اصولی اصرار دارد که حتّی نفس ماهیت دین را تنها از طریق به کار بردن روش دانشگاهی می توان به طور شایسته درک کرد، روشی که برای انکار حقایقی که ماهیت دین را تعیین می کند طرح شده است.

استراتژی پی گیری شده این جنبش تا به حال به طور کلی این بوده است که از حمله مستقیم به طلعات مقدّسه بهائی اجتناب کند. در عوض کوشش بر آن بوده که با استفاده از تعصّبات آزموده نشده ای که بهائیان احتمالاً ناآگاهانه از جامعه غیر بهائی کسب کرده اند، بذرشکّ و شبهه راجع به تعلیم و مؤسّسات امر مبارک در میان مؤمنین بپاشند. مثلاً بر خلاف تبیینات صریح حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله، محدود نمودن عضویت بیت العدل اعظم به رجال توسط حضرت بهاءالله را صرفاً به عنوان یک "امر موقّتی" که در صورت ایجاد فشار کافی مآلاً در آن تجدید نظر خواهد شد قلم داد می کنند. به همین نحو، توضیح حضرت ولیّ امرالله

را در مورد دیدگاه جمال مبارک راجع به حکومت جهانی بهائی آینده که مرجعیت مدنی و روحانی را متحد خواهد ساخت ردّ نموده و به جای آن ادّعا می‌کنند که مفهوم مدرن سیاست "جدایی دین و حکومت" به نحوی همان اصلی است که مورد نظر حضرت بهاءالله به عنوان یک اصل اساسی نظم جهانی که خود تأسیس فرموده می‌باشد. سعی این گروه در تلقین این عقیده، که مشرق‌الذکار باید به مقرّیک مقام شبه‌اجتهادی تکامل یافته و به طور موازی و اساساً مستقلّ از بیت العدل محلی عمل نماید، به ویژه زیرکانه است، زیرا اجازه خواهد داد که گروه‌های مختلف به طور غیر مستقیم مکانی برای خود در مسیر فرایندهای حیاتی امرالله ایجاد نمایند.

هنگامی که این نوع سوء تعبیرات مورد چالش قرار می‌گیرد عکس‌العمل دست‌اندرکاران جنبش معمولاً این ادّعا است که حقوق مدنی ایشان مورد تهدید قرار گرفته است، ادّعایی که البته با توجّه به اینکه عضویت در جامعه بهائی مطلقاً داوطلبانه می‌باشد بی‌معنی است، این گروه به هم‌چنین تأکید بسیار بر آزادی آکادمیک می‌نمایند. ولی وقتی به دقّت ملاحظه شود معلوم می‌گردد که درک ایشان از آزادی دانشگاهی — در حالی که سعی می‌کنند خصوصیات دیانت بهائی را که در آثار مقدّسه مؤسّسین آن جنبه مرکزیت دارد از این مباحثه دور بدارند — صرفاً آزادی ایشان برای منحرف ساختن مباحثه دانشمندان در جهت پیشبرد برنامه ایدئولوژیکی خودشان است.

اثرات تماس مداوم با این چنین عدم خلوص نیتی در باره مسائلی که برای رفاه بشریت اهمّیت حیاتی دارد از نظر روحانی فرساینده است. حضرت بهاءالله شدیداً به ما توصیه می‌فرمایند که افرادی را که به دلیل بدخواهی آشکار عقل‌شان بسته و قلب‌شان تاریک شده است به خدا واگذاریم و توجّه‌مان را معطوف به موقعیت‌های روزافزون در طریق پیشبرد حقایقی که حضرت‌شان تعلیم می‌دهند بنماییم. در دستخطی که از طرف حضرت ولی‌امرالله، در موقعیتی مشابه موقعیت کنونی ولی نه بهمان اندازه وخیم، به زبان انگلیسی مرقوم شده و ترجمه‌ای از آن به شرح زیر است می‌خوانیم: "...اجباً را باید نصیحت نمود تا این نفوس را به حال خود واگذارند زیرا نفوذ آنها غیر از منفی بودن و مخرب بودن اثر دیگری نمی‌تواند داشته باشد...."

ارسال مطالب ضمیمه به محفل شما نه چندان به خاطر نگرانی در مورد اوضاع فعلی است که منظم‌اً مورد بررسی می‌باشد بلکه به دلیل ملاحظات درازمدتی است که از آن ناشی می‌شود. آنچه که الآن به صورت نسبتاً ابتدایی می‌بینیم بروز یک نوع مخالفت درونی جدید با رسالت حضرت بهاءالله است. این مخالفت که با گذشت زمان مسلماً خصوصیات دیگری به خود خواهد گرفت یک نوع مخالفتی است که هدفش حمله مستقیم به بیانات مؤکّده حضرت بهاءالله در مورد ماهیت روحانی جهان هستی و احتیاج و اتّکای انسان به اثرات ظهورات الهی می‌باشد.

تحوّلات مشروحه فوق برای دوستانی که با توصیف حضرت ولیّ امرالله از امواج متتابع "بحران" و "پیروزی" که تاریخ امرالله را از ابتدای ظهور شکل داده است آشنا هستند ایجاد تعجب نخواهد نمود. دقیقاً همین فرایند متناوب است که به فرموده حضرت ولیّ امرالله به ظهور تدریجی مقصد حضرت بهاءالله تحرک می‌بخشد، میزان تمسک ما به تعالیم آن حضرت را مورد امتحان قرار می‌دهد، موجب تصفیة جامعه اسم اعظم می‌شود و سبب پیدایش قابلیت‌های عظیم تراز قوای مکنونه این ظهور الهی می‌گردد. بروز مقاومت در برابر جمال مبارک بار دیگر در لباسی جدید، به خودی خود نشانه تکریمی است از قدرت روزافزون امرالله و موقعیت‌های جدیدی در سراسر عالم برای احبّای ایجاد می‌نماید تا ایمان‌شان عمیق‌تر و خدمات‌شان پرشورتر گردد.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم

نامهٔ مورّخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۵ دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملی

(ترجمه)

۱۴ نوامبر ۲۰۰۵

دوستان عزیز،

اخیراً سؤالاتی مطرح گردیده که بیت العدل اعظم را برآن داشته است تا دربارهٔ مطالب مورد بحث در جزوهٔ "نکاتی مربوط به مطالعهٔ دیانت بهائی" توضیحات بیشتری ارائه فرمایند.

اصل تحرّی حقیقت طالبان را تشویق و ترغیب می‌نماید که آزادانه به جستجوی حقیقت پردازند. اجرای این اصل در مورد امر حضرت بهاءالله ناگزیر واکنش‌های به مراتب متفاوتی را برمی‌انگیزد. بعضی مجذوب این پیام می‌شوند، امر الهی را از آن خود دانسته و به آن ایمان می‌آورند. عده‌ای دیگر ممکن است برخی از احکام یا اصول امر بهائی را بپذیرند و با طیب خاطر برای رسیدن به هدف‌های مشترک هم‌کاری نمایند. گروهی نیز ممکن است آن را یک پدیدهٔ اجتماعی جالب و درخور مطالعه ببینند. هم‌چنین برخی که به معتقدات خود قانع و خرسندند ممکن است دعاوی آن را رد نمایند. بهائیان بر اساس تعالیم خود به عقاید و نظرات دیگران با دیدهٔ احترام می‌نگرند و معتقدند که در امور وجدانی اجبار روا نیست.

با ایمان به دیانت بهائی، فرد بعضی معتقدات اساسی را قبول می‌نماید ولی اطلاعات او از تعالیم امر مبارک محدود و اغلب با آرای شخصی توأم است. حضرت ولی‌امرالله به زبان انگلیسی بیانی فرموده‌اند که ترجمه‌ای از آن چنین است: "معرفت دقیق و کامل چنین نظام وسیعی، چنین ظهور عظیمی و چنین ودیعهٔ مقدّسی به دلایلی واضح و رای ادراک و احاطهٔ عقول محدود ماست." با گذشت زمان و از طریق مطالعه، تفکر و تبّتل و رعایت حیات بهائی، افکار نارسا جای خود را به درک عمیق‌تری از آثار و تعالیم حضرت بهاءالله می‌دهد. خدمت به امرالله در این تغییر و تحوّل نقش به خصوصی را ایفا می‌نماید زیرا معانی نصوص مبارکه وقتی روشن می‌گردد که انسان آنها را از مرحلهٔ درک ذهنی به مرحلهٔ عمل درآورد. استنباط یا تعبیر شخصی اصولاً نباید سرکوب گردد بلکه باید، به جهت سهمی که در پیشبرد گفتمان جامعهٔ بهائی می‌تواند داشته باشد، به آن ارج نهاد. هم‌چنین نباید اجازه داده شود که پافشاری شدید یک فرد بر استنباط شخصی خود سبب بروز مجادله و مشاجره بین احبّاً گردد. عقاید شخصی را باید همواره از نصّ صریح و تبیینات موثّق

حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و تشریحات بیت العدل اعظم در مورد آنچه محلّ "اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیرمنصوصه" است تمیز داد.

بهائیان در طلب درک بیشتر طبعاً به کتب و نشریات مختلف مراجعه می کنند. کتابی که توسط یک محقق بی غرض غیر بهائی در باره امر بهائی نوشته شده، حتی اگر حاوی برخی فرضیات و نتیجه گیری هایی باشد که در یک رشته تخصصی معین قابل قبول ولی با اعتقادات بهائی متفاوت است، مشکل خاصی برای بهائیان ایجاد نمی کند، زیرا آن را نتیجه کوششی صادقانه برای تحقیق در باره یک پدیده دینی که هنوز عموماً شناخته نشده است تلقی خواهند نمود. هر کوشش بی طرفانه، هر قدر هم نارسا، برای روشن ساختن امر بهائی برای گروهی خوانندگان اندیشمند قدردانی صمیمانه بهائیان را به خاطر دیدگاه ارائه شده و مهارت های پژوهشی که در آن پروژه به کار رفته بر خواهد انگیخت. اما وقتی که شخصی عمداً امر مبارک را مورد حمله قرار می دهد قضیه کاملاً متفاوت است. یکی از وظایف گریزناپذیر بهائیان این است که خود را با معارف امری چنان مجهز سازند که در هنگام بروز چنین مخالفت هایی قادر باشند پاسخ مناسب ارائه دهند و به این ترتیب اصالت و یک پارچگی امر مبارک را حفظ نمایند.

بیانات مبارکه حضرت بهاءالله طرز فکر و شیوه شایسته ای را که باید در پیش گیریم روشن می سازد. آن حضرت مؤمنین را اخطار می فرماید که "در کلمات احدی به دیده اعتراض ملاحظه ننمایید بلکه به دیده شفقت و مرحمت مشاهده کنید مگر آن نفوسی که الیوم در ردّ الله الواح ناریه نوشته بر جمیع نفوس حتم است که بر ردّ من ردّ علی الله آنچه قادر باشند بنویسند."

ولی وقتی شخصی یا گروهی با استفاده از مزیت عضویت در جامعه بهائی به وسایلی متشبث می شود تا آرای شخصی و یا یک دستورالعمل ایدئولوژیکی را بر جامعه بهائی تحمیل نماید، چالش و مشکل نوع دیگری است. مثلاً اخیراً، شخصی خود را "عالم الهیات بهائی که از جانب یک جامعه دینی و برای آن جامعه" مطالبی می نویسد، معرفی کرده و هدف خود را چنین توصیف نموده است: "انتقاد، روشن سازی، تصفیه و تقویت آرای جامعه بهائی برای آنکه بهائیان بتوانند دیانت نسبتاً تازه خود را درک کنند و دریابند که این دیانت به جهانیان چه می تواند عرضه نماید." اینگونه ادعاها با نظرهای شخصی — که هر فرد بهائی در ابراز آن آزاد است — تفاوت بسیار دارد. معلوم است که چنین ادعایی به کلی از چارچوب اعتقادات و عرف بهائی خارج است. حضرت بهاءالله وجود طبقه ای را که از اختیارات مذهبی برخوردار باشد و بکوشد مرجعیتی را که برای خود قائل شده بر افکار و رفتار توده مؤمنین تحمیل سازد، در دیانت خود نهی فرموده و از این طریق به افکار بشری آزادی بخشیده اند. در حقیقت آن حضرت نظامی را تجویز فرموده اند که از طریق فرایندهای مشورتی، آداب دموکراتیک و بکارگیری دانش را با هم در می آمیزد.

بیت العدل اعظم اطمینان دارند که مطالب مندرج در این نامه احباً را قادر خواهد ساخت تا از دست آوردهای گوناگونی که نتیجه تفحص در حقایق بی شمار مودوعه در امر عظیم حضرت بهاءالله است بهره‌گیرند و در عین حال تحت تأثیر اقدامات افراد معدودی که به طور آشکار یا پنهان در جهت انحراف جامعه بهائی از مفاهیم اساسی امرالله می‌کوشند قرار نگیرند.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم

بیانیه مورخ ۶ ژانویه ۲۰۰۲ حمله به امرالله در نقاب دانش پژوهی

[سندی که به دستور بیت العدل اعظم تهیه شده و در ۵ مارچ ۲۰۰۶ به تمام مشاورین ارسال گردیده است]

(ترجمه)

نامه مورخ ۷ آپریل ۱۹۹۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم توجه محافل روحانی ملی را به حملات گروهی از افراد که برای انجام منظور خود از اینترنت استفاده می کردند جلب نمود. با گذشت زمان ماهیت و مقصود این حملات به طوری فزاینده روشن تر می شوند.

این وضع با رفتار تفرقه انداز چند نفر بهائی در ایالات متحده آمریکا که نیازمند مداخلات مکرر مؤسسات امری بود شروع شد. سرانجام معلوم گردید که برخی از افراد درگیر نمی توانند — یا نمی خواهند — خود را با معیارهای مشخصی از دینانتهی که به قول خویش مدعی قبول آن هستند، و یا با مرجعیتی که توسط بنیان گذاران آن دینانتهی به مؤسسات نظم اداریش اعطا شده وفق دهند. به جای رویارویی با آنچه که سایر احبباً آن را محک ایمان و جزء لاینفک حیات روحانی تلقی می کنند، این اشخاص کوشیدند تا تعالیم بهائی را بر وفق امیال شخصی خویش از نو تعبیر و تفسیر کنند. تا اینکه در سال های دهه ۱۹۹۰ بعضی از ایشان پا را فراتر نهاده و نقشه ای طرح نمودند که هدف آن گنجاندن دینانتهی در قالب یک نوع سیستم ایدئولوژیک بود.

اعتبار این نقشه متکی بر مدارک دانشگاهی دو یا سه تن از مروّجین عمده اش در مطالعات خاورمیانه ای بود که به نحو تهاجمی می کوشیدند تا نظرات خود را نه فقط به عنوان آرای محققانه بلکه به عنوان باز نمودهای قاطع منظور حضرت بهاءالله در ذهن جامعه بهائی جای دهند. با آگاهی از اینکه تدارکات عهد و میثاق کوشش های نسبتاً مشابهی را در گذشته در هم شکسته است این افراد برای تضعیف نفوذ عهد و میثاق در ایمان مؤمنین به چند اقدام دست زدند. برنامه مورد نظر این افراد انذارات حضرت عبدالبهاء را در مورد کسانی که سعی می کنند "از آب گل آلود ماهی بگیرند" به خاطر می آورد:

۱. پایین آوردن مقام حضرت بهاءالله به درجه یک فیلسوف اخلاقیات و اصلاح گر اجتماعی که نوشته هایش عمدتاً پاسخی به مسائل تاریخی بود که او در خاورمیانه در طول قرن نوزدهم با آنها روبرو شده بود.
۲. ردّ تبیینات مستند حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و انگاشتن آنها به عنوان نظراتی صرفاً شخصی که تحت همان شرایط فوق شکل گرفته بود.

۳. متهم ساختن انتخابات بهائی به نداشتن جامعیت بخصوص در انتخابات بیت العدل اعظم، مرجعی که چنانچه نقشه آنان عملی می‌شد، می‌بایست مرجعیت آن نیز تضعیف گردد.

۴. سیلی از تهمت‌ها و ناسزاها به سوی بسیاری از بهائیان برجسته که بعضی در قید حیات بوده و برخی از این عالم رخت برپسته بودند — از ایادیان امرالله گرفته تا اعضای هیئت‌های معاونت — که منظور آشکار آن تضعیف اعتماد بهائیان به صلاحیت و تمامیت اخلاقی مؤسسات بهائی بود.

۵. تحمیل نظرهای گوناگون بر پیام حضرت بهاءالله، نظرهایی که از فرهنگ سیاسی معاصر و عمدتاً برای جلب هم‌دردی مخاطبان بی‌اطلاع غربی انتخاب شده است.

اگر دست‌اندرکاران این توطئه صیادانه فقط عدم ایمان خود به پیام حضرت بهاءالله به عنوان یک ظهور الهی را اعلام می‌کردند و صراحتاً اعتراف می‌نمودند که برای ایجاد یک سیستم فکری خود بعضی از افکار بهائی را اقتباس کرده‌اند، هیچ فرد بهائی اعتراضی نمی‌کرد. آزادی در داشتن یا نداشتن ایمان یک اصل اساسی دیانت بهائی است و جامعه بهائی در احترامی که به عقاید غیر بهائیان می‌گذارد معروف و ممتاز است.

علاوه بر آن، بهائیان تشویق می‌شوند که با هم به کشف مفاهیم و مقتضیات تعالیم دیانت خود بپردازند و این نکته را نیز قبول دارند که بیان نظرات متنوع جزء اساسی این فرایند است. آنچه که نه اخلاقی و نه قابل قبول است، تجاوز به تمامیت امر حضرت بهاءالله از جانب کسانی است که ادعای محترم شمردن آن را دارند ولی با سعی در غضب نام و اعتبار به سختی بدست آمده‌اش به پیشبرد نظریات و برنامه‌هایی می‌پردازند که اساساً با آثار مقدسه این دیانت که مورد تصدیق عموم است مابینت دارد. اعمال این تجاوزات در لباس دانش‌پژوهی — یا تحت پوشش احقاق حق آزادی عقیده — صرفاً خطا را شدیدتر و پیچیده‌تر می‌نماید.

خود این واقعه در حال حاضر اهمیت چندانی ندارد، زیرا اغلب گردانندگان اصلی آن دیگر بهائی نیستند. احبای مطلع و آشنا با منابع دست اول بسیاری از سفسطه‌ها و تناقضاتی را که در استدلالات ایشان ارائه می‌شد افشا نمودند و جامعه بهائی که در تعالیم امر مبارک آموزش یافته و با جامعه‌ای که در قرون اولیه تاریخ ادیان وجود داشته بسیار متفاوت است، توجهی به آن نشان نداده است.

امید چنان است که هر فرد بهائی که احتمالاً در اثر این سوء تعبیرات دیانت بهائی دچار سردرگمی شده است به موقع تعادل خود را باز خواهد یافت. بالاتر از آن — هم‌چنانکه هم حضرت عبدالبهاء و هم حضرت ولی‌امرالله تأکید فرموده‌اند — تاریخ امرالله مشحون از تتابع چنین بحران‌هایی است که نتیجه خالص آن، بر

طبق کلام حضرت ولیّ امرالله، "یک فرایند پاک‌سازی" بوده است که گاه به گاه، جامعه را از وجود افرادی که رفتار و گرایش‌های فکری‌شان مؤمنین دیگر را مورد امتحانات شدید قرار داده و مانع پیشرفت کارهای تبلیغی در نقاطی که ساکن بوده‌اند شده است، شسته و پاک نموده است.

یک پیامد درازمدت‌ترین واقعه می‌تواند اثرگذاری بر برخی از اذهان عمومی از طریق تفاسیر غرض‌آلود و ترجمه‌های مشکوکی که به منظور توجیه استدلال‌ات توطئه‌ اصلی نوشته شده بود باشد. دست‌اندرکاران با ارسال مطالبی به اینترنت به تحریک و تهییج این نقطه‌نظرها از طریق نوشتجاتی که هر بار گوش‌خراش‌تر و کینه‌توزانه‌تر می‌شود، هم‌چنان ادامه می‌دهند. به این ترتیب بهائیان در بعضی از نقاط احتمالاً باید به تشریح برداشت‌های غلطِ شگفت‌انگیزی از دیانت خود که جویندگان راستین، رسانه‌های عمومی و یا دانشگاهیان در آرشیوهای اینترنتی به آنها برخورد کرده‌اند بپردازند.

بسیار مهم خواهد بود که احبایی که از آنها خواسته شده است که به چنین سؤال‌هایی پاسخ بدهند، شخصاً حقیقت مسئله‌ای را که در پس ابرهای مغلطه محققانه و تهمت و افترا پنهان شده است درک کنند و برای جویندگان روشن نمایند و توضیح دهند که اصل مسئله این بود که آیا می‌توان جامعه بهائی را با فریب یا به زور وادار کرد که اعتمادش را نسبت به سیستم اداری و حکومتیش که از جانب حقّ مقرر گردیده رها نموده و در عوض تسلط فکری یک گروه از افراد جاه‌طلب را قبول کند، افرادی که تنها صلاحیت‌شان برای رهبری روحانی — یا در حقیقت رهبری فکری — داشتن تخصص فنی در رشته‌ای است که در بین هزاران نفر دیگر از دانشگاهیان در سراسر عالم، از جمله گروهی روزافزون از بهائیان، مشترک می‌باشد.

با ردّ کردن تلاش‌های این افراد، جامعه بهائی قدم مهمّ دیگری در پیشبرد مقصد حضرت بهاءالله برای آزادی روحانی بشریت برداشته است. نظم اداری که خود حضرت بهاءالله تأسیس فرموده‌اند به یک جامعه که نمایان‌گر تنوع موجود در نسل بشر می‌باشد، توان می‌دهد تا مسئولیت دسته‌جمعی برای توسعه روحانی و اجتماعی خویش را به عهده بگیرد بدون اینکه هیچ امتیاز خاصی به نخبگان خود برگزیده بدهد. در عصر آموزش و پرورش همگانی هیچ عاملی نمی‌تواند توده‌های مردم کره زمین را از اینکه آنان نیز روزی همین مسیر را طی کنند باز دارد.

مراجع و یادداشتها

^۱ این قسمت از بیان مبارك از پژوهشنامه سال ۲، شماره ۲، ص ۴ نقل گردیده است.

^۲ مفاوضات، ص ۱۵۹

^۳ مقصود بیانیه دارالتحقیق "تحدی و امیدواری در مورد تحقیق و تتبع بهائی" است که در مجلد ۱۷ عالم بهائی در سال ۱۹۸۱ صفحات ۱۹۵-۱۹۶ درج گردیده است. این بیانیه سهوا بعنوان بیانیه بیت العدل اعظم ذکر گردیده است.

^۴ مرجع سابق